

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۱ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۲۳

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۱ شورای نگهبان

ویراستار و مستندساز:

حمید فعلی

بازبینان:

مهدی رجائی و سید احمد حسینی پور اردکانی

ناظر علمی:

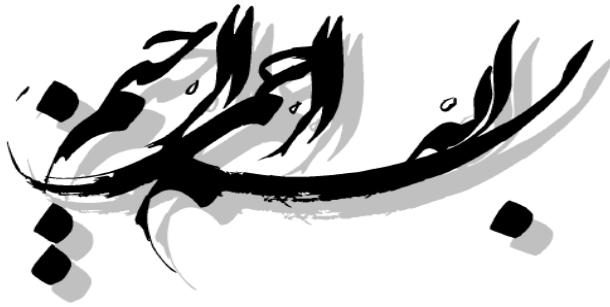
کاظم کوهی اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۲۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۱ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
	لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت
۳	حقوقی متقابل در امور کیفری.....
	لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه
۱۴	استرداد مجرمین.....
۴۴	طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰.....
۵۷	طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۱۰/۱/۱ تا ۱۳۲۸/۱۲/۲۹.....
۵۸	طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۲۹/۱/۱ تا ۱۳۳۶/۷/۳۰.....
۵۹	اصلاحیه لایحه مجازات استفاده کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز.....
۶۳	اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی.....
۷۸	اصلاح اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران.....
۸۲	لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان.....
۹۵	لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره.....

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم. دستور اول: «لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری»^(۱) حاج آقا، در مورد لایحه‌ی معاهده با اندونزی هفته‌ی قبل بحث کردیم و گفتیم که خلاف قانون اساسی نیست و قرار شد آقایان فقهای شورا خلاف شرع بودنش را بررسی کنند. هنوز پاسخ شورا در مورد این مصوبه به مجلس نرفته است؛ امروز نامه‌ی استمهالش به مجلس فرستاده شده است.

آقای عزیزاده - بله، امروز نامه‌ی استمهالش را فرستادیم.

منشی جلسه - الآن هم نظریه‌ی مجمع مشورتی فقهی قم در مورد این مصوبه آمد. اگر صلاح می‌دانید این مصوبه را بررسی کنیم.

آقای عزیزاده - بله، این مصوبه را می‌رسیم. خوب، اگر آقایان فقها نظری در مورد این مصوبه دارند، به ترتیب بفرمایند.

آقای مؤمن - نظریه‌ی مجمع فقهی قم در مورد این مصوبه را نفرستاده‌اند؟

منشی جلسه - مجمع فقهی همین امروز نظر داده‌اند؛ یعنی نظرشان را فرستاده‌اند.

آقای عزیزاده - نظرشان کجاست؟ نظر آنها را بدهید.

آقای مؤمن - پس آن نظر را برای من نگذاشته‌اند.

آقای عزیزاده - یک نسخه از نظر مجمع فقهی را به ما بدهید تا ما هم ببینیم.

آقای جنتی - اگر نظر مجمع فقهی همان اشکال‌های سابق است که دیگر نیاز به

۱. لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۶ با اصلاحاتی به تصویب مجلس رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۴۵/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۷۰۸ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

خواندن دوباره ندارد. یعنی همان اشکال‌های قبلی است؟

آقای مؤمن - نه، این اشکال‌ها، اشکال‌های سابق نیست. خب، آقایان فقها نظرشان را بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - این اشکال‌ها هم شبیه آنها است. شاید همان اشکالات باشد.

آقای علیزاده - آقایان اعضا این مصوبه را از جهت حقوقی خوانده‌اند؟ چیزی به نظر تان نمی‌رسد؟

آقای جنتی - آقای شاهرودی هم که نیست، بنابراین ما الآن نمی‌توانیم به این مصوبه رأی خلاف شرع بدهیم.

آقای مدرسی یزدی - یعنی اصل اشکال‌های این مصوبه مطرح شده است.

آقای یزدی - بله، این اشکال‌ها مطرح شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اشکال‌های این مصوبه، اصلاً هنوز مطرح نشده است.

منشی جلسه - هفته‌ی قبل گفتیم که این معاهده خلاف قانون اساسی نیست. قرار شد که آقایان فقها در خصوص مخالفت این مصوبه با شرع نظر بدهند.

آقای علیزاده - حالا اشکالات شرعی این مصوبه را بخوانیم دیگر. اولین ایرادی که آقایان مجمع فقهی قم در نظرسان نوشته‌اند، در مورد بند (۳) ماده (۶) است.^(۱)

آقای شب‌زنده‌دار - آقایان مجمع فقهی در مورد این مصوبه دو ایراد نوشته‌اند.

آقای مؤمن - بله.

آقای کدخدائی - ما راجع به این معاهده، هیچ بررسی نکرده‌ایم. این لایحه معاهده با اندونزی در زمینه‌ی معاضدت حقوقی در امور کیفری است. این جزء معاهداتی که هفته‌ی گذشته بررسی کردیم نیست. در مورد این مصوبه هیچ نظری اعلام نکرده‌ایم.

۱. بند (۳) ماده (۶) لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- اجرای درخواست ... -۱»

۳- چنانچه اجرای درخواست با انجام تحقیقات، تعقیب یا رسیدگی قضایی جاری در طرف درخواست‌شونده تداخل داشته باشد، معاضدت ممکن است از جانب طرف درخواست‌شونده به تعویق انداخته شود.

۴- «...»

آقای علیزاده - مگر این معاهده در مورد «استرداد مجرمین» نیست؟
آقای مؤمن - نه.

آقای کدخدائی - نه، موافقتنامه‌های با اندونزی دو تا است.

آقای مدرسی یزدی - این در مورد «معاضدت در امور کیفری» است.

آقای علیزاده - مجمع مشورتی فقهی در مورد این مصوبه هنوز هیچ چیزی به ما اعلام نکرده است.

آقای کدخدائی - ما در مورد مصوبه‌ی مربوط به معاضدت کیفری هیچ نظری اعلام نکرده‌ایم.

منشی جلسه - حاج‌آقا، این معاهده هم به دستوره‌های هفته‌ی بعد اضافه می‌شود.

آقای علیزاده - بله دیگر، وقت برای بررسی این مصوبه مانده است. این مصوبه، بیست و هفتم خرداد به دست ما رسیده است. حالا یک کمی وقت داریم. این مصوبه تازه آمده است؛ وقت دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای کدخدائی - این معاهده، جدید است. اشتباه کردند؛ ایشان [= منشی جلسه] معاهده‌ی قبلی را می‌فرمایند [که در هفته‌ی قبل بررسی کرده‌ایم].

آقای مدرسی یزدی - حالا عیبی ندارد، در مورد این مصوبه هم بحث می‌کنیم.

آقای مؤمن - حالا این مصوبه هم جزء دستور است دیگر.

آقای علیزاده - اگر آقایان این مصوبه را مطالعه فرموده‌اند، راجع به آن بحث کنیم.

منشی جلسه - با اندونزی دو معاهده بسته‌ایم؛ یکی مربوط به استرداد مجرمین است که هفته‌ی قبل آقایان شورای گفتند که این مصوبه خلاف قانون اساسی نیست. اما از جهت فقهی، قرار شد آقایان فقها در موردش نظر بدهند.

آقای کدخدائی - معاهده‌ی مربوط به استرداد مجرمین جزء آن مصوبه‌هایی است که اعلام نظر در مورد بحث شرعی‌اش باقی مانده است، ولی این مصوبه، جدید است.

آقای علیزاده - درست می‌فرمایید.

منشی جلسه - مجمع فقهی نظرش در مورد مصوبه‌ی هفته‌ی قبل [= لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین] را امروز فرستاده‌اند.

آقای مؤمن - اما مصوبه‌ی مربوط به معاضدت، در دستور جلسه‌ی امروز است! **آقای عزیزاده -** این دستور جلسه‌ها را بخوانید، ببینید این دستور در کجایش نوشته شده است.

منشی جلسه - آقایان می‌گویند مجمع فقهی دستور جلسه‌ی امروز که مربوط به معاضدت در امور کیفری با اندونزی است را اصلاً بررسی نکرده است.

آقای عزیزاده - خب، بررسی نکرده باشند.

آقای کدخدائی - آنها نظرشان را در مورد این مصوبه نداده‌اند.

آقای عزیزاده - حالا بعضی از آقایان فقها می‌گویند ما این مصوبه را خوانده‌ایم. واجب نیست که حتماً مصوبه در مجمع فقهی بررسی بشود. آقایان فقهای شورا که می‌فرمایند ما این مصوبه را خوانده‌ایم. خب اگر آقایان فقها خوانده‌اند، در مورد آن نظر بدهند دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - ما که این مصوبه را نخوانده‌ایم.

آقای عزیزاده - خب، حضرت حاج‌آقای مدرسی، شما این را خوانده‌اید؟ کجایش ایراد دارد؟

آقای مدرسی یزدی - بله. خدمت شما عرض کنم که معاضدت در امور کیفری با کشور اندونزی، از یک جهت می‌تواند ایراد داشته باشد و آن در جایی است که ما به واسطه‌ی این مصوبه فرار باشد معاضدت و کمک کنیم که یک مؤمن، طبق دادگاه‌های غیر شرعی در اندونزی محاکمه بشود. یعنی ما با تصویب این مصوبه، باید کمک به باطل بکنیم؛ اعانت بر اثم بکنیم. اطلاق این مصوبه از این نظر اشکال دارد. اصلاً شاکله‌ی معاضدت به این شکل است.

آقای مؤمن - بله، این یکی از اشکالاتی است که مسلماً این مصوبه دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، عمده ایراد این مصوبه، همین است. با توجه به مروری که من کردم، این مصوبه اشکال خاص دیگری ندارد.

آقای عزیزاده - این اشکال، همان اشکالی است که همیشه می‌فرمایید که پذیرش این معاهده، مستلزم تأیید قوانین و احکام محاکم آنها می‌شود.^(۱)

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تنفیذ مقررات و احکام محاکم قضایی دیگر کشورها را مغایر

آقای مؤمن - ما هم این ایراد را قبول داریم.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب، حالا هر کس دیگر از فقها هم که این اشکال را قبول دارد، بگوید تا رأی گیری بشود.

آقای شب‌زنده‌دار - ما هم این اشکال را قبول داریم.

آقای مدرسی یزدی - خب ایشان [= آقای شب‌زنده‌دار] هم این اشکال را قبول دارد. اگر شما [= آیت‌الله جنتی] هم این اشکال را قبول داشته باشید، چهار تا رأی می‌شود.

آقای یزدی - این یک بحث مبنایی است که تا کنون، بارها در اینجا مطرح شده است.

آقای مؤمن - این معاهده که با دیگر معاهده‌ها فرقی نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - پس چهار تا رأی درست شد؟ اشکال این مصوبه رأی آورد؟ شما [= آیت‌الله جنتی] این اشکال را قبول ندارید؟

آقای جنتی - من نظر ایشان [= آقای یزدی] را قبول دارم. ما بالاخره یا باید درب مملکت‌مان را ببندیم و ارتباط‌مان را با خارج قطع کنیم، یا اگر خواستیم با دیگران ارتباط داشته باشیم، یک چنین مشکلاتی با همه جا داریم. بالاخره همه‌ی قوانین دنیا که با قانون ما تطبیق نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - باید یک قید به این مصوبه می‌زدند. اگر یک قید می‌زدند، مشکلش حل می‌شد. اینکه مشکلی نداشت. اگر یک قید به این صورت می‌زدند و می‌گفتند: «در صورتی که خلاف شرع هم نباشد»، تمام می‌شد.

→

با موازین شرع تشخیص داده است. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در بند (۱) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۰۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ خود در خصوص لایحه تشریفات (پروتکل) انتقال محکومین به حبس الحاقی به موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۹ مجلس شورای اسلامی، چنین اظهار داشته است: «۱- همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه اظهار نظر شده است، این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن، از جمله بندهای (۳) و (۴) ماده (۸) و بند (۲) ماده (۱۱)، اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجرا دانسته و نیز بعضی مواد آن مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور ترکمنستان و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

آقای یزدی - این یک بحث مبنایی است؛ و آلاً [از نظر ما] خود اصل حکومت آنها غیر شرعی است، چه رسد به قوانینشان.

آقای مدرسی یزدی - خب، آن موضوع که مربوط به ما نیست؛ ما که آنها را تأیید نکرده‌ایم. اما اینجا می‌توانستند با آوردن یک قید، ایرادش را حل کنند.

آقای یزدی - در یک قرارداد وقتی که ارتباطات سیاسی برقرار شد و قرار شد دو کشور با یکدیگر معاضدت کنند، به اتباع دو کشور کمک می‌کنند. باید این طرف قضیه را هم نگاه کرد. لذا همان‌طور که آن طرف قضیه هست، این طرف را هم باید دید.

آقای مدرسی یزدی - پس شما دارید مصلحت‌سنجی می‌کنید. خب اگر می‌خواهید مصلحت‌سنجی کنید، عیبی ندارد. من هم اگر الآن در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام نشسته بودم، ممکن بود چنین حرفی بزنم، ولی اینجا در شورا بنا است که اعمال مصلحت‌سنجی نکنید. اگر اعمال مصلحت‌سنجی نکنید، این مصوبه ایراد دارد.

آقای یزدی - نه، این مصلحت‌سنجی نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر؛ این بیان شما مصلحتی است دیگر. اگر مصلحتی نیست، پس چیست؟

آقای مؤمن - بالاخره آیا ما دادگاه‌های آنجا را قبول داریم یا نداریم؟ حالا این بار حاج آقای جنتی خدشه وارد می‌کنند.

آقای جنتی - عمده این است که این معاهده، ضرورت است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، پس این مسئله را باید مجمع تشخیص مصلحت بگوید. حالا اگر شما این اختیار را دارید که اینجا مصلحت را اعمال کنید، خب بکنید؛ مشکلی ندارد. اگر هم اختیار ندارید، اعمال نکنید.

آقای مؤمن - بله، ضرورت عنوان ثانوی^(۱) است؛ پس باید مجمع تشخیص مصلحت

۱. عالمان اصول فقه احکام شرعی را به دو دسته احکام اولیه و احکام ثانویه تقسیم کرده‌اند. حکم اولیه، حکمی است که برای موضوعی بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی مانند اضطرار و همچنین بدون در نظر گرفتن حالت شک و جهل مکلف نسبت به حکم واقعی قرار داده شود؛ مانند وجوب وضو برای نماز. منظور از حکم ثانوی، احکامی است که به لحاظ اضطرار و دیگر عناوین ثانویه برای موضوع از طرف خداوند قرار داده شده است. به عبارت دیگر، به احکامی ثانوی می‌گویند که به خاطر عارض

نظام در مورد آن نظر بدهد. یعنی این اشکالی که شما می‌فرمایید، در همه جا هست. بالاخره آیا شما دستگاه قضایی آنجا را در مقام عمل قبول می‌کنید؟ آیا حکم قضایی دستگاه قضایی آنجا را قبول دارید؟

آقای یزدی - دستگاه قضایی که هیچ، اصل دستگاهشان را قبول نداریم؛ ولی در عین حال وقتی ارتباط برقرار شد و قرار شد متقابلاً عمل کنیم، آنها هم نسبت به زندانیان ما همین کمک را انجام می‌دهند و ما هم متقابلاً نسبت به زندانیان آنها همین کمک را باید انجام دهیم. این کار به معنای معاونت با کفر و زندقه نیست، بلکه این به معنای استفاده از موقعیت در روابط با دیگران است. خود پیغمبر خدا (ص) هم با زندقه و کفر ارتباط برقرار کرد و در مقابل، در جاهایی هم از آنها استفاده کرد.

آقای مؤمن - اینجا اصلاً بحث زندانی نیست. ما حکمی که آنها می‌دهند را قبول نداریم.

آقای یزدی - من این اشکال را قبول ندارم. من در مورد این مسئله با خود مقام معظم رهبری هم صحبت کرده‌ام. در یکی از جلساتی که ما [= اعضای فقهای شورا] هفتگی با ایشان داشتیم، من در این مورد با ایشان صحبت کردم. من از فرمایش ایشان قانع شدم. در آن جلسه صحبت به جایی رسید که حتی ایشان گفتند وقتی ما به خارجی‌ها ویزا می‌دهیم که به کشور ما بیایند، دادن این ویزا معنایش این است که جانشان، مالشان، عرضشان، ناموسشان و همه چیزشان را تا زمانی که در کشور ما هستند، باید حفظ بکنیم؛ یعنی باید تحت حمایت قدرت ما باشند. همان‌طور که وقتی آنها هم در

→

شدن حالتی نظیر اکراه، اضطراب، عسر و حرج و یا عناوینی مثل نذر و تقيه (عناوین ثانوی) برای مکلف، قرار داده می‌شود. چون بیشترین کاربرد آن از عناوین ثانوی، حالت اضطراب است، به آن حکم اضطرابی هم گفته شده است. حکم ثانویه مانند حکم اولیه از طرف خداوند قرار داده شده است. به عنوان مثال، حکمی مانند «وجوب» برای موضوعی مانند روزه حکم اولی است که برای مکلف در شرایط عادی قرار داده شده است، اما در شرایط خاصی مانند ضرر، این حکم در اینجا «وجوب» عوض شده و به حکم دیگری مانند «حرمت» تبدیل می‌شود که آن حکم ثانویه «روزه» است. درباره تعداد عناوین ثانویه در فقه اسلامی و اینکه اختصاص به چه مواردی دارند، نمی‌توان نظر دقیقی بیان کرد. برخی از این عناوین عبارتند از: ضرورت و اضطراب، اکراه، ضرر، عسر و حرج، اهم و مهم، حفظ نظام، تقيه، اعانت بر واجب و ترک حرام، اعانت بر معصیت و ظلم، نذر، عهد و قسم. (گروهی از نویسندگان، فرهنگنامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵-۱۱۶)

کشورشان به ما ویزا می‌دهند، معنایش این است که باید همه چیز ما را حفظ بکنند. این قبیل قراردادها به نفع اسلام است. اینها خلاف شرع نیست.

آقای مدرسی یزدی - بله، ولی حالا اگر یک قید «عدم مغایرت با شرع» در اینجا می‌زدند، اشکال رفع می‌شد. هر چند ممکن است صد تا استدلال مبنی بر قبول این موافقتنامه هم باشد، اگر بنویسند «مگر در جایی که خلاف شرع باشد»، آمدن این قید چه اشکالی ایجاد می‌کرد؟ با این کار هم با کشورها می‌توانستیم ارتباط داشته باشیم و هم بر قوانینمان تحفظ کرده بودیم. هیچ مشکلی هم ایجاد نمی‌شد. عیب کار این است که آقایانی که این موافقتنامه‌ها را تنظیم می‌کنند، این عبارت را نمی‌نویسند و نمی‌گویند «مگر اینکه از لحاظ مذهبی مشکل داشته باشد». در موافقتنامه نوشته شده است که اگر از لحاظ سیاسی مشکل داشته باشی، معاضدت نکن؛^(۱) خب یک کلمه هم خلاف شرع نبودن را اضافه می‌کردند، والسلام.

آقای جنتی - خب چنین قیدی را طرف‌های ما در موافقتنامه‌ها قبول نمی‌کنند. اینکه ما یک چیزی بنویسیم راحت است، ولی قرارداد طرفینی است و آنها هم باید این قید را قبول کنند.

آقای مدرسی یزدی - چرا قبول نمی‌کنند؟ حالا یک بار امتحان کنیم، ببینیم قبول می‌کنند یا نمی‌کنند. حالا در مورد این موافقتنامه هم ما می‌گوییم بنویسند «مگر اینکه ما از نظر مذهبی یک مشکلی برای معاضدت داشته باشیم». مثل همین محذوریت سیاسی که در موافقتنامه نوشته‌اند.

آقای مؤمن - یعنی بالاخره می‌فرمایید اگر مسلمانی با حکمی که در دستگاه قضایی آنجا صادر شده، به مجازاتی محکوم شده باشد، ما این حکم را اجرا کنیم یا نه؟ یعنی شما می‌فرمایید اجرای این حکم اشکالی ندارد؟! خب این حرف معنایش این است که ما برای دستگاه قضایی آنها ارزش قائل شده‌ایم.

۱. ماده (۵) لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری مصوب ۱۳۹۶/۳/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- امتناع از معاضدت
۱- درخواست معاضدت حقوقی در موارد زیر مورد موافقت قرار نخواهد گرفت:

الف) ...

د) درخواست مرتبط با جرم دارای ماهیت سیاسی باشد. ...»

آقای یزدی - اجرای حکم قضایی آنها در مقابل این مسئله است که آنها هم حکم دستگاه قضایی ما را امضا می کنند. یک طرفه که نمی شود موافقتنامه منعقد کرد.

آقای مؤمن - اگر این چنین است، خب پس این مصوبه به عنوان ثانوی تأیید می شود. وقتی تأیید مصوبه ای به عنوان ثانوی باشد، باید مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تشخیص دهد و بگوید. نهادی مثل مجمع تشخیص مصلحت نظام باید این مصلحت و عنوان ثانوی را بگوید و آلاً به عنوان اولی، آن قاضی کشور طرف موافقتنامه، اصلاً حق ندارد قضاوت بکند. اگر هم قضاوتی کرده است، این قضاوت از نظر اسلامی ارزشی ندارد.

آقای یزدی - اگر در این مورد نظر آقای هاشمی شاهرودی را هم می توانید بگیریم، چهار نفر می شوید. حالا آقای جنتی که رأی مغایرت نمی دهند.

آقای مدرسی یزدی - آقای شاهرودی، بنده ی خدا که فعلاً [به علت بیماری] دستشان بند شده است.

آقای مؤمن - مگر این مواردی را که تا به حال ایراد می گرفته ایم، حالا می توانیم بگوییم ایرادی ندارد! یعنی امروز می توانیم بگوییم بسم الله الرحمن الرحیم، حکم قضایی دادگاه های کشورهای دیگر، لازم التبعیه است؟!

آقای ابراهیمیان - اگر قبلاً این ایراد را می گرفته اید که دیگر بحثی ندارد.

آقای مؤمن - بله، قبلاً همین ایراد را می گرفتیم؛ حالا امروز بگوییم این معاهده مغایرتی با موازین شرعی ندارد!

آقای ابراهیمیان - اگر این طوری است برای اینکه [رویه ی قبلی حفظ شود، باز هم ایراد بگیرد].

آقای علیزاده - نه، آقایان فقها قبلاً به این موضوع ایراد می گرفتند. البته حاج آقای یزدی و حاج آقای شاهرودی تقریباً مبنایشان این نبوده است، ولی بقیه ی آقایان فقها این ایراد را می گرفتند.

آقای مدرسی یزدی - البته رأی حاج آقای شاهرودی هم همیشه این نبوده است.

آقای علیزاده - بله، ایشان گاهی به این اشکالات رأی می داد، ولی بقیه ی آقایان همیشه به این اشکال رأی می دادند. حاج آقای جنتی هم همیشه به این اشکال، رأی می داد.

آقای مدرسی یزدی - بله، حالا مثل اینکه نظر ایشان عوض شده است. حالا مطلب

روشن است دیگر.

آقای عزیزاده - قبلاً نظر اکثر آقایان فقها این بود، اما بالاخره الآن نظرشان این است. قبلاً اکثریت آقایان فقها به این مصوبات، ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند با توجه به اینکه این موافقتنامه‌ها به احکام محاکم خارجی و قوانین آنها اعتبار می‌دهد، مغایر با شرع است.

آقای مدرسی یزدی - بله، می‌گفتیم اطلاقش مغایر با شرع است.

آقای عزیزاده - بله، بعد این مصوبات به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رفت و در آنجا تصویب می‌شد.

آقای شبزنده‌دار - اتفاقاً مثل همین اشکال به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است، بعد آنجا این مصوبات را تأیید می‌کردند.^(۱)

آقای عزیزاده - بله، آقایان فقها قبلاً این‌طور ایراد می‌گرفتند. حالا اگر همان ایراد را دارید، بنویسید؛ اگر هم ایراد ندارید، رهاش کنیم.

آقای اسماعیلی - رأی بگیرید.

آقای شبزنده‌دار - مثلاً فرض کنید ما باید یک مسلمانی را تحویل آن کشورها بدهیم تا آنها او را اعدام بکنند!

آقای مدرسی یزدی - نه، حتی اگر ما هم حکم او را اعدام بدانیم، وقتی مجرم را تحویل آنها می‌دهیم، یعنی اینکه آنها طبق کارها و حکم خودشان او را اعدام کنند.

آقای عزیزاده - خیلی خوب، الآن دیگر هر طور می‌فرمایید، تصمیم بگیرید تا بررسی این مصوبه را تمام کنیم.

۱. نظر شماره ۸۹۴۰۴/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص لایحه تشریفات (پروتکل) انتقال محکومین به حبس الحاقی به موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان: «بازگشت به نامه شماره ۶۰۷/۸۲۸۴۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ در خصوص لایحه تشریفات (پروتکل) انتقال محکومین به حبس الحاقی به موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان مصوب مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکصد و دوازده (۱۱۲) قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود، در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و «نظر مجلس شورای اسلامی عیناً مورد تأیید قرار گرفت». مراتب برای طی مراحل قانونی ابلاغ می‌گردد.»

آقای مؤمن - مثلاً آنها حکم کرده‌اند که فلان فرد را بازداشتش کنید؛ ما هم می‌گوییم

چشم، بازداشتش می‌کنیم! آیا اسلام این اجازه را به ما می‌دهد؟!

آقای علیزاده - الآن چه کسانی مثل سابق به این اشکال رأی می‌دهند؟

آقای مؤمن - خب ما رأی خودمان را دادیم.

آقای کدخدائی - سه نفر از آقایان فقها رأی دادند.

آقای علیزاده - خیلی خب.

آقای یزدی - سه رأی دارد. اگر حاج آقای جنتی به این اشکال رأی ندهند، این مصوبه

تأیید نمی‌شود.

آقای علیزاده - ظاهراً این اشکال چهار رأی ندارد؛ سه رأی دارد.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۷۰۸ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۴۵/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳ و پیرو نامه شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۲۵ مورخ ۱۳۹۶/۴/۴، لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری مصوب جلسه مورخ شانزدهم خردادماه یک هزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی، در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین

منشی جلسه - «لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین»^(۱)

آقای یزدی - الآن نوبت بررسی استعلامات دیوان عدالت اداری نیست؟

آقای علیزاده - نخیر، چند تا از این معاهده‌های بین جمهوری اسلامی ایران با دولت‌های دیگر مانده است، اجازه بدهید تا اینها را تمام بکنیم. چون آقایان اعضای شورا اشکالات قانون اساسی آنها را قبلاً بررسی کرده‌اند و فقط بررسی اشکالات شرعی آنها باقی مانده است. حاج‌آقای مؤمن، مثل اینکه شما فرمودید این مصوبه را خوانده‌اید؟

آقای مؤمن - نه، من چیز دیگری خوانده بودم. این معاهده‌ها که امروز اصلاً پیش من نیست. من فقط همین استعلامات دیوان عدالت اداری را خوانده‌ام.

منشی جلسه - حاج‌آقا، مجمع مشورتی فقهی در خصوص این مصوبه نظر داده است. نظراتشان خدمت حاج‌آقای شب‌زنده‌دار است؛ الآن آنها را بیان می‌فرمایند.

آقای علیزاده - حالا نظر مجمع فقهی را می‌خوانیم.

منشی جلسه - حالا نظر مجمع فقهی خدمت حاج‌آقای شب‌زنده‌دار است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، فقط مواردی را که اشکال وارد شده است بخوانم یا کلاً مصوبه را بخوانیم و هر جایش که اشکال دارد، بگوییم؟

آقای علیزاده - نه دیگر، معمولاً مواردی را که به آنها اشکال وارد شده است می‌خوانیم؛ همه را نمی‌خوانیم.

۱. لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۴۷/۲۰۵۳۳ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای شبزنده‌دار - بله، یکی از اشکالات در مورد ماده (۱) مصوبه است.

آقای علیزاده - «ماده ۱- تعهد به استرداد

هر یک از طرف‌ها با رعایت مفاد این معاهده و قوانین داخلی مربوط خود، با استرداد هر شخصی که طرف درخواست‌کننده برای پیگرد، محاکمه یا اجرای مجازات به دلیل ارتکاب جرم قابل استرداد خواستار وی است و در قلمرو طرف درخواست‌شونده یافت شود، موافقت خواهد نمود، اعم از اینکه جرم مذکور پیش یا پس از لازم‌الاجراء شدن این معاهده ارتکاب یافته باشد.»

آقای شبزنده‌دار - نه، اولین اشکال مجمع فقهی به مقدمه‌ی معاهده است.^(۱) در مقدمه‌ی این معاهده آمده است: «جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی که از این پس «طرف‌ها» نامیده می‌شوند، با تمایل به برقراری همکاری مؤثرتر بین دو کشور در زمینه پیشگیری و مبارزه با جرم، بر پایه احترام متقابل به اصول حاکمیت، برابری و منافع متقابل، به شرح زیر توافق نمودند: ... اشکال ما در مورد احترام متقابل به اصول حاکمیت آنها است. خب، اگر معنای این عبارت این است که ما متعرض حاکمیت آنها نمی‌شویم، بله، این درست است؛ اما اگر معنایش این است که ما حاکمیت آنها را مشروع می‌دانیم، خب این عبارت اشکال دارد. حالا ما این عبارت را به این شکل معنا می‌کنیم که یعنی ما متعرض اصول حاکمیت آنها نمی‌شویم و به آن احترام می‌گذاریم. در این صورت این مقدمه اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - در اینجا صحبت از مشروعیت نیست. بله، آنها به حاکمیت ما احترام می‌گذارند و ما هم به حاکمیت آنها احترام می‌گذاریم. این اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - نظیر «اُكْرِمُوا كَرِيْمًا كُلَّ قَوْمٍ»^(۲) است، ولو اینکه بت پرست باشد.

۱. «در مقدمه، عبارت «بر پایه احترام متقابل به اصول حاکمیت» بنا بر نظر بعضی از اعضاء خلاف شرع است؛ چون وجهی برای احترام به حاکمیت غیر مشروع اندونزی نمی‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۷/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳، قابل مشاهده در نشانی زیر:

yon.ir/Iviic

۲. «قال رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اُكْرِمُوا كَرِيْمًا كُلَّ قَوْمٍ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بزرگواری هر قومی را گرامی بدارید.» (مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳هـ، ج ۳۱، ص ۱۳۳)

آقای شبزنده‌دار - بله. ماده (۱) می‌گوید: «ماده ۱- تعهد به استرداد

هر یک از طرف‌ها با رعایت مفاد این معاهده و قوانین داخلی مربوط خود، با استرداد هر شخصی که طرف درخواست‌کننده برای پیگرد، محاکمه یا اجرای مجازات به دلیل ارتکاب جرم قابل استرداد خواستار وی است و در قلمرو طرف درخواست‌شونده یافت شود، موافقت خواهد نمود، اعم از اینکه جرم مذکور پیش یا پس از لازم‌الاجراء شدن این معاهده ارتکاب یافته باشد.» آقایان مجمع فقهی در مورد این ماده گفته‌اند: «به نظر بعضی از اعضاء استرداد مسلمین برای محاکمه یا اجرای مجازات به محاکم غیر مشروع اندونزی وجه مشروعی ندارد.»^(۱) حالا آقایانی که این اشکال را قبول دارند، نظرشان را بفرمایند.

آقای عزیزاده - ببینید؛ این ایراداتی که می‌فرمایید، همه همان ایرادهایی است که در مورد آن معاهده‌ی قبلی [= لایحه‌ی معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه‌ی معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری] فرمودید. یعنی شما در ایراداتان می‌گویید این معاهده دارد به قانون آن کشور مشروعیت می‌دهد.

آقای شبزنده‌دار - آن مصوبه‌ی قبلی درباره‌ی «معاضدت» بود، اما این مصوبه اصلاً شخص را در اختیار کشور دیگری قرار می‌دهد تا آن کشور او را محاکمه کند.

آقای عزیزاده - بله می‌دانم، این معاهده به احکام صادره از محاکم آن کشور و بعد به قوانین آنها و به صلاحیت قضات آنها مشروعیت می‌دهد. این مسئله همیشه مورد ایراد شورا بوده است.^(۲)

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۳، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/Iviic

۲. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تنفیذ مقررات و احکام محاکم قضایی دیگر کشورها را مغایر با موازین شرع تشخیص داده است. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در بند (۱) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۰۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ خود در خصوص لایحه تشریفات (پروتکل) انتقال محکومین به حبس الحاقی به موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۹ مجلس شورای اسلامی، چنین اظهار داشته است: «۱- همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه اظهار نظر شده است، این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن، از جمله بندهای (۳) و (۴) ماده (۸) و بند (۲) ماده (۱۱)، اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجراء دانسته و نیز بعضی مواد آن مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - اگر آقایان فقها این ایراد را نسبت به این معاهده قبول دارید فبها، اگر هم ایرادی ندارید، نظرتان را بفرمایید.

آقای مدرسی یزدی - ما به اطلاقش ایراد داریم.

آقای مؤمن - این موضوع را ما هم قبول داریم؛ منتها این اشکال سه رأی می‌آورد.

آقای علیزاده - آن ایرادی که همیشه می‌فرمودید، همین بوده است. حالا دیگر هر چه می‌خواهید بگویید. حالا این در مورد اندونزی، فعلاً آن یکی لایحه هم بماند تا همه‌ی این مصوبات تکلیفشان روشن بشود.

آقای مؤمن - بالاخره این حرفی است که تا حالا شورا می‌گفته است. خب، حالا درست است که بگوییم از حالا به بعد، دیگر اشکالی ندارد؟

آقای یزدی - «ماده ۱- ... استرداد هر شخصی که طرف درخواست‌کننده برای پیگرد، محاکمه یا اجرای مجازات به دلیل ارتکاب جرم قابل استرداد خواستار وی است ...»

آقای علیزاده - شما تا به حال به این نوع از معاهدات ایراد شرعی می‌گرفتید خب یعنی جناب عالی [= آقای جنتی] دیگر به این معاهده‌ها ایراد ندارید؟

آقای جنتی - خیر.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، پس فعلاً این ایراد منتفی شد.

آقای شبزنده‌دار - عبارت ماده (۲) بند (۳) مصوبه را ببینید. یک اشکالی به این قسمت گرفته‌ایم که این اشکال در بندهای بعدی هم قهراً و مبنیاً بر آن بند جریان دارد.

لطف بفرمایید عبارت ماده (۲) بند (۳) را ببینید: «ماده ۲- جرائم قابل استرداد

۱- ...

۳- از نظر این ماده، در تعیین اینکه فعل ادعایی، به موجب قوانین دو طرف جرم تلقی می‌شود یا نمی‌شود، اینکه قوانین دو طرف فعل ادعایی شخص فراری را در طبقه‌بندی یکسان قرار می‌دهند یا با اصطلاحات مشابهی جرم را توصیف می‌کنند

→

آیین دادرسی قوه قضائیه کشور ترکمنستان و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

یا نمی‌کنند، اهمیتی نخواهد داشت. ...» به فراز اول این بند توجه کنید؛ می‌گوید: «به موجب قوانین دو طرف جرم تلقی می‌شود یا نمی‌شود ... اهمیتی نخواهد داشت». این بیان با بیانی که در بند (۱) ماده (۲) آمده است، چگونه سازگار است؟ بند (۱) ماده (۲) می‌گوید: «۱- مجرمی قابل استرداد خواهد بود که جرایم او به موجب قوانین هر دو طرف مستوجب کیفر حبس، به مدت حداقل یک سال، یا مجازاتی شدیدتر باشد. ...» آیا این دو بند با هم تناقض ندارد؟

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ این تناقض است، ولی منظور آنها بقیه‌ی موارد بوده است؛ یعنی [بند (۱) ماده (۲) ناظر به مواردی است که مثلاً] یک جرم یکسان در هر دو جا باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - بقیه‌ی بندهای ماده (۲)، درست است و عیبی ندارد؛ فقط فراز اول همین بند (۳) شبهه دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، این قسمت از عبارت اشکال دارد. این را باید تذکر بدهیم.
آقای یزدی - یعنی آیا اگر دو طرف در جرم بودن یک عملی اختلاف نظر داشته باشند، استرداد انجام نمی‌شود؟

آقای شب‌زنده‌دار - بند (۳) می‌گوید اگر طرفین در جرم بودن یک عملی اختلاف داشتند، در استرداد مجرمین اهمیتی ندارد؛ اما آن بالا در بند (۱) گفته شده است نه، برای استرداد باید هر دو طرف آن عمل را جرم بدانند.

آقای یزدی - اینجا دارد می‌گوید تعیین اینکه این فعل ادعایی که طرف را به خاطر آن گرفته‌اند جرم است یا نه، در استرداد اهمیتی ندارد.

آقای جنتی - حالا این مطلب در حد تذکر است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، این ماده تناقض دارد دیگر. این تناقض است، تذکر نیست.

آقای علیزاده - چرا؟ چرا تناقض است؟ گفته است: «۳- از نظر این ماده در تعیین اینکه فعل ادعایی، به موجب قوانین دو طرف جرم تلقی می‌شود یا نمی‌شود ...»

آقای مدرسی یزدی - به خاطر اینکه بالا در بند (۱) می‌گوید وقتی فرد قابل استرداد است که هر دو تا کشور او را مجرم بدانند. اینجا می‌گوید نه، هر دو هم اگر او را مجرم ندانستند، باز هم قابل استرداد است؛ خوب اینکه نمی‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - به خصوص که اشکال شرعی هم به بند (۳) وارد است؛ یعنی اگر

ما آن عمل را اصلاً جرم ندانیم، استرداد آن فرد هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - نه، اصلاً این «فعل» با «جرم» فرق دارد. ببینید؛ «فعل» یعنی اینکه اینها می‌خواهند بروند ماهیت امر را ببینند که چیست؛ یعنی می‌خواهند ببینند که آیا اصلاً این فرد چنین عملی مرتکب شده است یا نشده است؟ مثلاً ممکن است در یک موردی، آن طرف بگوید که فلانی سرقت کرده است [و لذا او را به ما مسترد کنید]، اما ما بگوییم نه، این فرد اصلاً به‌طور کلی سرقت نکرده است. در اینجا با اینکه سرقت در هر دو قانون جرم است و مجازاتش هم مثلاً تا یک سال حبس است، ولی [در فعل، اختلاف نظر وجود دارد]. این بند می‌خواهد بگوید که فعل ادعایی و جرم با هم فرق دارد.

آقای یزدی - بله، بالاخره نظر دو طرف نسبت به آن عمل باید یک‌جور باشد. قاعده‌ی استرداد این است که باید دو طرف آن کار را جرم بدانند. یعنی اگر شخصی یک کاری کرده است که بر آن کار، صدق می‌کند که ببینیم آیا جرم است یا نیست، [قاعدتاً نباید مشمول استرداد باشد].

آقای شبزنده‌دار - نه، بند (۳) می‌گوید اینکه فعل ادعایی به‌موجب قوانین دو طرف جرم تلقی بشود یا نشود، اهمیتی در استرداد ندارد.

آقای مدرسی یزدی - یعنی واضح است که جرم تلقی نمی‌شود.

آقای یزدی - برای استرداد باید دو طرف آن فعل را جرم بدانند.

آقای علیزاده - ببینید؛ یک وقتی می‌گویند سرقت در هر دو قانون جرم است، اما یک وقتی می‌گویند این فعل در یک کشور جرم نیست؛ مثلاً ما می‌گوییم اگر فردی برود فلان‌جا و این چیز را بردارد، ما این را سرقت می‌دانیم، اما آنها می‌گویند که ما این عمل را جرم نمی‌دانیم. بند (۳) الآن دارد این دو تا را می‌گوید.

آقای جنتی - اینجا شبهه‌ی مصداقی می‌شود.

آقای علیزاده - بله، شبهه مصداقی می‌شود. یعنی الآن بند (۳) دارد فعل را می‌گوید؛ عمل این شخص را دارد می‌گوید، اما بند (۱) دارد می‌گوید اگر هر دو طرف، کلاً این عمل را سرقت بدانند و هر دو طرف این عمل را جرم بدانند [قابل استرداد است]. این ماده این را می‌خواهد بگوید.

آقای مدرسی یزدی - خب این‌طور که خیلی راحت می‌توانند افراد را استرداد کنند.

آقای یزدی - یعنی اگر مجموع جمله را نگاه کنیم، مجموع جمله چه می‌خواهد بگوید؟

آقای علیزاده - الآن این مسئله که مخالف با قانون اساسی و شرع نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، می‌خواهیم بگوییم که این ماده ابهام دارد.

آقای علیزاده - بله، یعنی اصل استرداد را قبول کرده‌اید و حالا فرضاً یک استثنا هم دارد.

آقای یزدی - مجموع این ماده می‌گوید که دو طرف باید درباره‌ی موضوع، یک نظر داشته باشند. باید قوانین دو طرف نسبت به عمل آن فرد یک نظر داشته باشند.

آقای علیزاده - بله، منظور بند (۱) این است که قوانین دو طرف باید هر دو مثل هم باشد، اما بند (۳) می‌گوید در مورد شخص مجرم مهم نیست که هر کدام از طرفین چه نظری داشته باشند.

آقای یزدی - بند (۳) بیشتر از این نمی‌گوید.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، پس اینکه در بند (۳) می‌گوید «مهم نیست»، چیست؟

آقای یزدی - ببینید؛ می‌گوید آنجایی که اختلاف در مصداق است، مهم نیست.

آقای مؤمن - بحث مصداق است.

آقای علیزاده - در مصداقیه‌اش ممکن است نظر کشورها با هم فرق داشته باشد.

آقای یزدی - می‌گوید اینکه فعل ادعایی به موجب قوانین دو طرف جرم است یا جرم نیست، اهمیتی ندارد. دنباله‌اش را هم بخوانید: «... اینکه قوانین دو طرف فعل ادعایی شخص فراری را در طبقه‌بندی یکسان قرار می‌دهند یا با اصطلاحات مشابهی جرم را توصیف می‌کنند یا نمی‌کنند، اهمیتی نخواهد داشت.»

آقای علیزاده - بله، در اصل، قانون را ملاک عمل قرار داده‌اند. خیلی ثقیل متن این معاهده را ترجمه کرده‌اند.

آقای یزدی - این عبارت را ببینید، درست است یا نه: «قوانین دو طرف، فعل ادعایی شخص فراری را در طبقه‌بندی یکسان قرار می‌دهند ... اهمیتی نخواهد داشت.»

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این حرف بعدی است. این بند، چند حرف دارد.

آقای یزدی - می‌دانم؛ این بند را تکه‌تکه نکنید، ببینید مجموع این بند چه می‌گوید؟

آقای مؤمن - حاج‌آقای علیزاده در مورد سرقت این‌طور می‌فرمایند که مثلاً استرداد

زمانی است که هر دو طرف سرقت را موجب یک سال زندان یا بیشتر می‌دانند؛ اما بحث اینجا است که اگر اختلافشان در این باشد که آیا این فعل سرقت است یا نه، چه می‌شود.

آقای علیزاده - بله، یعنی فعل را دارد می‌گوید.

آقای مؤمن - دارد می‌گوید که اگر طرفین در اینکه فعل ادعایی به موجب قوانین جرم است یا نه، اختلاف نظر دارند [اهمیتی ندارد].

آقای علیزاده - بله.

آقای شبزنده‌دار - خب، پس آن بالا [در بند (۱) ماده (۲)] چه می‌گوید؟ می‌گوید مجرمی قابل استرداد خواهد بود که جرایم او به موجب قوانین هر دو طرف مستوجب کیفر باشد.

آقای علیزاده - بند (۱) «جرایم» را می‌گوید؛ «فعل او» را که نمی‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - یعنی باید جرم طرف احراز بشود دیگر، نه اینکه استرداد همین‌طور روی هوا انجام شود.

آقای یزدی - بند (۳) می‌گوید زمانی که چنین اختلافی بین طرفین هست، باید دو طرف مرتکب را در یک طبقه قرارش بدهند.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، این ماده واقعاً ابهام دارد و این ابهام، اشکال شرعی این ماده را خیلی تشدید می‌کند.

آقای علیزاده - آیا ابهامش موجب اشکال می‌شود؟ ببینید آیا ابهامش موجب اشکال می‌شود یا نمی‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - بند (۳) یعنی اینکه اگر ما کسی را مجرم ندانیم، باز هم آن فرد را باید به آنها تحویل بدهیم!

آقای علیزاده - خب، این که همان ایراد قبلی‌تان است.

آقای مدرسی یزدی - نه، بالاتر است. ببینید ما حتی این فرد را مجرم هم نمی‌دانیم، ولی طبق این معاهده باید او را تحویل آنها بدهیم و آنها هم او را مجرم می‌دانند و پدرش را درمی‌آورند. این عیب دارد.

آقای علیزاده - او تبعه‌ی آنها است، تبعه‌ی ما که نیست. تبعه‌ی خودمان را که استرداد نمی‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - تبعه‌ی آنها باشد، ولی مسلمان است، شیعه است. این ایراد، خیلی بدتر است.

آقای یزدی - به هر حال اگر طرفین این شخص را تحت یک عنوان مجرم بدانند، باید آن فرد را استرداد کنند.

آقای علیزاده - این همان اشکال قبلی شما در مورد معاهدات است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - این اشکال بالاتر از آن اشکال قبلی است.

آقای علیزاده - حاج آقا، این همان اشکال قبلی است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، این بالاتر است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، اگر این اشکال را بالاتر از آن اشکال قبلی می‌دانید، به آن رأی بدهید.

آقای مدرسی یزدی - در این معاهده ما داریم شخص بری‌ء را تحویل می‌دهیم تا آنها مجرم حسابش کنند.

آقای علیزاده - خوب این اشکال را قبلاً هم فرمودید دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، قبلاً می‌گفتیم ما فرد مجرم را تحویل می‌دهیم، ولی آنها محاکمشان صالح نیست. آن یک اشکال دیگری بود، اما اینجا ما داریم شخص بری‌ء را تحویل می‌دهیم.

آقای مؤمن - آنها این فرد را بری‌ء نمی‌دانند.

آقای مدرسی یزدی - خوب ندانند. این بدتر است.

آقای مؤمن - اینجا مثل آنجایی است که ما محکمه را در محاکمه‌ی این فرد صالح ندانستیم.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب، ولی این بدتر است.

آقای علیزاده - در واقع همین هم [که آنها این فرد را مجرم می‌دانند] مربوط به صلاحیت قاضی است؛ یعنی قاضی آنها صلاحیت رسیدگی به فعل این فرد را دارد.

آقای مدرسی یزدی - اینجا دو تا ظلم است: یک ظلم این است که این فرد بری‌ء است و ما او را تحویل می‌دهیم؛ یکی هم اینکه او را به محکمه‌ی ناعادلانه تحویل می‌دهیم.

آقای یزدی - اگر معنای این بند این باشد که بری‌ء را به آنها تحویل بدهیم بله، این ظلم است؛ ولی این ماده بیشتر از این نمی‌گوید که باید این طرفی که می‌خواهد مبادله

بشود، در هر دو طرف یک عنوان داشته باشد؛ یعنی نزد هر دو طرف یا مجرم باشد یا مجرم نباشد. اگر مجرم است هر دو طرف او را مجرم بدانند و اگر مجرم نیست، هر دو طرف او را مجرم ندانند.

آقای مؤمن - نه.

آقای شبزنده‌دار - نه، این را نمی‌گوید.

آقای یزدی - چرا؛ بند (۳) ماده (۲) همین را دارد می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - حالا شما به این اشکال هم رأی ندهید.

آقای یزدی - این ماده می‌گوید باید این مجرم برای اینکه استرداد شود، در اصطلاح طرفین یکسان باشد.

آقای شبزنده‌دار - آن قسمت بله؛ آن قسمت بعدش درست است.

آقای مدرسی یزدی - پس شما هم به این اشکال رأی می‌دهید. ما هم سه تا رأی داریم، حداقل اینجا چهار تا رأی می‌شود و این اشکال رأی می‌آورد.

آقای یزدی - ببینید؛ اگر معنای این ماده این باشد که ما بخواهیم بریء را تحویل آنها بدهیم، این ماده اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، معنایش همین است.

آقای یزدی - هیچ‌کس نمی‌گوید ما باید بریء را تحویل بدهیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ معنای این قسمت همین است.

آقای یزدی - این بند می‌گوید وقتی ما می‌خواهیم این فرد را مبادله بکنیم، باید دو طرف قبول داشته باشند که این فرد یا بریء است یا مجرم است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اینجا این را نمی‌گوید.

آقای یزدی - جمع مطالب این بند، می‌خواهد این مطلب را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای یزدی - شما تکه‌ی اول عبارت را گرفته‌اید و آن را جدا معنا می‌کنید.

آقای مدرسی یزدی - نه، خب این بندها از یکدیگر جدا است.

آقای یزدی - نه، دارد می‌گوید موارد اختلاف حکمش این است، نه اینکه در موارد اختلاف این کار را بکنید. در موارد اختلاف حکمش این است که یا هر دو طرف باید آن فعل را جرم بدانند، یا هر دو طرف آن را جرم ندانند و الا این تبادل انجام نمی‌شود.

آقای شبزنده‌دار - فراز دوم بند (۳) این است که ...

آقای یزدی - ماده (۲) این را می‌خواهد بگوید که در تعیین فعل ادعایی، اینکه به موجب قوانین طرفین، آن فعل را جرم می‌دانند یا جرم نمی‌دانند، طرفین باید در یک وضعیت یکسان قرار بگیرند. اینجا این را می‌گوید و الا نمی‌گوید که حتماً این فرد را به عنوان مجرم تحویل بدهید.

آقای علیزاده - بله، در مورد جرم دانستن این عمل که حتماً دو طرف باید آن را جرم بدانند تا استرداد انجام شود، اما اینکه آیا دو طرف این جرم را در یک طبقه‌بندی می‌دانند یا نه، [مطابق بند (۳) ماده (۲)، اهمیتی ندارد].

آقای شبزنده‌دار - فراز دوم بند (۳) چه می‌شود؟

آقای علیزاده - نه، همه‌ی این بند.

آقای شبزنده‌دار - نه، اشکال ما به فراز دوم بند (۳) است.

آقای علیزاده - عبارت «و اینکه» توضیح هر دو فراز است.

آقای یزدی - تکلیف فراز اول را در فراز دوم معین می‌کند، نه اینکه فراز اول، یک حکم مستقل داشته باشد.

آقای مؤمن - بله.

آقای یزدی - ما در فهم این عبارت یک خُرده با هم اختلاف داریم. ببینید؛ این بند جمعاً دارد یک مطلب را می‌گوید.

آقای علیزاده - «۳- از نظر این ماده، در تعیین اینکه فعل ادعایی، به موجب قوانین دو طرف جرم تلقی می‌شود یا نمی‌شود، اینکه قوانین دو طرف فعل ادعایی شخص فراری را در طبقه‌بندی یکسان قرار می‌دهند یا با اصطلاحات مشابهی جرم را توصیف می‌کنند یا نمی‌کنند، اهمیتی نخواهد داشت. ...»

آقای یزدی - بند (۳) می‌گوید اگر بین دو طرف اختلاف باشد، آن فرد قابل استرداد نیست. یعنی یا باید با یک اصطلاح توصیف کنند یا اینکه هر دو باید بگویند آن فرد مجرم است یا هر دو باید بگویند مجرم نیست؛ آن موقع، این فرد قابل تبادل است. اما اگر تبادل در مواردی است که فعل ادعایی مورد اختلاف طرفین است، نه تبادل انجام نمی‌شود. یعنی از نظر این ماده، فعل ادعایی بر می‌گردد به اینکه باید در یک اصطلاح قرار بگیرد، نه اینکه با وجود این اختلاف بین دو طرف، عمل کنیم و تبادل را انجام

بدهیم. این ماده می‌گوید در مواردی که چنین وضعیتی وجود دارد، تبادل نیست.

آقای شبزنده‌دار - نه، می‌گوید این موارد در استرداد اهمیتی ندارد. آن بعدی را هم می‌گوید اهمیت ندارد؛ یعنی اینکه آیا آن عمل در طبقه‌بندی واحد نزد دو طرف، واقع می‌شود یا نه، اهمیتی ندارد؛ یعنی بعد از فراغ از اصل عمل ارتكابی، یکسان نبودن طبقه‌بندی آن عمل هم اهمیتی ندارد.

آقای یزدی - در بحث طبقه‌بندی می‌گوید برای استرداد، یا هر دو طرف باید آن فرد را مجرم بدانند یا هر دو او را مجرم ندانند.

آقای شبزنده‌دار - فرق این بند با بند (۱) این است که در این بند می‌گوید این اختلاف نظرها در استرداد اهمیتی ندارد.

آقای یزدی - نه، چطور اهمیت ندارد؟! کجا می‌گوید اهمیت ندارد؟!

آقای شبزنده‌دار - در همین بند (۳) می‌گوید: «اهمیتی نخواهد داشت.»

آقای مدرسی یزدی - یک دور دیگر این ماده را بخوانیم.

آقای یزدی - ببینید گفته است: «از نظر این ماده در تعیین اینکه فعل ادعایی به‌موجب قوانین دو طرف جرم تلقی می‌شود یا نمی‌شود ...»

آقای مدرسی یزدی - این، یک موضوع.

آقای یزدی - نه، عبارت در اینجا قطع نشده است؛ این عبارت، تمام نشده و هنوز حکم ندارد. این بند، همه‌اش یک موضوع است که دارد برای آن حکم معین می‌کند. از نظر این ماده استرداد زمانی انجام می‌شود که قوانین دو طرف فعل ادعایی را یک‌جور حساب بکنند و آن را در یک طبقه قرار بدهند. معنای این ماده همین است.

آقای مؤمن - نه، این یک‌جور نیست که.

آقای علیزاده - هر دو طرف این فعل را جرم می‌دانند، ولی آن را در یک طبقه نمی‌دانند.

آقای یزدی - بله، آن فعل را در یک طبقه نمی‌دانند.

آقای مؤمن - بله.

آقای مدرسی یزدی - اگر این باشد، درست است؛ مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - هر دو طرف این فعل را جرم می‌دانند، ولی آن را در یک طبقه نمی‌دانند؛ مثلاً آن طرف این فعل را سرقت مسلحانه می‌داند، ولی ما می‌گوییم سرقت عادی است

آقای مدرسی یزدی - نه، این نمی‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - این روشن است که این بند، دو تا موضوع است و برای دو تا موضوع، دارد یک حکم می‌دهد.

آقای یزدی - آقایان این جمله را قطع می‌کنند و می‌گویند این ماده معنایش این است که با وجود اختلاف بین طرفین، تبادل انجام بگیرد. نه، این ماده این را نمی‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - ظاهرش که این است، مگر اینکه قرینه‌ی قبلی وجود داشته باشد.

آقای عزیزاده - مثلاً آنها می‌گویند کلاهبرداری است و ما می‌گوییم فروش مال غیر است. پس هر دو این عمل را جرم می‌دانیم و هر دو مجازات آن را بیش از یک سال می‌دانیم، اما آنها به این عمل کلاهبرداری می‌گویند ولی ما به آن فروش مال غیر می‌گوییم. یعنی عنوان‌ها فقط با هم فرق دارد. مراد این ماده همین است.

آقای یزدی - بله، جمله‌ی اول را دیگر از کل عبارت جدا نکنید تا حکم مستقلاً برایش ذکر کنید.

آقای عزیزاده - من در همان معاهده‌ی قبلی [= لایحه‌ی معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه‌ی معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری] به حاج‌آقای شب‌زنده‌دار عرض کردم و گفتم که در پایین مصوبه، هر دو را دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - الان برای من هم روشن است که در اینجا سه تا موضوع حکمش این است؛ یعنی سه تا موضوع دارد، یکی آن است، یکی این است ...

آقای مدرسی یزدی - من وقت نکردم این مصوبه را بخوانم؛ ولی وقتی شما این اشکال را فرمودید، این اشکال به ذهنم آمد و بعد دیدم که اشکال درستی است؛ ولی دوباره که نگاه می‌کنیم می‌بینیم نه، در مجموع این ماده این طوری است. به قول ایشان [= حاج‌آقای یزدی] قرینه قبلی و بعدی را روی هم بگذارید و همه‌ی ماده را با هم در نظر بگیرید.

آقای یزدی - بله.

آقای عزیزاده - همان‌طور که حاج‌آقای یزدی فرمودند، نتیجه‌ی پایین ماده برای هر دو تا است واقعاً. خیلی خوب حالا هرطور می‌فرمایید.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، اگر معنای این ماده همین باشد، دیگر مشکلی وجود ندارد.

آقای علیزاده - آیا آقایان فقها دیگر ایرادی در اینجا ندارند، برویم.

آقای مدرسی یزدی - اشکال بعد در مورد جزء (ج) بند (۱) ماده (۳) است.

آقای علیزاده - عبارت آن چیست؟ عبارتش را بفرمایید. «ماده ۳- امتناع از استرداد

۱- استرداد در موارد زیر پذیرفته نخواهد شد:

الف- ...

ج- چنانچه به موجب قانون طرف درخواست کننده، جرم موضوع استرداد مشمول مجازات اعدام باشد، در حالی که به موجب قوانین درخواست شونده، جرم مزبور مشمول مجازات اعدام نباشد مگر آنکه طرف درخواست کننده تضمین نماید چنانچه شخص مزبور محکوم به اعدام شود، مجازات اعدام اجراء نخواهد شد.»

آقای مؤمن - بند (۱) همان مطلب کلی قبل [= ماده (۲)] است؛ همان جایی را می گوید که دو طرف با هم اختلاف داشته باشند.

آقای علیزاده - بله، همان کلی آنجا است دیگر. مثلاً ما می گوئیم اگر کسی این مقدار مواد مخدر داشته باشد، او را اعدام می کنیم؛ ولی آنها می گویند ما حکم اعدام نداریم. آنها می گویند در صورتی ما این مجرم را به شما تحویل می دهیم که شما تعهد کنید که این فرد را اعدام نخواهید کرد. این بند می گوید در چنین شرایطی مجرم قابل استرداد نیست.

آقای مدرسی یزدی - ولی واقعاً وقتی که این طرف های معاهده مجازات هایشان با ما متفاوت است، با چه مجوز شرعی یک شیعه را تحویل آنها بدهیم؟ حالا اعدام را کنار بگذارید؛ ولی واقعاً فرض بکنید ما برای این جرم می گوئیم مجازاتش ده ضربه شلاق تعزیری است، اما آنها مثلاً می گویند مجازات این جرم، حبس است. خوب آن وقت ما با چه مجوز شرعی این فرد را به آنها تحویل بدهیم.

آقای مؤمن - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با کفار هم قرارداد می بست.

آقای مدرسی یزدی - آن وقت آیا ما هم اجازه داریم که با آنها قرارداد ببندیم؟

آقای مؤمن - خوب ما که سہ تایی می گوئیم نمی شود؛ ولی آقایان فقهای دیگر می فرمایند بله می شود.

آقای مدرسی یزدی - حالا آیا بستن این قراردادها مصلحت است؟

آقای یزدی - وقتی که این مجرم اینجا محکوم شده باشد، بله [ممکن است اشکال شما

وارد باشد؛ ولی وقتی او اینجا محکوم نشده باشد و استرداد انجام بگیرد، گویا زندانی با زندانی تبدیل شده است؛ بعد آن مجرم به اینجا که آمد، مطابق احکام اینجا [به جرمش رسیدگی می‌شود و] محکوم می‌شود. یعنی در این معاهده زندانی را مبادله می‌کنند نه محکوم را.

آقای مدرسی یزدی - نه، ما او را به کشور مقابل می‌فرستیم. ببینید؛ مثلاً فرض کنید الآن یک طلبه شیعه‌ی اندونزیایی اینجا است که آنها اینجا دنبالش هستند. بعد، ما طبق این معاهده او را به آنجا می‌فرستیم. اگر اینجا باشد، ما فوئش او را شش ماه زندانی می‌کنیم، اما اگر او را به آنجا بفرستیم، او را شش سال زندانی می‌کنند. حالا ما با چه مجوز شرعی اجازه داریم او را به آنجا تحویل بدهیم؟

آقای یزدی - این شخص متهم است، زندانی است و هنوز محاکمه نشده است. ما وقتی هنوز محاکمه نشده است، او را استرداد می‌کنیم. از آن طرف، آنها هم یک ایرانی که در آنجا [متهم است و هنوز] محاکمه نشده را به اینجا می‌فرستند. وقتی آن مجرم به اینجا آمد، چون محاکمه نشده است، دیگر محاکمه‌اش مطابق قوانین خود ما انجام می‌گیرد.

آقای شبزنده‌دار - خب اگر ما او را محاکمه بکنیم، عیبی ندارد، اما از آن طرفش اشکال دارد؛ یعنی اگر مجرم از آنجا بیاید اینجا که اشکالی ندارد، اما اگر مجرم از اینجا به آنجا برود، اشکال دارد. بند (۲) ماده (۳) را هم ببینید؛ یک تذکری لازم دارد. بند (۲) می‌گوید: «۲- از نظر این معاهده، موارد زیر جرائم سیاسی محسوب نمی‌شوند:

الف- جرم سوء قصد علیه جان یا شخص رئیس حکومت یا رئیس دولت، یا عضو (اعضای) درجه یک خانواده ایشان

ب- جرمی که به موجب هر کنوانسیون بین‌المللی که طرف‌ها به سبب عضویت در آن، نسبت به استرداد یا تعقیب شخص مورد درخواست یا ارائه بدون تأخیر غیرموجه پرونده به مقامات صلاحیت‌دار خود جهت رسیدگی به جرم، تعهد دارند.

پ- جرم مرتبط با تروریسم

ت- شروع یا تبانی جهت ارتکاب هر یک از جرائم پیش‌گفته یا مشارکت به عنوان شریک شخصی که مرتکب چنین جرائمی می‌شود یا تلاش به ارتکاب آنها می‌نماید.

۳- جرائم شدید علیه جسم، شخص، حیات و اموال، حتی با انگیزه سیاسی، از نظر این معاهده جرم سیاسی تلقی نخواهند شد.» این بند (۳) باید به (ث) حرفی تبدیل بشود. چون این جزء، دنباله‌ی همان بند قبل است.

آقای علیزاده - این (۳) باید (ث) بشود.

آقای شبزنده‌دار - بله.

آقای مدرسی یزدی - بعدش هم که دوباره شماره (۴) آورده است!

آقای شبزنده‌دار - بعد از آن اشتباه، همه‌ی آن شماره‌های بعدی هم غلط می‌شود دیگر. آن شماره‌ها را هم باید اصلاح کنند. یعنی این شماره (۴) باید (۳) بشود.

آقای علیزاده - بله، بقیه‌ی شماره‌ها را هم باید اصلاح کنند.

آقای مدرسی یزدی - مبارزه با تروریسم که در جزء (پ) آمده است، واقعاً یک مفهوم نامشخصی است.

آقای علیزاده - پس در صفحه (۴) در بند (۲) ماده (۳)، آنجا که (۳) را با عدد نوشته است، باید تبدیل به (ث) با حروف بشود. بالتبع شماره‌های بعدی هم باید با توجه به این تغییر، اصلاح بشود.

آقای شبزنده‌دار - یعنی بندهای (۴)، (۵) و (۶) باید (۳)، (۴) و (۵) بشود.

منشی جلسه - یعنی بند (۳) ماده (۳)، به حرف (ث) اصلاح می‌شود و شماره‌های بعدی هم به تبع آن اصلاح می‌شود. این تذکر است دیگر؟
آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - این نکته را غلط بگیرید تا آنها درستش کنند. اعداد هم باید درست بشود. باید بگویید این غلط است.

آقای علیزاده - بله.^(۱)

آقای شبزنده‌دار - ماده (۴) مصوبه راجع به اتباع است. بند (۲) ماده (۴) می‌گوید:

«۲- هرگاه درخواست استرداد تنها بر اساس تابعیت شخص مورد درخواست رد شود و شخص مذکور در طرف درخواست‌کننده تحت تعقیب باشد، طرف

۱. تذکر مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۱۷ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «تذکر: بند (۳) ماده (۳) به حرف (ث) و بالتبع شماره‌های بعدی اصلاح شود.»

درخواست‌شونده بنا به درخواست طرف درخواست‌کننده پرونده را جهت رسیدگی به مقامات صلاحیت‌دار خود ارجاع خواهد داد. طرف درخواست‌کننده همه پرونده‌ها، اطلاعات، آلات و اسناد مربوط به جرم را به طرف درخواست‌شونده به نحو مقتضی ارسال خواهد کرد.» مدارکی که آنها می‌خواهند باید ارسال بشود. همان اشکالی که قبلاً در مورد مسائل امنیتی یا منافی عفت داشتیم،^(۱) اینجا هم هست.

آقای مدرسی یزدی - در آنجا استدراک^(۲) کرده‌اند که دادن اطلاعات، خلاف قانون خودمان نباشد. یک‌جایی این مطلب را استدراک کرده‌اند.

آقای شب‌زنده‌دار - گفته است: «... همه پرونده‌ها، اطلاعات، آلات و اسناد مربوط به جرم را به طرف درخواست‌شونده به نحو مقتضی ارسال خواهد کرد.»

آقای مدرسی یزدی - استدراک این مسئله یک‌جایی در این معاهده هست. ببینید یکی از جاهایی که طرف معاهده می‌تواند از استرداد و دادن اطلاعات امتناع بکند، همین جایی است که آن درخواست، خلاف قانون باشد، یا خلاف امنیت باشد، یا خلاف فلان باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - خلاف قانون آیا به این معنا است که شما در کشورتان قانونی دارید که می‌گوید این اطلاعات را نباید بدهید، یا ممکن است بگوید منظور از قانون، قانون شرع اسلام است [و هر چه مخالف آن باشد، پذیرفته نیست].

آقای مدرسی یزدی - نه، قانون مجازات اسلامی را که آوردید و دیدیم.^(۳)

۱. منظور، نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۰۳۵ مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه معاضدت دوجانبه در امور کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره است: «در ماده (۵)، توصیف نمودن موضوع از جهت شمول نسبت به مواردی که توصیف آن برای طرف مقابل شرعاً جائز نمی‌باشد، خلاف شرع شناخته شد. همچنین معاضدت در این امر از جهت شمول نسبت به اعطاء اطلاعاتی که موجب عدم رعایت مبانی شرعی می‌گردد، خلاف شرع می‌باشد؛ مانند اطلاع دادن به غیر قاضی شرعی در امور مربوط به انجام کارهای منافی عفت.»

۲. «استدراک» به معنای دفع توهم احتمالی است. بنگرید به: لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل واژه‌ی «استدراک».

۳. اشاره این عضو شورای نگهبان به جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۰ و بحث در مورد لایحه معاهده معاضدت دوجانبه در امور کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره است که اعضای شورا برای بررسی و اعلام نظر راجع به برخی مفاد آن معاهده، به قوانین کیفری از جمله قانون مجازات

آقای مؤمن - آقایان فقها می‌فرمایند این ماده اشکالی ندارد. این اشکال، چهار تا رأی ندارد.

آقای شبزنده‌دار - آهان، رأی ندارد. خب بله. آقای مؤمن می‌گویند این اشکال وارد نیست.

آقای مؤمن - نه، من این را نمی‌گویم. من می‌گویم الآن اگر هم بگویم این ماده، خلاف شرع است، بقیه‌ی آقایان فقها می‌فرمایند نه. لذا این ایراد رأی ندارد.

آقای علیزاده - این اشکال هم رأی ندارد دیگر.

آقای شبزنده‌دار - ماده (۶) را بخوانیم. خب، البته این هم یک تذکری است که حالا مهم نیست. در صفحه (۶) معاهده، بند (۳) ماده (۶) می‌گوید: «ماده ۶- درخواست استرداد و مدارک

۱- ...

۳- چنانچه درخواست استرداد مربوط به اجرای حکم وضع شده در مورد شخص مورد درخواست باشد، نسخه تصدیق شده حکم نهایی و گواهی مدت زمان سپری شده از حکم و مدت باقیمانده از آن پیوست درخواست خواهد شد. ...» در مورد این بند آقایان در مجمع فقهی قم گفته‌اند: «مناسب است عبارت «حکم وضع شده» به عبارت «حکم صادر شده» تغییر یابد.»^(۱) این یک تذکر است.

آقای علیزاده - حالا این را دیگر تذکر ندهید. حالا این هم یک عبارت است دیگر؛ اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - مجمع فقهی هم می‌گوید که مناسب است عبارت «حکم وضع شده» به عبارت «حکم صادر شده» تبدیل شود؛ پس آنها هم به این بند ایراد نگرفته‌اند.

آقای علیزاده - بله.

آقای شبزنده‌دار - «ماده ۹- بازداشت موقت:

→

اسلامی مراجعه و استشهاد می‌کنند. برای آگاهی از این مباحث، به مشروح مذاکرات جلسه‌ی پیش گفته مراجعه کنید.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۸/ف/۹۶ مورخ ۳۱/۰۳/۱۳۹۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/iz5Wp

۱- در موارد اضطراری، یک طرف می‌تواند در مورد شخص فراری به منظور استرداد، پیش از ارائه درخواست رسمی، از طرف دیگر درخواست بازداشت موقت کند. چنین درخواستی کتباً و از طریق مجاری پیش‌بینی شده در ماده (۵) این معاهده، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) یا دیگر مجاری مورد توافق طرف‌ها صورت خواهد گرفت.

۲- درخواست بازداشت موقت حاوی اطلاعات مذکور در بند (۲) ماده (۶) این معاهده، بیانیه مربوط به وجود قرار بازداشت و بیانیه مبنی بر اینکه درخواست رسمی استرداد شخص پس از بازداشت موقت صادر خواهد گردید، از طریق مجاری پیش‌بینی شده در ماده (۵) این معاهده خواهد بود. ...»

مجمع فقهی درباره‌ی این ماده گفته است: «نظر بعضی از اعضاء این بود که اطلاق بازداشت نمودن موقت شخص از جهت شمول نسبت به بازداشت موقت شخص مورد درخواست دولت اندونزی به مجرد درخواست بازداشت از طرف آن دولت - بدون ثبوت جرم وی توسط دولت جمهوری اسلامی ایران- خلاف شرع می‌باشد. ...»^(۱)

آقای مؤمن - این اشکال که رأی ندارد.

آقای علیزاده - بله، رأی ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - خب حالا ما باید آن چیزی که در مجمع گفته شده است را بیان کنیم.

آقای مؤمن - این اشکال رأی ندارد.

آقای یزدی - «ماده ۹- بازداشت موقت:

۱- در موارد اضطراری، یک طرف می‌تواند در مورد شخص فراری به منظور استرداد، پیش از ارائه درخواست رسمی، از طرف دیگر درخواست بازداشت موقت کند. چنین درخواستی کتباً و از طریق مجاری پیش‌بینی شده در ماده (۵) این معاهده، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) یا دیگر مجاری مورد توافق طرف‌ها صورت خواهد گرفت.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۸/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/iz5Wp

آقای شبزنده‌دار - حالا طرف معاهده می‌گوید این فرد را بازداشت موقت کنید. کسی

که جرمش هم اثبات نشده است. آیا ما می‌توانیم این کار را بکنیم؟

آقای مؤمن - بله، ما هم باید بگوییم چشم ولو اینکه پیشنهاد آن دولت را قبول نداریم!

آقای شبزنده‌دار - یعنی مثلاً طرف معاهده به ما می‌گوید این طلبه‌ای را که در جامعه

المصطفی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) مشغول تحصیل است، بازداشت موقت کنید.

هیچ مدرکی هم دال بر مجرم بودن او ارائه نمی‌دهد.

آقای عزیزاده - نه حاج‌آقا، اینکه می‌فرمایید مدرکی ارائه نمی‌دهد، درست نیست، بلکه

باید عمل آن فرد مطابق قانون هر دو کشور جرم باشد.

آقای شبزنده‌دار - نه، اینجا چون بازداشت موقت است، آن شرایط لازم نیست.

آقای عزیزاده - چرا دیگر؟ آن شرایط کلی که در اول معاهده گفت، اینجا هم باید

باشد. در ماده (۲) گفت برای استرداد باید عمل آن شخص به موجب قانون هر دو

کشور جرم باشد، مجازاتش بیشتر از یک سال باشد و ...

آقای مدرسی یزدی - این شرایط برای بازداشت موقت چنین شخصی ثابت نیست دیگر.

آقای عزیزاده - بله، بازداشت موقت که ثابت بودن جرم را نمی‌خواهد. می‌گوید این را

بازداشت کنید و بفرستید بیاید. یعنی این را رهایش نکنید. بازداشت موقت این است.

نه اینکه به حکم حبس محکوم شده باشد. این فرد هنوز محکوم نشده است، بلکه

می‌گوید الآن او را برای تحقیقات بازداشت کنید و همراه مأمور بدرقه به اینجا

بفرستید.

آقای مدرسی یزدی - بازداشت موقت در مورد شخص فراری است ...

آقای عزیزاده - بله دیگر.

آقای شبزنده‌دار - حالا علی‌ای حال این اشکال هم هست.

آقای یزدی - در این مورد، در مجمع دو تا نظر وجود داشت؟

آقای شبزنده‌دار - بله.^(۱)

۱. «... در مقابل نظر بعضی از اعضاء این بود که بازداشت موقت نمودن شخص مانند بازداشت موقت

نمودن اشخاص توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی

فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۸ مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، قابل مشاهده در نشانی زیر:

آقای مؤمن - مجمع مشورتی گفته است که بند (۲) ماده (۱۲) هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - «ماده ۱۲ - ...»

۲- اگر تعویق استرداد، به صورت جدی رسیدگی‌های جزایی در طرف درخواست‌کننده را دچار مشکل نماید، طرف درخواست‌شونده می‌تواند بنا به درخواست، شخص مورد درخواست را موقتاً به طرف درخواست‌کننده تحویل دهد مشروط بر اینکه جریان رسیدگی‌های جاری آن با ممانعت مواجه نشود و طرف درخواست‌کننده تقبل نماید که شخص مزبور را پس از اتمام جریان رسیدگی‌های مربوط بدون قید و شرط و فوری عودت دهد.»

آقای شبزنده‌دار - اشکالی که بعضی از آقایان در مجمع فقهی به این قسمت گرفته‌اند، این است: «نظر بعضی از اعضاء این بود که اطلاق جواز تحویل دادن موقت شخص درخواست‌شونده به دولت مقابل از جهت شمول نسبت به فرضی که تحویل دادن وی به دولت اندونزی موجب ترخیص در معصیت و تعطیلی مجازات اسلامی می‌گردد، خلاف شرع می‌باشد. در مقابل، نظر بعضی دیگر از اعضاء این بود که حاکم اسلامی و ولی امر این‌گونه اختیارات را دارا می‌باشد و در فرض وجود مصلحت، مانعی ندارد.»^(۱) یعنی مثلاً کسی که در ایران به خاطر انجام جرمی محکوم شود، باید مثلاً دو سال یا سه سال زندان باشد یا در حبس ابد باشد. خوب وقتی که این فرد را بخواهند به آن کشور بفرستند تا آنجا او را محاکمه کنند یا بررسی‌های دیگری که دارند انجام دهند، گفته‌اند در مواردی که این ارسال موقت، موجب تعطیل شدن اجرای حکم شرعی شود، اشکال دارد. البته بعضی دیگر از آقایان هم فرمودند که اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - این اشکال هم همان اشکال قبلی است دیگر.

آقای شبزنده‌دار - نه، این اشکال غیر از آن اشکال قبلی است.

آقای مدرسی یزدی - ولی یک‌جایی در این معاهده آمده بود که اگر یکی از طرفین در

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۸/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/iz5Wp

مورد این فرد حکم داده باشد، استرداد دیگر معنا ندارد.^(۱)

آقای شبزنده‌دار - نه، این یک چیز دیگری است.

آقای علیزاده - ببینید؛ اینجا دو جرم واقع شده است که یکی از آنها در مملکت ما واقع شده است و مجرم هم در حال تحمل کیفر است. یک جرم دیگر هم در آنجا واقع شده است. یعنی این آقا که تبعه‌ی اندونزی است، در آنجا هم یک جرمی مرتکب شده است. این ماده می‌گوید اگر شما ایشان را اینجا محکوم کردید و او دارد در اینجا مجازات می‌شود، ما هم آنجا می‌خواهیم یک تحقیقاتی در مورد جرم او در آنجا انجام بدهیم. اگر شما این مجرم را نزد ما بفرستید، ما این تحقیقات را انجام می‌دهیم و بعد او را برای تحمل بقیه مجازات عودت می‌دهیم؛ یعنی برای تحمل ادامه‌ی مجازاتش باز نزد شما می‌آید. این ماده این مطلب را می‌گوید.

آقای شبزنده‌دار - بله، ولی اشکال این ماده این است که این استرداد، موجب تأخیر در اجرای حکم شرعی می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - فقط در جایی که مجازاتش حبس ابد باشد، [ممکن است اشکال پیش آید] که البته با حبس ابد هم منافاتی ندارد؛ چون مجرم می‌تواند یک مدتی برود و دوباره برگردد.

آقای علیزاده - بله، مجرم بعد از بازگشتش دوباره به حبس می‌رود.

آقای شبزنده‌دار - خب، لابد آقایان به اشکال ماده (۱۵) هم رأی نمی‌دهند.

آقای علیزاده - امروز روز رحمت است. الیوم یوم المرحمه.

آقای شبزنده‌دار - لطف کنید این ماده را بخوانید، شاید اشکالش را آقایان قبول کنند. صفحه (۱۰) ماده (۱۵) را بخوانید.

آقای علیزاده - «ماده ۱۵- قاعده اختصاصی بودن

شخصی که طبق این معاهده مسترد می‌شود در طرف درخواست‌کننده به غیر از

۱. «ماده ۳- امتناع از استرداد

۱- استرداد در موارد زیر پذیرفته نخواهد شد:

الف- ...

ث- چنانچه حکم نهایی در طرف درخواست‌شونده در مورد شخص مورد درخواست در خصوص جرمی که موضوع درخواست بوده، صادر شده باشد. ...»

جرمی که به خاطر آن درخواست استرداد داده شده، برای هیچ جرمی که قبل از تسلیم مرتکب شده است، تحت پیگرد جزایی قرار نخواهد گرفت، یا حکمی در مورد وی به اجراء گذاشته نخواهد شد و شخص مزبور به کشور ثالثی مسترد نخواهد گردید، مگر در موارد زیر: ...»

آقای یزدی - این ماده می‌گوید فقط به همان جرمی که موجب استرداد مجرم شده است، رسیدگی می‌شود و بقیه‌ی جرایمش را باید نادیده گرفت.

آقای علیزاده - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - فقط یک جرم او مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنوقت آیا این اشکال ندارد؟

آقای یزدی - خب منشأ استرداد این فرد همین جرم است [و لذا باید فقط به همین جرم او رسیدگی شود].

آقای شب‌زنده‌دار - این موضوع در مورد طرف ما چطور است؟

آقای مدرسی یزدی - طرف ما هم همین‌طور است.

آقای یزدی - منشأ استرداد همین جرم است.

آقای مدرسی یزدی - ما که نمی‌توانستیم آن مجرم را به ایران بیاوریم. اگر می‌توانستیم او را بیاوریم که استرداد نمی‌خواستیم. حالا که استرداد کردیم، [فقط باید به همان یک جرمش رسیدگی کنیم] و الاً اصلاً آن مجرم به دست ما نمی‌رسید.

آقای علیزاده - بله، این ماده می‌گوید فقط به همین یک موردی که به موجب استرداد، مسترد شده است، رسیدگی کنید. اگر این معاهده نبود، اصلاً آن مجرم را برای همان یک مورد هم به ما نمی‌دادند.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این ماده می‌گوید که اگر مثلاً بعداً ثابت شود که این مجرم قبلاً قتل نفس کرده است، دیگر نباید جرم قتل نفس او را مورد پیگرد قرار بدهید.

آقای مدرسی یزدی - خب بله، اگر ما همین‌طوری می‌توانیم بدون کمک از این معاهده او را بیاوریم، خب می‌رویم و او را می‌آوریم. اگر نتوانستیم، از طریق این معاهده عمل می‌کنیم.

آقای شب‌زنده‌دار - این چه حرفی است! یعنی ما ملتزم به این بشویم که ما این حکم الهی را جاری نمی‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - چون اگر ما این معاهده را هم قبول نکنیم، باز هم نمی‌توانیم این حکم الهی را جاری کنیم. فرض این است که ما نمی‌توانیم او را به کشور بیاوریم؛ و آلا اگر بتوانیم او را بیاوریم، ملتزم به این معاهده نمی‌شویم.

آقای شبزنده‌دار - نه، خب در آن مواقع باید طلب استرداد نکنیم یا باید سبک و سنگین بکنیم.

آقای علیزاده - یعنی در این موارد اصلاً نباید درخواست استرداد بکنیم. اگر آن مجرم آمد، به همه‌ی جرایم او رسیدگی می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - بله، درخواست استرداد نکنید؛ اگر می‌توانید بروید او را بیاورید.

آقای شبزنده‌دار - نمی‌توانیم او را بیاوریم.

آقای مدرسی یزدی - خب اگر نمی‌توانید او را بیاورید، پس چاره‌ای ندارید و باید به همان حداقل یک جرم، اکتفا کنید.

آقای شبزنده‌دار - خب این شرط معاهده، غیر شرعی است. یعنی این آدمی که استرداد می‌شود، اگر ثابت بشود که سابقاً جرائمی داشته است، اشکالی ندارد و ما حق داریم که به آنها رسیدگی نکنیم؟!

آقای علیزاده - بله، خب قبلاً به این موارد اشکال می‌گرفتید ولی حالا [این ایراد، رأی کافی ندارد دیگر].

آقای مدرسی یزدی - نه، اتفاقاً ما قبلاً هم به این موارد اشکال نمی‌گرفتیم و استدلالمان هم همین بود که الان گفتیم.

آقای یزدی - یعنی چون همین یک جرم ملاک استرداد بوده است، فقط به همان رسیدگی می‌شود و جرائم دیگرش مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - فرض این است که اگر بدون استرداد می‌توانیم آن مجرم را بیاوریم، خب می‌آوریم و مشکلی ندارد و ما هم کارمان را انجام می‌دهیم و به همه‌ی جرم‌های مجرم رسیدگی می‌کنیم. ولی اگر فقط از طریق استرداد برگرداندن او ممکن است، خب دیگر چاره‌ای نداریم؛ تراحم است بین اینکه اصلاً او را برنگردانند و اینکه فقط به یک جرم او رسیدگی کنیم. در اینجا ما حداقل را می‌گیریم.

آقای شبزنده‌دار - ما چرا باید این شرط را جزء معاهده با آنها قبول بکنیم؟

آقای مدرسی یزدی - اگر این کار را نکنیم، فایده‌ای ندارد؛ چون نمی‌تواند بدون

معاهده‌ی استرداد آن مجرم را برگردانند.

آقای شب‌زنده‌دار - آخر چرا؟ یعنی چه؟ یعنی داریم ملتزم به شرایط آنها می‌شویم؟
آقای مدرسی یزدی - اگر شرایط آنها را نپذیریم، آن وقت آنها بازگرداندن مجرم از طریق استرداد را قبول نمی‌کنند.

آقای یزدی - این حرف درستی است. ببینید؛ یک وقت با پلیس بین‌الملل آن مجرم را می‌آورید، آن وقت او مطلقاً در اختیار شما قرار می‌گیرد و به همه‌ی جرایمش هم رسیدگی می‌کنید، اما یک وقت یک آدمی است که اصلاً امکان ندارد در اختیار شما قرار بگیرد، مگر از طریق استرداد. استرداد هم فقط تحت عنوان یک جرم مشخص قابل عمل است و با جرایم دیگر قابل عمل نیست. یعنی این مجرم همیشه فراری است.

آقای شب‌زنده‌دار - اجازه بدهید. نه، اصلاً چرا ما باید معاهده‌ی استرداد را این طوری ببندیم؟

آقای یزدی - کار دیگری نمی‌توانیم بکنیم.

آقای مدرسی یزدی - [اگر این شرط را در معاهده ننگجانید] قطعاً انعقاد معاهده را قبول نمی‌کنند.

آقای یزدی - شما نمی‌توانید کاری بکنید.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا؟

آقای یزدی - ببینید؛ بدون این شرط، اصلاً مجرم در حیطه‌ی اختیار شما قرار نمی‌گیرد.

آقای شب‌زنده‌دار - بعد از اینکه ما این طور قرارداد بستیم، آن مجرم در اختیار ما قرار نمی‌گیرد. ما می‌گوییم اصلاً چرا با اندونزی این طوری قرارداد ببندیم؟

آقای علیزاده - گفتیم آنها این تفسیر شما را قبول نمی‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا با اندونزی این طوری قرارداد می‌بندیم؟

آقای یزدی - یک آدمی فراری است و ما اصلاً نمی‌توانیم او را برگردانیم، مگر اینکه این معاهده را قبول کنیم.

آقای علیزاده - بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - قرارداد ما با آنها باید طوری باشد که تعهدات هر دو طرف

مساوی باشد. آن وقت اگر این معاهده را نپذیریم، در مجموع به ضرر ما می‌شود.

آقای شبزنده‌دار - آدمی که قبلاً هم جرم کرده است، چرا نباید در مورد آن جرم‌ها هم محاکمه شود؟ این اشکال اصلی است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب، ما قبلاً هم به این موارد اشکال نمی‌گرفتیم.

آقای علیزاده - خیلی خب، اشکال بعدی را بفرمایید.

آقای شبزنده‌دار - اشکال بعدی در مورد ماده (۱۶) است.

آقای علیزاده - بله، بفرمایید.

آقای شبزنده‌دار - این ماده را خودم هم قبول دارم که اشکال دارد. بند (۲) ماده (۱۶)

می‌گوید: «ماده ۱۶- تسلیم اموال

۱- ...

۲- در صورت موافقت با استرداد، اموال ذکر شده در بند (۱) این ماده، حتی اگر استرداد شخص به دلایل فوت، غیبت، فرار شخص مورد درخواست یا هر دلیل دیگری انجام نشود، به طرف درخواست‌کننده تحویل خواهد گردید.» یعنی اگر مجرم فوت شده است، اموالش را به طرف درخواست‌کننده که دولت اندونزی است، می‌دهیم. خب اشکال مجمع فقهی این است: «نظر بعضی از اعضاء این بود که در فرض فوت شخص مورد درخواست، اموال وی در اختیار ورثه وی قرار می‌گیرد نه در اختیار طرف درخواست‌کننده.»^(۱)

آقای یزدی - اموالی که در بند (۱) ذکر شده است اینها است: «۱- طرف درخواست‌شونده بر اساس درخواست طرف درخواست‌کننده تا آنجا که قوانین ملی آن اجازه می‌دهد، منافع حاصل از جرم، ابزار جرم و سایر دارایی‌هایی را که می‌تواند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد و در قلمرو طرف درخواست‌شونده یافت می‌شود، یا در اختیار شخص مورد درخواست باشد، توقیف نموده و چنانچه با استرداد موافقت شود، این اموال را به طرف

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۸/ف/۹۶ مورخ ۳۱/۰۳/۱۳۹۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/iz5Wp

درخواست کننده تحویل خواهد داد.»

آقای شبزنده‌دار - بله، اشکال این است که این اموال به ورثه‌اش می‌رسد. مثلاً یک اندونزیایی است که در ایران است و ورثه‌اش هم اینجا هستند و طرف مقابل هم استرداد این فرد را خواسته است، ولی این شخص قبل از استرداد، مُرد. حالا این ماده می‌گوید اموال این شخص را به دولت اندونزی بدهید.

آقای عزیزاده - نه، مقصود از اموال، این نیست؛ منظور دارایی‌هایی است که در مورد جرم است. بند (۱) را ببینید؛ بند (۱) می‌گوید: «... منافع حاصل از جرم، ابزار جرم و سایر دارایی‌هایی را که می‌تواند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد.» نه اینکه ما همه‌ی اموال این فرد را به اندونزی تملیک کنیم.

آقای شبزنده‌دار - خب بله، این اموالی که به عنوان مدرک جرم است، اما این ماده نمی‌گوید که فقط درآمدهای ناشی از جرم او را مسترد کنید، بلکه مثلاً فرض کنید که یک فرشی دارد که خونی است و می‌گویند این آقا مقتول را روی این فرش کشته است.

آقای عزیزاده - به حرف من گوش بدهید. حضرت آقا، این اموال را که به دولت اندونزی تملیک نمی‌کنند. این اموال را به آنها می‌دهند، چون می‌خواهند از آن اموال به عنوان مستند جرم در دادگاه استفاده بکنند، نه اینکه آن اموال را به آن طرف تملیک بکنند.

آقای شبزنده‌دار - خب ما نمی‌دانیم که آیا طرف مقابل آن اموال را پس می‌دهد یا نه؟

آقای عزیزاده - این ماده نمی‌خواهد بگوید که این اموال را به آنها تملیک می‌کنیم.

آقای شبزنده‌دار - ما هم نمی‌گوییم این اموال را تملیک می‌کنند. مگر ما می‌گوییم این اموال را تملیک می‌کنند؟! ما می‌گوییم اصلاً حق نداریم این اموال را به آنها بدهیم.

آقای عزیزاده - وقتی مجرم را به آن کشور تحویل دادید، آثار ناشی از جرم را هم باید تحویل بدهید.

آقای شبزنده‌دار - خب این فرد مُرده است دیگر.

آقای مؤمن - باشد.

آقای عزیزاده - باشد؛ مُرده باشد. با مُردن مجرم که این جرم از بین نمی‌رود.

آقای شبزنده‌دار - از مُرده که نمی‌شود حق ...

آقای یزدی - این شخص مُرده ولی مجرم بوده است و از راه همین جرم هم این اموال

را به دست آورده است.

آقای علیزاده - بله، یا اینکه اینها دارایی هایی است که مستند جرم است.

آقای یزدی - در بند اول این ماده می گوید: «۱- طرف درخواست شونده بر اساس درخواست طرف درخواست کننده تا آنجا که قوانین ملی آن اجازه می دهد، منافع حاصل از جرم، ابزار جرم و سایر دارایی هایی را که می تواند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد و در قلمرو طرف درخواست شونده یافت می شود، یا در اختیار شخص مورد درخواست باشد، توقیف نموده و چنانچه با استرداد موافقت شود، این اموال را به طرف درخواست کننده تحویل خواهد داد.»

آقای مدرسی یزدی - یعنی استرداد اموال تا آنجایی است که قوانین ملی اجازه می دهد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - آن اموال را هم بعد از بررسی برمی گردانند.

آقای یزدی - کل اموال آن شخص که استرداد نمی شود؛ فقط آن اموالی که از راه جرم به دست آمده است مسترد می شود.

آقای علیزاده - یا آن اموالی که مستند برای اثبات جرم است.

آقای یزدی - بله، یا اموالی که مستند جرم است.

آقای علیزاده - [ضمن اینکه آن کشور،] بعد از بررسی، مالک این اموال هم نمی شود. این اموال را به آن کشور تملیک نمی کنند.

آقای شبزنده دار - گفته است: «سایر دارایی هایی را که می تواند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد ...»

آقای علیزاده - حاج آقا، این اموال، مدرک است؛ مدرک جرم است.

آقای یزدی - «منافع حاصل از جرم، ابزار جرم و سایر دارایی هایی را که می تواند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد ...»

آقای علیزاده - مدرک جرم را به آن کشور می دهند تا جرم اثبات بشود. بعداً آن اموال را به مالکش برمی گردانند.

آقای شبزنده دار - از کجا می دانید که این اموال را برمی گردانند؟ پس باید این ماده را به این قید تقیید کنید که اموال را برگردانند. باید در این ماده بگویید که مثلاً یک چیزی

از طرف مقابل برای ضمانت گرفته شود؛ چون این اموال مال مردم است.

آقای یزدی - اموالی که می‌تواند مدرک محاکمه قرار بگیرد، مسترد می‌شود.

آقای علیزاده - این ماده که نمی‌گوید مالکیت آن اموال به آن کشور تملیک می‌شود؛ می‌گویند این اموال را می‌دهند تا او جرم را اثبات کند.

آقای یزدی - یعنی اموالی که قابل استفاده در موقع محاکمه است، مسترد می‌شود.

آقای علیزاده - بله دیگر؛ مثلاً این قالی را که رویش خون ریخته است، به آنجا می‌برند و بعد این خون روی قالی را می‌گیرند و آزمایش می‌کنند.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - بعد به طریقی می‌گویند مجرم مقتول را اینجا و به این شکل کُشته است.

آقای یزدی - حتی ممکن است لازم باشد لباس مجرم را هم بدهند.

آقای علیزاده - بله، آنها را هم می‌دهند؛ چون مثلاً این لباس‌ها خون‌آلود است و خون آن آقا هم که کُشته شده، روی این لباس‌ها است. این ماده نمی‌گوید این اموال به آن کشور تملیک می‌شود. اینها فقط به عنوان مستند در پرونده مسترد می‌شود.

آقای یزدی - یعنی منظور این ماده تملیک و تملک اموال نیست. منظور تحویل آن چیزهایی است که راه اثبات جرم بوده و ابزار جرم است و در تشخیص جرم دخالت دارد. **آقای علیزاده -** استرداد اینها ایرادی ندارد.

آقای یزدی - این واقعاً مشکلی ندارد، چه مشکلی دارد؟ استرداد این اموال که به معنای تملیک و تملک اموال شخصی آزاد طرف نیست.

آقای علیزاده - اشکال بعدی در مورد ماده (۱۸) است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، بند (۲) ماده (۱۸): «ماده ۱۸- عبور

۱- ...

۲- در صورت فرود پیش‌بینی‌نشده هواپیما در قلمرو آن طرف، ممکن است از طرف دیگر درخواست شود طبق بند (۱) این ماده^(۱) برای عبور درخواست نماید.

۱. «۱- عبور شخصی که قرار است به یک طرف توسط کشور ثالث از طریق قلمرو طرف دیگر مسترد شود، بنا به درخواستی که از مجاری پیش‌بینی‌شده در ماده (۵) این معاهده ارائه شده است، تا حدی که

طرف مذکور تا جایی که مخالف با قوانین داخلی آن نباشد می‌تواند شخص را برای مدت هفتاد و دو ساعت تا زمان درخواست عبور در بازداشت نگه دارد.»

آقای عزیزاده - این هم همان ایراد قبلی است؛ مثل همان ایراد بازداشت موقت است دیگر.

آقای شب‌زنده‌دار - بله. مجمع فقهی در مورد این بند گفته است: «نظر بعضی از اعضاء این بود که اجازه دادن به «در بازداشت نگه‌داشتن» وجهی نداشته و خلاف شرع است. در مقابل نظر بعضی از اعضاء این بود که در فرض وجود مصلحت، مانعی ندارد.»^(۱)

آقای یزدی - این هواپیما فرود اضطراری داشته است دیگر.

آقای عزیزاده - بله، مثل بازداشت موقت است که آقایان گفتند اشکالی ندارد. خوب این هم تمام شد.^(۲)

→

قوانین آن اجازه داده باشد، مجاز شمرده خواهد شد. چنانچه حمل و نقل هوایی مورد استفاده قرار گیرد و فرود در قلمرو طرف محل عبور برنامه‌ریزی نشده باشد، کسب اجازه عبور لازم نخواهد بود.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۸ مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، قابل مشاهده در نشانی زیر:

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۱۷ مورخ ۹۶/۴/۳ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۴۷/۲۰۵۳۳ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ و پیرونامه شماره ۹۶/۱۰۰/۱۵۵۵ مورخ ۹۶/۳/۳۰، لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین مصوب جلسه مورخ دهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر:

- بند (۳) ماده (۳)، به حرف (ث) اصلاح و بالتبع شماره‌های بعدی اصلاح شود.»

طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰

منشی جلسه - دستور دوم در مورد «طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰»^(۱) است. در این مصوبه گفته‌اند: «ماده واحده - به موجب این قانون، قوانین و تصمیمات قانونی از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰ به شرح زیر اعم از اینکه اجراء شده یا اجرای آن متوقف شده یا موضوع آن منتفی شده و یا به موجب قانون لاحق نسخ ضمنی شده باشد، منسوخ اعلام می‌گردد.»

آقای یزدی - من در مورد این طرح یک سؤالی دارم که اگر اجازه بدهید، سؤال بکنم.
آقای علیزاده - بفرمایید، خواهش می‌کنم.

آقای یزدی - من این مصوبه را یک مروری کردم. خیلی از بندهایش مشکلی ندارد، اما مواردی هست که نمی‌دانم سرنوشتش چگونه خواهد شد. مثلاً در جایی نوشته شده است در تاریخ فلان، یک خالصه‌ای به فلانی داده شود. خالصه اموال حکومتی بوده که برای شاه بوده است.

آقای علیزاده - بله، برای شاه بوده است.

آقای یزدی - مثلاً آن موقع یک خالصه‌ای را طبق مصوبه‌ی مجلس شورای ملی به ورثه‌ی آیت‌الله تهرانی تملیک کرده‌اند که حالا می‌خواهند این قانون را لغو کنند. خب حالا تکلیف این خالصه‌هایی که به موجب این قوانین تملیک شده است، چه می‌شود؟ اولاً آن‌طور که تاریخ نشان می‌دهد معمولاً خالصه‌ها این حالت را داشته‌اند که ملک اشخاص بوده‌اند و اشخاص از ترس شاه آن را به او پیشکش کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، یا این اموال را پیشکش شاه می‌کردند یا به زور آنها را از مالکین می‌گرفتند.

آقای یزدی - مالک اصلی آنها در حقیقت آن کشاورز است؛ یعنی صاحب اصلی آن

۱. طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰ در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۶ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۰/۲۲۲۶۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۳ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

اموال، آدم‌های معمولی بوده‌اند. شاه که به یک جایی می‌رفته است، وقتی از مزرعه‌ای خوشش می‌آمده، مثلاً می‌گفته چه مزرعه‌ی قشنگی است یا چه باغ قشنگی است. آنها هم ناچار بودند که بگویند آن را تقدیم می‌کنیم. بعد این اموال جزء اموال خالصه می‌شده است. من در مورد سابقه‌ی تاریخی خالصه این مطلب را خوانده‌ام که یک چنین وضعیتی بوده است. اکثر اموال خالصه همین‌طور است. یعنی بسیاری از اینها اموال کشاورزان بوده است که به اموال خالصه ضمیمه شده است. حالا این مصوبه یکی از این خالصه‌ها را اسم برده است که در فلان نقطه است و طبق مصوبه‌ی مجلس شورای ملی، این خالصه به ورثه‌ی آیت‌الله تهرانی واگذار شده است. البته من نمی‌دانم این آیت‌الله تهرانی چه کسی بوده که این اموال به ورثه‌ی او واگذار شده است. خوب، حالا که این قانون لغو می‌شود، معنای این لغو چیست؟ یعنی آیا الآن باید بروند و آن اموال را از ورثه پس بگیرند؟ در حالی که واگذاری آن اموال، اقلأً چند دوره بین وراثت دست به دست شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، یعنی این قانون، دیگر موضوعیت ندارد و موضوع آن تمام شده است.

آقای ابراهیمیان - نه، اینجا نوشته است اگر این قوانین نسخ ضمنی هم شده باشند، با این مصوبه منسوخ اعلام می‌گردند.

آقای کدخدائی - کجای مصوبه چنین چیزی نوشته است؟

آقای اسماعیلی - اول مصوبه، این را گفته است.

آقای یزدی - نوشته است که اگر تاریخ قانون گذشته باشد یا موضوع آن منتفی شده باشد؛ خوب منظورش این است که یعنی این قوانین موضوع ندارند؟

آقای اسماعیلی - بله، یعنی آن قانون دیگر موضوع ندارد.

آقای ابراهیمیان - یعنی این قانون منسوخ می‌شود و قانون منسوخ نمی‌تواند اثر بگذارد.

آقای یزدی - خوب اینکه می‌گوید «قانون موضوع ندارد»، یعنی چه؟

آقای اسماعیلی - من یک توضیحی عرض کنم.

آقای یزدی - یعنی این افراد بر اساس آن قانون، مالک آن ملک شده‌اند و تصرفاتی که در اموال کرده‌اند، حق مشروع آنها بوده است و حالا هم که این قانون نسخ می‌شود، هنوز مالک آن مال هستند و دارند از آن اموال استفاده می‌کنند؛ ولی اگر قرار است از

لحاظ شرعی حرف بزیم، مالک شرعی آن اموال، کشاورزی است که آنها را به شاه تقدیم کرده است. اگر ما واقعاً می‌خواهیم این اموال را به صاحبش برگردانیم، باید این کار را بکنیم. همین‌طور که خیلی جاها چه در موقوفات و چه در جاهای دیگر، اموال اشخاص را به خودشان برگردانیم، به‌خصوص در اینجا اموال خالصه را باید به مالکین اصلی آن برگردانیم؛ چون اموال خالصه برای آن کشاورز بدبخت و بیچاره بوده است.

آقای کدخدائی - حاج آقا، الان می‌دانید آن اموال برای کیست؟

آقای یزدی - بله؟

آقای کدخدائی - آیا الان می‌دانیم آن اموال مال چه کسی بوده است؟ مالک اصلی را می‌شناسیم؟

آقای یزدی - بله، از تاریخ انتقال آن خالصه، معلوم می‌شود. اگر بخواهیم مالکش را معین بکنیم، می‌توانیم.

آقای اسماعیلی - این اموال اصلاً بر نمی‌گردند. با این قانون که الان این اموال به مالک قبش بر نمی‌گردد.

آقای ابراهیمیان - نسخ این قوانین، اثری در آن مالکیت‌ها ندارد.

آقای یزدی - آهان، همین؛ منظور من هم همین است که معنای نسخ آن قوانین چیست؟

آقای اسماعیلی - الان عرض می‌کنم. اینها در مجلس شورای ملی یک قانونی تصویب کرده‌اند که مواد دیگری هم دارد و در آن آمده است که مثلاً فلان چیز را به فلانی بدهید یا این اموال برای فلانی باشد یا مثلاً طبق قانونی، مقداری پول یا مقرری را به فلان فرد می‌داده‌اند.

آقای یزدی - بله، دو سه جا چنین قانونی وجود دارد. حالا آن اموالی که داده‌اند، مصرف شده است؛ مثلاً به او پول داده‌اند که آن پول مهم نیست؛ چون آن پول‌ها گرفته شده و صرف شده و خرج شده است؛ اما این زمین هست؛ موجود است.

آقای ابراهیمیان - مثلاً [در بند (۷۴) قوانینی که نسخ می‌شود] نوشته است: «(۷۴) - حقوق الله کرم‌خان پسر حیدرقلی خان ...»

آقای اسماعیلی - بله، یا مثلاً چند جا دارد که به فلان کس مقرری بدهید؛ این

مقرری‌ها دیگر بر نمی‌گردند.

آقای یزدی - در مورد مقرری که بله، آنها دیگر بر نمی‌گردد، چون قانونش را حذف کرده‌اند و الآن می‌گویند دیگر به او مقرری ندهید؛ قبلاً می‌دادید، دیگر ندهید. این مهم نیست.

آقای مدرسی یزدی - موضوع این قانون لغو شده است.

آقای اسماعیلی - یعنی این قانون انجام شد؛ تمام شد و رفت. الآن در مجموعه‌ی قوانینی که در دست ما، قضاات و مجلس است و می‌آییم آنها را به کلاس و دادگاه می‌بریم، با اینکه دیگر موضوعی ندارند، مدام اینها را هر سال چاپ می‌کنند. فلسفه‌ی این کار که [الآن به موجب این مصوبه انجام داده‌اند]، نسخ چنین قوانینی است، که کار بسیار خوبی است.

آقای یزدی - من این را می‌فهمم، اما ببینید؛ اینکه در مقدمه‌اش نوشته است آن قانون دیگر موضوع ندارد، در اول ماده واحده هم نوشته است که چه موضوع داشته باشد و چه نداشته باشد، چه تاریخ اجرایش گذشته باشد و چه نگذشته باشد، همه‌ی آن قوانین با این مصوبه منسوخ می‌شود.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای یزدی - من می‌گویم مثلاً اگر قانون مربوط به مقرری را حذف نکنیم، هیچ اشکالی ندارد؛ [چون آن قانون گفته بود که این مقرری را] به فلان شخص بدهید، که مقرری را داده‌اند و آنها هم خورده‌اند و تمام شده است. این هیچ اشکالی ندارد. اما وقتی که در قانون نوشته است که در این تاریخ یک قطعه زمین خالصه‌ی معین به این فرد داده شود، [این خالصه هنوز موجود است].

آقای اسماعیلی - آن قطعه زمین را هم داده‌اند و تمام شده است دیگر.

آقای یزدی - آن زمین را طبق آن قانون به ورثه‌ی یک آیت‌الله داده‌اند که الآن، هم آن ورثه حضور دارند و هم این زمین وجود دارد. آنها هم به حکم این قانون، در این زمین تصرف می‌کنند. الآن اگر این قانون را نسخ بکنید، قاعدتاً باید آن زمین را به صاحب اصلی‌اش برگردانید. خب با این مصوبه، آیا این زمین را باید برگردانید یا نباید برگردانید؟

آقای اسماعیلی - نه.

آقای علیزاده - حالا بگذارید من یک عرضی بکنم.

آقای اسماعیلی - بفرمایید.

آقای علیزاده - عنوان این مصوبه غلط‌انداز است. عنوان مصوبه می‌گوید «الغاء»، اما وقتی ماده واحده را می‌خوانیم، می‌گوید این قوانین منسوخ شده است. نسخ قانون از تاریخ نسخ اثر دارد و به قبل از نسخ سرایت نمی‌کند؛ یعنی اعمال انجام شده‌ی سابق را باطل نمی‌کند. طبق آن قانون سابق، آن ملک منتقل شده و ملک این آقا شده است.

آقای یزدی - یعنی از این به بعد نمی‌شود کاری کرد.

آقای علیزاده - بله، یعنی نسخ این قوانین فایده‌ای برای برگشت این اموال ندارد.

آقای یزدی - یعنی از این به بعد [= از زمان نسخ این قوانین به بعد]، نمی‌شود به آنها عمل کرد.

آقای علیزاده - بله، آن اموال را داده‌اند. این قوانین با یک بار انجام دادن، دیگر تمام شده‌اند [و موضوعشان منتفی شده است].

آقای یزدی - آن اموال را داده‌اند و دیگر تا آخر عمر، این خالصه مال این بنده خداهای گیرنده شده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - من یک چیزی عرض بکنم. البته اسم این کار، نسخ نیست؛ چون نسخ برای قانون دائمی است، اما اینجا یک چیزی است که اصلش و ذاتش، موقت و برای یک بار بوده است؛ لذا در مورد اینها دیگر نسخ معنا ندارد.

آقای یزدی - بله، درست است.

آقای علیزاده - بله، نسخ قانون برای اینها معنا ندارد. اینها موضوعش منتفی شده است. خود این مصوبه هم گفته است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بله، در خود این مصوبه هم نوشته است که موضوع آن قوانین منتفی شده است.

آقای علیزاده - بعداً هم گفته است که این قوانین منسوخ می‌گردد.

آقای یزدی - اینجا گفته است: اعم از اینکه اجرا شده یا اجرا نشده باشد، موضوعش منتفی شده یا منتفی نشده باشد. حالا در آخر هم گفته است نسخ ضمنی شده باشد یا نشده باشد.

آقای علیزاده - آخر سر، اعلام کرده است که همه‌ی اینها منسوخ هستند. همه‌ی

اینهایی که در ابتدای ماده واحده می‌گوید، «موضوع» است، و «حکمش» عبارت است از اینکه «منسوخ اعلام می‌گردد».

آقای یزدی - نوشته است: «... منسوخ اعلام می‌گردد».

آقای مدرسی یزدی - [این مصوبه، آن قوانین منسوخ] را اعلام کرده است؛ منتها یک اثری دارد. اثرش این است که چون این قانون‌ها دیگر موضوع ندارند، ما می‌گوییم آنها را [از مجموعه قوانین] بردارید. یعنی مرادشان این است.

آقای علیزاده - بله، این مصوبه آن قوانینی که موضوعش منتفی شده یا متوقف شده یا فلان شده است را [مدّ نظر دارد] و در آخر سر، خودش می‌گوید که این قوانین، منسوخ اعلام می‌گردد.

آقای اسماعیلی - یا قوانینی است که اصلاً اجرا شده و چون اجرا شده، تمام شده است.

آقای علیزاده - بله، بعضی از این قوانین هم اجرا شده و تمام شده است.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای اسماعیلی - خودش می‌گوید قوانینی که اجرا شده [یا اجرائش متوقف شده است].

آقای مدرسی یزدی - یکی از چیزهایی که در سال ۱۲۹۰ مصوب شده است، مقرری خبیثی به نام «یفرم ارمنی» است.^(۱)

آقای علیزاده - بله.

آقای ابراهیمیان - یفرم خان ارمنی.

آقای مدرسی یزدی - همان کسی که مرحوم شیخ فضل‌الله نوری به او گفت یفریم تویی؟ او هم گفت شیخ فضل‌الله تویی؟ یعنی یک خبیث ارمنی را رئیس شهربانی تهران کرده بودند.

آقای یزدی - معلوم است. این قوانین خیلی چیزهای عجیب و غریبی دارد. حالا ببینید ما چه مصیبت‌هایی داشته‌ایم.

آقای علیزاده - بله، شیخ فضل‌الله را زمان او اعدام کردند و خود او هم به ایشان جسارت کرده بود. رضاخان هم هر جا می‌رفت، وقتی یک چیزی را می‌دید که خوب

۱. بند (۷۹) پیوست: «۷۹- مقرری یفرم خان مصوب ۱۲۹۰/۷/۵ مجلس شورای ملی»

است، می‌گفت چه چیز خوبی است! می‌گفتند پیشکش شما! تنها کسی که این کار را نکرد، حاج حسین آقای ملک بوده است. وقتی که رضاخان گفت این عمارت چه عمارت خوبی است، حاج حسین ملک گفت که این را قبلاً وقف بلدیه مشهد کرده‌ام، که دیگر رضاشاه نتوانست آن را بگیرد.

آقای یزدی - خیلی خوب، پس قوانینی که طبق این مصوبه منسوخ می‌شود، معنایش این است که از این به بعد نباید به آن عمل کرد. اگر معنایش این باشد، یعنی آن تملیکی که کرده‌ایم، به اعتبار خودش باقی است، ولی از این به بعد دیگر نباید این کار را کرد. عرض من این است که به هر حال معنای نسخ در این مصوبه چیست؟

آقای ابراهیمیان - بحث این مصوبه ابطال قانون نیست تا از اول تصویب، این قانون بلا اثر بشود.

آقای علیزاده - بله، این «الغاء» [به معنای واقعی کلمه] نیست. هر چند بالای مصوبه نوشته است «طرح الغاء...»، ولی در واقع، «الغاء» نیست.

آقای یزدی - الغاء است دیگر؛ ماده واحده گفته است به موجب این قانون، قوانین و تصمیمات قانونی از تاریخ فلان تا تاریخ فلان، چه اجرا شده و چه اجرا نشده باشد، چه موضوعش منتفی شده یا نشده باشد، منسوخ است.

آقای علیزاده - اگر این قانون تا به حال اجرا نشده باشد، دیگر اجرا نمی‌شود و اگر اجرا شده باشد ...

آقای جنتی - این تعبیر «منسوخ»، تعبیر درستی نیست؛ باید بگویند «کأن لم یکن» تلقی می‌گردد. تعبیر صحیحش این است.

آقای علیزاده - تعبیر «کأن لم یکن» بدتر است.

آقای جنتی - نه.

آقای یزدی - بالاخره انتهای ذهن من این است که این ملکی که الآن عملاً ملک موجود است و مالکش هم معلوم است و همه چیزش معلوم است، تکلیفش چیست؟ **آقای مدرسی یزدی -** در اینجا منظور، نسخ در قرائت است نه نسخ در عمل.

آقای یزدی - به حکم آن قانون طاغوتی، این ملک را در اختیار فلانی قرار داده‌اند و الآن آن حکم کأن لم یکن حساب می‌شود؛ یعنی این ملک باید به صاحب اصلی‌اش برگردد.

آقای علیزاده - عبارت «کأن لم یکن» را به کار نبرده‌اند.

آقای یزدی - این قوانین منسوخ است، یعنی اینکه از این به بعد به آنها عمل نکنید. پس آیا یعنی آن کارهایی که قبل از این قانون عمل کرده‌اند، به قوت خودش باقی است؟

آقای علیزاده - اگر به آن قانون عمل کرده‌اند، که عمل کرده‌اند [و تمام شده است]؛ ولی اگر عمل نکرده‌اند، دیگر پس از این نسخ نمی‌توانند به آن عمل بکنند. یعنی اگر ملک را به آن آقا نداده بودند، دیگر نمی‌شود آن ملک را به او داد؛ ولی اگر داده‌اند، او مالک شده است [و دیگر نمی‌توان این ملک را از او گرفت].

آقای یزدی - بله، حالا فرض کنید ملک را به آن آقا داده‌اند. در آن قانون سابق نوشته بودند که این ملک به فلانی واگذار بشود یا تملیک بشود.

آقای علیزاده - بله.

آقای ابراهیمیان - ولی در عنوان این مصوبه، عبارت «الغاء» را آورده‌اند، اما بعد [در متن ماده واحده] می‌گوید این قوانین «نسخ» می‌شود و قبلاً هم اسباب متعدد نسخ را گفته است، معنی‌اش، نسخ به معنای عام است.

آقای یزدی - خیلی خوب.

آقای علیزاده - این مصوبه نگفته است که این ملک را به فلان شخص بدهید؛ ولی می‌گوید اگر اجرای آن قانون متوقف بوده، [از این به بعد، دیگر] ملک را ندهید. یعنی اگر ملک را قبلاً نداده‌اند، دیگر نمی‌توانند بدهند؛ چون اجرای آن قانون [به موجب این مصوبه] متوقف شده است. معنایش این است.

آقای مؤمن - حالا اگر اجرای آن قانون متوقف بشود، چه کار باید بکنند؟

آقای علیزاده - دیگر آن قانون اجرا نمی‌شود.

آقای مؤمن - اینجا که نگفته است اجرا نشود.

آقای علیزاده - آن قانون، منسوخ است؛ وقتی آن قانون منسوخ شد، یعنی دیگر نمی‌شود آن را اجرا کرد.

آقای یزدی - یک وقت طبق آن قانون سابق، به کسی مقرری می‌داده‌اند یا پول می‌داده‌اند، خب وقتی آن قانون نسخ شد، دیگر نباید چیزی به او بدهند؛ یعنی اگر به او پول داده‌اند، در آن تصرف شده است و الآن دیگر موضوعش منتفی شده است، اما

از این به بعد، دیگر نباید چیزی به او بدهند. یا اینکه طبق آن قانون سابق، به کسی امتیازی داده‌اند، که آن هم تمام شده و رفته است. اما اگر به حکم آن قانون سابق، ملکی را تملیک کرده‌اند و الآن می‌خواهیم آن قانون را نسخ بکنیم، تکلیف چیست؟ آیا باید چشمان را بر هم بگذاریم و از آن رد شویم؟!

آقای مؤمن - «اجرای قانون متوقف شده است»، یعنی چه؟

آقای علیزاده - یعنی اگر مثلاً در قانونی گفته بودند که ماهانه این قدر به فلانی بدهید، و بعد اجرای آن را متوقف کرده‌اند و گفته‌اند که فعلاً دیگر آن پول را ندهید.

آقای مؤمن - چه کسی این حکم توقف را نوشته است؟

آقای علیزاده - مجلس.

آقای مؤمن - خوب، اگر مجلس آن را نوشته است، پس این مصوبه چیست؟

آقای علیزاده - «توقف» یعنی فعلاً آن پول را ندهید؛ نگفته‌اند که برای همیشه این پول را ندهید؛ یعنی فعلاً مثلاً برای پنج سال ندهید.

آقای مؤمن - پس «اجرای آن متوقف شده»، یعنی آن فرد مالک آن مال نشده است؟ این متوقف می‌گردد یعنی شما مالک نشده‌اید یا [اینکه مالک شده‌اید ولی] فعلاً اجرای آن متوقف است.

آقای علیزاده - حاج آقا، چه کسی او را مالک کرده است؟ مجلس او را مالک کرده است.

آقای مؤمن - خوب، اگر اجرای آن متوقف شده باشد ...

آقای علیزاده - بله، مثلاً قانون گفته است که این ملک را به مشهدی جعفر بدهید، ولی هنوز این مال را به او نداده‌اند. الآن این مصوبه گفته است که دیگر چیزی به او ندهید. قانون می‌گوید که من اگر قبلاً گفتم که آن ملک را بدهید، الآن می‌گویم دیگر ندهید.

آقای سوادکوهی - در این قوانین به صورت مکرر گفته‌اند که به فلانی یک ماشین بدهند یا ماشینش را عوض کنند، یا مصوبه‌ی مجلس این بوده است که به یکی از وزرا ماشین بدهند؛ مثلاً گفته است «تصمیم این است ...».

آقای علیزاده - خیلی خوب. الآن مجلس می‌خواهد یک کاری بکند که این قوانین از صفحه‌ی مقررات جاری حذف بشود.

آقای سوادکوهی - خوب بله، منظورشان حذف این قوانین بوده است، ولی ...

آقای علیزاده - این موضوع را مدام داریم می‌گوییم که این مصوبه می‌گوید آنجاهایی که قانون داریم، دیگر این قوانین را رها کنید؛ زمان آنها تمام شده است. اگر قانونی داشته‌ایم که در فلان سال تصویب شده است، - اسم این قوانین را در این مصوبه آورده‌اند- از این به بعد، این قوانین نسخ شده‌اند و تمام شده است. دیگر کسی نرود دنبالش بگردد که آیا آن قانون نسخ شده است یا نسخ نشده است، آیا اجرا شده است یا اجرا نشده است؟ چون الآن همه گرفتار این موضوع هستند که این همه قوانینی که از آن سالها [= ابتدای نظام قانون‌گذاری در ایران] تا الآن تصویب شده‌اند، آیا کماکان باید اجرا بشوند یا نه؟ وقتی می‌خواهند مجموعه‌ی قوانین را چاپ کنند، همه‌ی اینها را در کنار هم چاپ می‌کنند. این مصوبه می‌گوید آقا، این قوانین را دیگر کنار بگذارید؛ این قوانین، دیگر منسوخ هستند. این کار مربوط به تنقیح قوانین است که دارند انجام می‌دهند. اگر فرمایشی ندارید، از این مصوبه بگذریم. بله؟

آقای سوادکوهی - کلیت مصوبه مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - بله دیگر، آقایانی که این مصوبه را خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - جناب آقای علیزاده، حالا اگر به عنوان مثال، قانونی آمده و قانون دیگری را لغو کرده است، -که الآن در این مصوبه مواردی از این قبیل هست که قانونی که حاکم بوده، به وسیله‌ی قانونی دیگر لغو شده است- خب الآن باز این مصوبه می‌گوید این قانونی که خودش قبلاً قانون دیگری را لغو کرده است، لغو می‌شود. یعنی الآن این مصوبه دارد آن قانون ملغی‌کننده را که در مورد لغو یک قانون حاکم بوده است، نسخ و لغو می‌کند. خب در این صورت، آیا این یعنی آن قانون اسبق مجدداً زنده شده است؟ ببینید؛ تصویری که نسبت به مجموعه‌ی این موارد هست، خیلی پیچیده است. یعنی همان‌طور که آقای دکتر اسماعیلی می‌فرمایند، مجلس در این مصوبه می‌خواهد یک سری از قوانین را [از مجموعه‌ی قوانین و مقررات] خارج کند. ایشان می‌فرمایند که مجلس می‌خواهد یک سری از قوانین را از دور خارج کند. خب، اداره‌ی تنقیح قوانین مجلس می‌تواند این قوانین را از دایره‌ی قوانین حاکم خارج کند. اما الآن نسبت به مطالبی که اینجا در این مصوبه آمده است، برداشت‌ها متنوع می‌شود. حالا من در موردش مثال می‌زنم؛ مثلاً اگر عنایت بفرمایید، بند (۱۹۸) پیوست مصوبه می‌گوید: «قانون الغای قانون مصوب ۳۰ جولای ۱۳۰۱ راجع به منع صدور پوست

بره مصوب ۱۳۰۴/۴/۱۴ مجلس شورای ملی». یعنی این قانون، خودش لغوکننده‌ی قانون دیگری بوده است. خب الآن مجلس دارد قانونی را که لغوکننده‌ی قانون دیگری بوده است، نسخ می‌کند. این مصوبه، در بعضی از موارد این‌چنینی، یک مشکلی از لحاظ برداشت دارد ایجاد می‌کند. به نظر من، حالا که اینها می‌خواهند این قوانین را از دور خارج کنند، خب بنویسند که «بنا به تصمیم مجلس شورای اسلامی، این قوانین از مجموعه‌ی قوانین و مقررات کشور خارج می‌شود».

آقای علیزاده - خب، همین کار را هم کرده‌اند.

آقای ابراهیمیان - بله؟

آقای سوادکوهی - الآن در مصوبه می‌فرمایند که این قوانین نسخ می‌شود، الغاء می‌شود. خب حالا آیا با لغو و نسخ قانون لغوکننده، قانون ملغی‌شده زنده می‌شود؟! چون مجلس شورای ملی قبلاً آن قانون را لغو کرده است. ببینید؛ یک قانون حاکمی بوده است که قانون دیگری آن را الغا کرده است. حالا الآن یک مصوبه‌ای در اینجا پیش روی ما می‌آید که می‌گوید به موجب این مصوبه، این قانون لغوکننده، نسخ می‌شود. خب، این یعنی، الآن قانون اول احیا می‌شود.

آقای ابراهیمیان - یعنی می‌فرمایید این مصوبه چیزی راجع به آن قانون اول نگفته است.

آقای سوادکوهی - بله، یعنی این مصوبه نیامده است بگوید که باز همان قانون اولی نسخ می‌شود. الآن می‌آید یک چیزی می‌گوید و این شبهه ایجاد می‌شود که آیا با لغو یک قانون نسخ‌کننده، آن قانون اول را زنده ببینیم یا نه؟ در واقع، قطعاً این مصوبه نظرش این نیست؛ قطعاً نظرش این نیست که آن قانون اول زنده می‌شود. اینجا این‌طوری گفته است [که این شائبه ایجاد می‌شود]. بند (۱۹۸) را ببینید.

آقای مؤمن - یک قانونی، اول بوده است و بعد به موجب قانون دیگری الغا شده است. حالا این مصوبه می‌گوید قانونی که به موجب آن، آن قانون سابق الغا شده از بین می‌رود، نه اینکه این الغا از بین می‌رود.

آقای علیزاده - بند صد و نود و چند است؟

آقای سوادکوهی - (۱۹۸).

منشی جلسه - حاج آقا، روی صفحه [نمایشگر] است.

آقای علیزاده - «قانون الغای قانون مصوب ۳۰ جولای ۱۳۰۱ راجع به منع صدور پوست بره مصوب ۱۳۰۴/۴/۱۴ مجلس شورای ملی».

آقای سوادکوهی - من می‌خواهم عرض کنم که این یعنی چه؟ همان‌طور که شما فرمودید، می‌خواهیم این قوانین را از گردونه‌ی مقررات و از مجموعه‌ی قوانین کشور خارج کنیم. خب معنای این کار به آن نحوی که ما می‌خواهیم بگوییم، قانون‌گذاری نیست. اما وقتی این‌گونه بگوییم، قانون‌گذاری محسوب می‌شود. وقتی قانون‌گذاری می‌شود، حالا یک شبهه‌ی جدیدی پیش می‌آید که آیا آن قانون سابق زنده شده است؟

آقای اسماعیلی - حالا آیا واقعاً این شبهه پیش می‌آید؛ یعنی یک نفر ممکن است بگوید قانون ملغی‌شده، دوباره حاکم است و صادرات پوست بره، دیگر ممنوع نیست؟!

آقای سوادکوهی - خب، چرا این شبهه پیش نیاید؟!

آقای مؤمن - نه، این مصوبه که این را نمی‌گوید.

آقای سوادکوهی - من با شما کاملاً موافقم. یعنی این موضوع را ما قبلاً هم مطرح کردیم^(۱) و گفتیم که این کار، قانون‌گذاری [به معنای واقعی کلمه] نیست؛ چون اگر قانون‌گذاری باشد، دارای اثر قانونی هم خواهد شد. خب، [وقتی مصوبه‌ای این‌گونه در مجلس تصویب می‌شود] شبهاتی مثل این شبهه پیش می‌آید.

آقای مؤمن - بند (۱۹۸) را می‌گفتید؟

آقای یزدی - بله، می‌گویند الغای بند (۱۹۸)، یعنی اینکه الان می‌توانیم پوست بره صادر کنیم.

آقای سوادکوهی - خب، من نمی‌دانم آیا معنی نسخ در اینجا، در واقع خارج کردن آن قوانین از مجموعه‌ی قوانین است؟ ببینید، من موافق نظر شما هستم، ولی این شبهه وجود دارد.

۱. این موضوع، در جلسه ۱۳۹۶/۲/۲۰ شورای نگهبان، هنگام بحث و بررسی در خصوص مفاد «طرح تنقیح قوانین مالیاتی کشور مصوب ۱۳۹۶/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی» از سوی آقای سوادکوهی مطرح شد که اعضای شورا نیز نظرات خود را در این خصوص ابراز کردند. برای آگاهی از مباحث مطرح‌شده در این خصوص، بنگرید به: مشروح مذاکرات شورای نگهبان در خصوص «طرح تنقیح قوانین مالیاتی کشور»، جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۰ شورای نگهبان.

آقای کدخدائی - حالا حتی اگر آن قانون سابق نسخ بشود، این چه اشکالی دارد؟

آقای سوادکوهی - یعنی همان قانون سابق، الغا و نسخ بشود؟

آقای علیزاده - بله.

آقای سوادکوهی - نه، اگر آن قانون سابق نسخ بشود، اشکالی ندارد؛ ولی می‌خواهم عرض کنم آیا منظورشان این است که آن قانون اصلی زنده می‌شود؟ چون آن قانون دیگر [که در آن زمان نسخ شده است] هم هست.

آقای علیزاده - ببینید آقای دکتر، این یک چیزی است که فعلاً در عمل از نظر قانونی اشکالی ندارد.

آقای سوادکوهی - نه، اشکالی ندارد؛ ولی من می‌خواهم عرض کنم اگر بخواهیم، می‌توانیم نسبت به این مصوبه شبهه وارد کنیم.

آقای علیزاده - چرا؟ این مصوبه که اشکال قانون اساسی ندارد.

آقای اسماعیلی - آقای دکتر، حاج آقا، اصلش هم همین است. اگر قانون ناسخ نسخ شد، قانون منسوخ که احیا نمی‌شود.

آقای جنتی - آقا، در این مصوبه جای حرف و ایراد نیست، ولی بهتر بود که [عبارت‌ها را طور دیگری می‌آوردند].

آقای علیزاده - در مورد همه‌ی این سه مصوبه یکجا رأی بگیریم یا در مورد یکی یکی آنها رأی بگیریم؟

آقای جنتی - نه، اینها با هم فرقی نمی‌کند؛ یکجا هم می‌توانید رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حالا می‌خواهید یکی یکی بخوانیم و رأی بگیریم. نسبت به طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰، آقایان فقهای که این مصوبه را خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند. حضرات آقایان جمعاً [= فقها و حقوق‌دانان شورا] که این مصوبه را خلاف قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. پس طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰ رأی خلاف نیاورد.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۳ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۰/۲۲۲۶۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴، طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰ مصوب جلسه مورخ شانزدهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱

طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۱۰/۱/۱ تا ۱۳۲۸/۱۲/۲۹

آقای علیزاده - مصوبه‌ی بعدی «طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۱۰/۱/۱ تا ۱۳۲۸/۱۲/۲۹»^(۱) است. این مصوبه هم مثل مصوبه‌ی قبلی [= طرح الغاء برخی قوانین از تاریخ ۱۲۸۵/۶/۱۸ تا ۱۳۰۹/۱۲/۳۰] است. حضرات آقایانی که این مصوبه را خلاف شرع یا قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. این مصوبه هم رأی نیاورد.^(۲)

→

شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.
۱. طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۱۰/۱/۱ تا ۱۳۲۸/۱۲/۲۹ در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۷ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۹/۲۲۲۱۵ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۹/۲۲۲۱۵ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴، طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۱۰/۱/۱ تا ۱۳۲۸/۱۲/۲۹ مصوب جلسه مورخ هفدهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۲۹/۱/۱ تا ۱۳۳۶/۷/۳۰

آقای عزیزاده - مصوبه‌ی بعدی، «طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۲۹/۱/۱ تا ۱۳۳۶/۷/۳۰»^(۱) است. حضرات آقایان فقهای که این مصوبه را خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند. حضرات آقایانی که این مصوبه را خلاف قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. این هم رأی نیاورد.^(۲)

۱. طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۲۹/۱/۱ تا ۱۳۳۶/۷/۳۰ در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۷ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۱/۲۲۲۹۱ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۱/۲۲۲۹۱ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴، طرح الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۲۹/۱/۱ تا ۱۳۳۶/۷/۳۰ مصوب جلسه مورخ هفدهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصلاحیه لایحه مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز

منشی جلسه - دستور پنجم در مورد «لایحه مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز»^(۱) است. حاج‌آقا، این مصوبه‌ای را که الآن خدمتتان توزیع کردم، هفته‌ی قبل اصلش بررسی شد، اما الآن یک اصلاحیه از مجلس فرستاده‌اند و گفته‌اند: «پیرو نامه شماره ۷۳/۲۰۵۲۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تبصره (۱) ماده (۴) لایحه مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز، مصوب جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی، عبارت «ضمن قطع انشعاب موقت» که به اشتباه درج گردیده بود، حذف می‌شود.»

آقای عزیزاده - چه زمانی این مصوبه را به ما داده‌اید؟

منشی جلسه - همین الآن توزیع کردم.

آقای عزیزاده - نه، آن مصوبه‌ی قبلی که اصلی بود را کی داده‌اید؟

منشی جلسه - مصوبه‌ی اصلی، هفته‌ی قبل بررسی شد.

آقای عزیزاده - آن مصوبه را که فرستادیم، رفت. به نظر ما، خلاف قانون اساسی هم

۱. لایحه نحوه برخورد با استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ با اصلاحاتی در عنوان و متن تحت عنوان لایحه مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۷۳/۲۰۵۲۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۴۶۷ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. پس از آن، مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ی شماره ۷۳/۲۲۷۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۷ به شورای نگهبان، ابراز داشت که در تبصره (۱) ماده (۴) مصوبه‌ی ارسالی به شورای نگهبان، عبارتی به اشتباه درج شده است. بر این اساس، مجدداً این موضوع در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت این اصلاحیه با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۵۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

بود، ولی اشکالش رأی نیاورد.

منشی جلسه - بله، حالا مجلس یک اصلاحیه داده است.

آقای اسماعیلی - فقط همین را در اصلاحیه گفته‌اند؟

منشی جلسه - بله، همین بود که خواندم.

آقای یزدی - جلسه‌ی قبل درباره‌ی این مصوبه بحث مفصلی شد و این عبارت، نظرهای مخالف و موافقی داشت. حالا مجلس گفته است که این عبارت «ضمن قطع انشعاب موقت» که در مصوبه بود، باید حذف بشود. ما همان‌جا گفتیم حالا این بنده‌ی خدا را که در ساخت ساختمانش تخلف کرده است، بالاخره می‌خواهید چه کار کنید؟ ولی حالا مجلس آمد و این عبارت را حذف کرد. معنای این حذف این است که انشعابش باشد؛ یعنی می‌گویند انشعاب برقرار باشد و قطعش نکنند.

آقای علیزاده - بله، حالا مجلس چه گفته است؟

آقای یزدی - گفته‌اند که عبارت «ضمن قطع انشعاب موقت» حذف بشود؛ یعنی انشعاب را قطع نکنند.

آقای علیزاده - یعنی گفته‌اند این عبارت قبلاً جا مانده است یا اینکه گفته‌اند باید حذف بشود؟

منشی جلسه - نه، گفته‌اند که این عبارت باید حذف بشود.

آقای علیزاده - خیلی خب.

آقای یزدی - نه، این عبارت در مصوبه بوده است. قبلاً در شورا درباره‌ی این عبارت بحث شد.

منشی جلسه - یعنی این طوری می‌شود...؟ من بخوانم؟

آقای علیزاده - بله، بفرمایید.

منشی جلسه - الان این طوری می‌شود: «ماده ۴- ...»

تبصره ۱- در صورت عدم جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز و یا عدم تعیین تکلیف قانونی مستحدثات غیرمجاز طی سه سال از تاریخ ابلاغ این قانون، ضمن قطع انشعاب موقت، حسب مورد با دستگاه مسئول در امر ساخت‌وسازهای غیرمجاز مطابق ماده (۳) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب

۱۳۷۴/۳/۳۱ و اصلاحات بعدی آن رفتار می‌شود.»

آقای علیزاده - الآن می‌دانید تبصره (۱) ماده (۴) چقدر عیب پیدا کرده است؟ آقایان شورا آن دفعه درباره‌ی این ماده بحث می‌کردند و می‌گفتند که می‌روند انشعاب آب و برق متخلفین را قطع می‌کنند.

منشی جلسه - بله، حالا دیگر قطع نمی‌کنند. این اصلاح در جهت همین نکته‌ی شما بود که با این تبصره مخالف بودید. الآن نظر شما یک‌جورهایی تأمین شده است.

آقای علیزاده - توجه فرمودید؟ یعنی این مصوبه حالا می‌گوید دیگر آب و برق را هم قطع نمی‌کنند.

منشی جلسه - بله.

آقای یزدی - من موافق بودم.

آقای مدرسی یزدی - مجلس اینجا می‌گفت اگر قطع انشعاب اتفاق افتاد ...؛ الآن آن عبارت را برداشته‌اند.

آقای علیزاده - بله، آن عبارت را برداشته‌اند.

منشی جلسه - ایرادی که خود اعضای محترم شورا به این مصوبه داشتند، این بود که انشعاب قشر محروم نباید قطع بشود.

آقای علیزاده - ما آن دفعه در شورا می‌گفتیم این مصوبه به کلی خلاف قانون اساسی است؛ اما برخی از آقایان اعضا می‌فرمودند که این مصوبه اشکالی ندارد؛ برای اینکه وقتی این مشترک تخلف کرده باشد، باید بتوانند آب و برق او را قطع کنند. مثلاً شخصی رفته است و همین‌طوری به صورت غیرمجاز ساختمان ساخته است. آن مصوبه می‌گفت به او موقتاً آب و برق بدهید، ولی می‌توانید آن انشعاب را قطع کنید، اما الآن با این اصلاحیه، می‌گویند دیگر آب و برقش را هم نمی‌توانید قطع کنید! خب، به هر حال، بحث راجع به این مصوبه دیگر تمام شده است و آقایان اعضا هفته‌ی گذشته گفتند که ایرادی ندارد. البته آن دفعه، مبنای استدلال آقایان اعضا این بود که می‌روند برق این افراد را قطع می‌کنند؛ حالا این اصلاحیه می‌گوید انشعاب آنها را قطع نمی‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای یزدی - ما می‌گفتیم انشعاب را قطع نکنند؛ چون که بعدش، هم جبران مالی‌اش

می‌شود و هم اینکه طرف موظف می‌شود برود مطابق قانون مجوز ساخت بگیرد. اما بعضی از آقایان می‌فرمودند بالاخره این ماده اشکال دارد.

آقای مؤمن - [ما هم می‌گفتیم انشعاب را] قطع نکنند.

آقای علیزاده - خیلی خوب.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۵۹۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۷۳/۲۲۷۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۷، اصلاحیه لایحه مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب جلسه مورخ دهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی

منشی جلسه - حاج آقا، دستور جلسه امروزمان [که مربوط به مصوبات مجلس بود]، الآن تمام است. اساسنامه‌ها را بیاوریم؟

آقای کدخدائی - اساسنامه‌ها را بیاورید.

آقای اسماعیلی - خیلی خوب.

آقای کدخدائی - دو تا اصلاح اساسنامه در دستور داریم.

آقای مدرسی یزدی - بله، اساسنامه‌ها را هم داریم که باید بررسی کنیم.

آقای علیزاده - اساسنامه داریم؟

آقای یزدی - بله.

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی»^(۱)

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۱/۲۳ به پیشنهاد شماره ۶۱/۶۰۳ مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۶ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶-^(۲) تصویب کرد:

متون زیر به عنوان بندهای (۹) و (۱۰) به ماده (۴) اساسنامه سازمان خصوصی سازی،^(۳) موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۶۰۶۲۶/ت/۴۲۷۳۳- مورخ

۱. اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی در تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۴۱۹۶/۸۹۴۵ مورخ ۱۳۹۶/۱/۳۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۲۷- اساسنامه سازمان خصوصی سازی با توجه به مأموریت‌های جدید توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تدوین و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۱- ...»

۳. ماده (۴) اساسنامه سازمان خصوصی سازی مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲ هیئت وزیران: «ماده ۴- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر است:

۱- تهیه راهکارهای تسهیل دستیابی به توسعه مشارکت عمومی جهت افزایش بهره‌وری منابع مادی و

۱۳۸۸/۱۲/۲۶ و اصلاحات بعدی آن اضافه می‌شود:

۹- نظارت بر اجرای دقیق مفاد قراردادهای مربوط به واگذاری

۱۰- نظارت و پشتیبانی بعد از واگذاری برای تحقق اهداف واگذاری.» این ماده

(۴) اساسنامه، در مورد وظایف و اختیارات سازمان خصوصی‌سازی است.

آقای اسماعیلی - بله، این بندها باید در این اساسنامه می‌بود؛ قبلاً نبوده است. حالا آن را اضافه کرده‌اند.

منشی جلسه - بله.

آقای عزیزاده - خیلی خوب، به نظر می‌رسد که این مصوبه اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - خوب، این بندها باید قبلاً می‌بوده است. نظر آقای دکتر کدخدائی هم همین است.

آقای عزیزاده - بله، اگر آقایان فرمایشی دارند، بفرمایند.

آقای مؤمن - من هم نوشته‌ام که این اساسنامه بدون ایراد است.

→

انسانی و توسعه توانمندی‌های بخش خصوصی و تعاونی و ارائه آن به هیئت وزیران برای تصویب

۲- اعمال نمایندگی وزارت امور اقتصادی و دارایی در امر واگذاری‌ها

۳- برنامه‌ریزی واگذاری سهام شرکت‌ها مشتمل بر شرایط و نحوه واگذاری سهام در چارچوب قوانین و مقررات مربوط پس از تصویب هیئت واگذاری

تبصره- در واگذاری سهام شرکت‌ها، تدابیر لازم در راستای تنظیم بازار، تأمین کالا و خدمات، حفظ منافع عمومی و مدیریت و نظارت دولت با رعایت قوانین و مقررات اتخاذ گردد، به نحوی که مسئولیت تحقق موارد مذکور تا واگذاری کامل سهام شرکت‌ها حسب مورد بر عهده وزارتخانه مربوط باشد.

۴- تعیین بانک‌ها، مؤسسات تأمین سرمایه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری جهت تعهد پذیره‌نویسی یا تعهد خرید سهام

۵- شناسایی و انجام اقدامات اجرایی لازم برای تبدیل تصدی‌های قابل واگذاری دولتی که در قالب غیر شرکتی اداره می‌شوند، به شخصیت حقوقی مناسب و انجام عملیات واگذاری آنها در اجرای ماده (۱۹) قانون

۶- عرضه هرگونه سهام، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه و حقوق مالکانه مربوط به بنگاه‌های موضوع ماده (۸۶) قانون، پس از تصویب هیئت واگذاری

۷- انجام وظایف دبیرخانه هیئت واگذاری

۸- انجام سایر وظایفی که برای واگذاری سهام و خصوصی‌سازی در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ای کشور و قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط، به سازمان محول شده یا می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - این استنادش [به ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] درست است؟ فقط همین نکته مطرح است که این استناد بجا است یا نه. مشککش این است.

آقای علیزاده - بله؟

آقای مدرسی یزدی - استناد این اصلاحیه به ماده (۲۷) بجا است یا نه؟

آقای علیزاده - استنادش را بیاورید؛ ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را بیاورید. ظاهراً آنها [= هیئت وزیران] دیگر اجازه نداشته‌اند این اساسنامه را تغییر دهند. حاج آقای مدرسی، ماده (۲۷) این است: «ماده ۲۷- اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی با توجه به مأموریت‌های جدید توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تدوین و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

آقای مدرسی یزدی - آن وقت، ماده (۲۷) شامل اصلاح اساسنامه هم می‌شود؟

آقای علیزاده - بله؟

آقای مدرسی یزدی - می‌گویم اصلاح اساسنامه از سوی هیئت وزیران هم طبق این ماده، مجاز است؟

آقای علیزاده - بله دیگر، هر جایی که مجلس گفته است هیئت وزیران اساسنامه‌ای را تصویب کند، هیئت وزیران می‌تواند آن اساسنامه را اصلاح هم بکند. مجلس این موضوع را قبلاً تفسیر کرده است؛ در آنجا گفته است که هر جا اساسنامه را [هیئت وزیران تصویب کرده است، اصلاح آن هم به دست خودش است].^(۱)

آقای مدرسی یزدی - باید به آن استفساریه استناد کنند، نه به این قانون [= ماده (۲۷)

۱. ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه: آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی].

آقای علیزاده - استناد کرده‌اند دیگر؛ به ماده (۲۷) استناد کرده‌اند دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، این ماده (۲۷) در مورد اصل مجوز تصویب اساسنامه‌ی سازمان خصوصی‌سازی است. در مورد اصلاح این اساسنامه، باید به آن استفساریه استناد می‌کردند.

آقای علیزاده - خب، حالا دیگر اصلاحش هم مجوز دارد. حالا به هر کجا استناد کرده‌اند، ایرادی ندارد. ما نمی‌توانیم به این موضوع ایراد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - نه، ببینید؛ اینها با هم فرق می‌کنند. قبلاً خودشان [= خود هیئت وزیران] که اساسنامه‌ها را اصلاح می‌کردند، به آن ماده واحده [= استفساریه] استناد می‌کردند.

آقای علیزاده - ببینید؛ ما قبلاً در این شک داشتیم که بعد از اینکه مجلس اجازه‌ی تصویب کلی اساسنامه را به هیئت وزیران داد، آیا هیئت وزیران می‌تواند آن اساسنامه را تغییر هم بدهد یا خیر؟ مجلس این موضوع را تفسیر کرد. اینها هم حالا در این مصوبه به آن مبنای جواز هیئت وزیران استناد کرده‌اند. ما که نمی‌توانیم به این اصلاحیه ایراد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - مجلس چیزی را تفسیر نکرده است، بلکه اجازه‌ی اصلاح اساسنامه را داده است. گفته است که هرگاه اصل تصویب اساسنامه توسط هیئت وزیران، از سوی مجلس تأیید شده باشد، یعنی اساسنامه توسط هیئت دولت نوشته شده باشد، هیئت دولت می‌تواند آن را اصلاح هم بکند. الآن در این مصوبه باید به این قانون [= قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی] استناد می‌کردند.

آقای علیزاده - ببینید؛ اگر الآن هیئت وزیران به هیچ‌کدام از این قوانین استناد نکرده باشد و اصلاً به ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) هم استناد نکرده باشد و بگوید من این دو بند را به اساسنامه اضافه کرده‌ام، آیا ما می‌توانیم بگوییم این مصوبه خلاف قانون اساسی است؟

آقای مدرسی یزدی - ما قبلاً به نظیر این موضوع، ایراد می‌گرفتیم. آقای علیزاده، قبلاً

خود شما به این موضوع اشکال می‌گرفتید. حالا اگر مستندشان را اصلاً نمی‌گفتند، آن یک حرفی بود؛ ولی اگر مستندشان را می‌گویند، باید درست باشد.

آقای علیزاده - نه، اگر مستند را به کلی اشتباه بگویند، ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - الآن باید در این مصوبه هم مستند [= جواز اصلاح اساسنامه توسط هیئت وزیران] را بگویند و هم به اضافه‌ی این مستند، اصل اجازه‌ای که مجلس [برای تصویب اساسنامه‌ی سازمان خصوصی‌سازی به هیئت وزیران] داده است را بگویند؛ مثل خیلی از اساسنامه‌های دیگر که به این مستندها تصریح می‌کردند.

آقای ابراهیمیان - حاج‌آقا، من فکر می‌کنم که حتی لازم نبود که این مستند هم در مصوبه بیاید؛ یعنی اگر از سوی مجلس به هیئت وزیران اجازه‌ی تصویب اساسنامه داده شده باشد، ما باید آن را بررسی بکنیم.

آقای علیزاده - نه ببینید؛ به نظر من آن اجازه‌ی مجلس هم تفسیر بوده است.

آقای مؤمن - نه، این را از مجلس اجازه گرفته‌اند. فکر کنم ماده (۱۳) مصوبه‌ی مجلس بود؛ مضمونش این بود که هر جا هیئت دولت اختیار نوشتن اساسنامه‌ای را دارد، اگر خواست جایی از اساسنامه را تغییر بدهد، حق تغییر آن را هم دارد. آقای مدرسی می‌فرمایند خوب بود این ماده را برای مستندشان می‌گفتند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - باید این مستند را هم در اینجا می‌نوشتند. حالا که نوشته‌اند، باید آن را تکمیل کنند.

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - نه، حالا که آن را نوشته‌اند، آیا ما می‌توانیم ایراد بگیریم و بگوییم شما باید آن مستند را بنویسید؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - آیا ما می‌توانیم بگوییم شما مستند ندارید؟! خب مستند که دارند، ولی آن مستند را به ما اعلام نکرده‌اند. ما هم که می‌دانیم یک چنین مستندی وجود دارد.

آقای مدرسی یزدی - باید به هیئت وزیران بگوییم علاوه بر آن مستندی که ذکر کرده‌اید، آن مستند دیگر را هم بنویسید؛ مثل این مستنداتی که قبلاً می‌نوشتند و ده‌ها

بار نوشته‌اند.^(۱) ظاهر این مسئله این است که استناد کردن فقط به این [ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] کافی نیست.

آقای عزیزاده - قبول داریم. ببینید؛ اگر مستندی نداشته باشند، ما می‌گوییم شما مستند ندارید؛ یا اگر مستند برای ما معلوم نباشد، می‌گوییم مستند معلوم نیست.

آقای مؤمن - نه، اجازه بدهید. ایشان [= آقای مدرسی یزدی] درست می‌فرمایند. ببینید؛ آن ایرادی را که جناب آقای مدرسی می‌فرمایند، باید تذکر بدهیم.

آقای اسماعیلی - نه، به یک چیز [استناد کنند کافی است].

آقای عزیزاده - آن ماده واحده را بیاورید تا ببینیم چه می‌گوید.

آقای مؤمن - آن مستند، ماده واحده نیست؛ ماده (۱۳) قانون است یا یک ماده‌ای دیگر است.

آقای عزیزاده - نه، منظور من، ماده واحده‌ای است که گفته است هر جا هیئت وزیران اجازه‌ی تصویب اساسنامه را دارد، اجازه‌ی تغییر آن را هم دارد.

آقای مؤمن - اجازه بدهید که من ایراد جناب آقای مدرسی را دوباره تقریر کنم. اصلاً این مستند قانونی اینجا آمده است، یعنی همین ماده (۲۷) را ببینید. این ماده (۲۷) می‌گوید که دولت می‌تواند اصل اساسنامه‌ی سازمان خصوصی‌سازی را تنظیم کند؛ یعنی بعد از اینکه گفته‌اند این اصلاحیه به پیشنهاد شماره ۶۱/۶۰۳ [مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۶] وزارت امور اقتصادی و دارایی به هیئت وزیران آمده است، گفته‌اند به استناد به ماده (۲۷)، این اساسنامه اصلاح می‌شود. اما ماده (۲۷)، اصل نوشتن اساسنامه‌ی سازمان خصوصی‌سازی را به دولت اجازه می‌دهد، در حالی که الآن در این مصوبه که نمی‌خواهند اصل اساسنامه را بنویسند، بلکه می‌خواهند یک چیزی را به آن اساسنامه‌ای که قبلاً بوده است، اضافه کنند و آن را تغییر بدهند. این یعنی اینکه این

۱. به عنوان نمونه، در اصلاح ماده (۵) اساسنامه شرکت مادر تخصصی ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ هیئت وزیران آمده است: «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ به پیشنهاد شماره ۳۱۲۲۳/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۶/۹ وزارت راه و شهرسازی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷ تصویب کرد:

ماده (۵) اساسنامه شرکت مادر تخصصی ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور موضوع تصویب نامه شماره ۱۲۷۲۲/ت/۳۰۲۰۷-ه مورخ ۱۳۸۳/۴/۶ به شرح زیر اصلاح می‌شود: «...»

مستند، کافی نیست و باید حتماً مستند درستش را بیاورند. الآن خود شما ملاحظه بفرمایید. ماده (۲۷) می‌گوید که هیئت وزیران اساسنامه‌ای را برای ایجاد سازمان خصوصی سازی تصویب کنند.

آقای یزدی - حاج‌آقای مؤمن، این اشکال شما به یک نحوی وارد است.

آقای مدرسی یزدی - این اصلاحیه، دو تا ماده را برای استناد لازم دارد، ولی یکی از آنها [= ماده واحده‌ی قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت] اینجا نیست.

آقای علیزاده - همان قانون را ببینیم؛ اصلاً ببینیم آن قانون چه می‌گوید. آن قانون می‌گوید هر جا که دولت اجازه دارد که اساسنامه را تصویب بکند، حق تغییرش را هم دارد. ما قبلاً به اساسنامه‌ها چنین ایرادی نگرفته‌ایم. ایرادات ما به اساسنامه‌ها، چیزهای دیگری بوده است. ببینید؛ این موضوع را در قالب یک سؤال به مجلس برده‌اند و از مجلس تفسیر خواسته‌اند. این طور که من یادم می‌آید، مجلس هم قانون را تفسیر کرده است.

آقای مدرسی یزدی - آقا، الآن این استناد، غلط است؛ چون این مستند، در مورد تصویب اصل اساسنامه است. معلوم است اصلاح این اساسنامه یک استناد دیگر می‌خواهد؛ چون این مصوبه، در صدد تغییر اساسنامه است.

آقای مؤمن - بله، استناد به ماده (۲۷) مربوط به اصل اساسنامه‌ی سازمان خصوصی سازی است؛ یعنی آن ماده، تصویب اصل اساسنامه را [به هیئت وزیران اجازه می‌دهد].

آقای ابراهیمیان - خب، خلاف چیست که ایراد بگیریم؟

آقای مدرسی یزدی - خلاف آن اصل است که می‌گوید هیئت وزیران باید برای تصویب اساسنامه‌ها مستند قانونی داشته باشد.

آقای علیزاده - هیئت وزیران که برای انجام این عمل، مستند داشته است؛ منتها در نوشتن استناد اشتباه کرده است، نه اینکه اصلاً نمی‌توانسته است.

آقای ابراهیمیان - خب می‌دانم. من می‌گویم اگر این اجازه در عالم واقع وجود داشته باشد، عدم ذکرش که مخل نیست.

منشی جلسه - حاج‌آقا، اگر [با این استناد] یک اساسنامه‌ی کامل می‌نوشتند، باز ایراد می‌گرفتید؟

آقای علیزاده - نه.

آقای مؤمن - کم لطفی می‌کنید. آخر، شما توجه بکنید!

آقای علیزاده - نه، ببینید؛ من توجه دارم. من می‌گویم ما قبلاً هم چنین ایرادی به اساسنامه‌ها نمی‌گرفتیم؛ یعنی قبل از این اصلاحیه هم، اگر اساسنامه‌ای را [بدون استناد به قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت] اصلاح می‌کردند، ما به آن ایراد نمی‌گرفتیم.

آقای ابراهیمیان - من می‌گویم این استناد ذکر شده اضافه است.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - در این مورد، در سال‌های قبل یک اختلافی ایجاد شد که آن را به صورت سؤال به مجلس بردند. مجلس در جواب آن سؤال گفته است که هر جا هیئت وزیران اساسنامه‌ای را [با مجوز قانونی مجلس] تصویب کرد، تغییراتش توسط دولت را هم اجازه می‌دهیم.

آقای مؤمن - آقای علیزاده، این حرفی که هیئت وزیران در اینجا گفته است غلط است؛ برای اینکه این ماده (۲۷) که به عنوان مستند می‌گویند، فقط نوشتن اساسنامه را به دولت اجازه می‌دهد. الآن که اینها نمی‌خواهند اساسنامه بنویسند.

آقای علیزاده - می‌دانم؛ استناد اینها غلط است، اما آیا اینها مستند قانونی دارند یا ندارند؟ یعنی می‌فرمایید اینها بدون مستند قانونی اساسنامه را اصلاح کرده‌اند؟

آقای مؤمن - این حرفشان غلط است؛ یعنی این استنادشان غلط است.

آقای مدرسی یزدی - مصوبه مستند درستی ندارد. باید این استناد را درست بکنند.

آقای علیزاده - بله، عبارتش غلط است؛ مستندشان غلط است، ولی آیا برای تغییر این اساسنامه مستند داشته‌اند یا نداشته‌اند؟ اختیار اصلاح اساسنامه را که داشته‌اند دیگر.

آقای مؤمن - نه، با این استناد، نمی‌توانند این کار را بکنند. این ماده (۲۷)، اصل نوشتن اساسنامه را به آنها اجازه می‌دهد، اما اگر [بخواهند اساسنامه را تغییر بدهند، مستند دیگری لازم دارند].

آقای ابراهیمیان - اصلاً این استناد، جزء مصوبه است یا نیست؟ این عبارت‌های اول مصوبه تا اینجا که نوشته است «تصویب کرد»، اصلاً جزء مصوبه محسوب نمی‌شود؛ ملاحظه بفرمایید.

آقای عزیزاده - اصلاً اگر ماده (۲۷) را ذکر نمی‌کردند و می‌گفتند ما این اساسنامه را به این شرح اصلاح کرده‌ایم، ما ایراد می‌گرفتیم؟

آقای مؤمن - حالا که مستند را ذکر کرده‌اند، این مستند، غلط است. حالا که ماده (۲۷) را ذکر کرده‌اند، ذکر این ماده به عنوان مستند این مصوبه، غلط است. چون دارند می‌گویند که این ماده (۲۷) به ما اجازه می‌دهد این کار را بکنیم و بندهای (۹) و (۱۰) را به این ماده (۴) اساسنامه‌ی قبلی اضافه کنیم؛ در حالی که ماده (۲۷)، این اجازه را نمی‌دهد.

آقای عزیزاده - ما الآن به اینها چه بگوییم؟

آقای مؤمن - به آنها بگویید شما اشتباه کرده‌اید.

آقای اسماعیلی - بگوییم در چه چیزی اشتباه کرده‌اید؟

آقای مؤمن - بگویید اشتباه کرده‌اید که خیال می‌کنید ماده (۲۷) به شما اجازه می‌دهد دو تا بند به این اساسنامه اضافه کنید.

آقای اسماعیلی - خیلی خب، اینکه یک چنین تصور اشتباهی کرده‌اند، خلاف کدام اصل قانون اساسی است؟ ما باید در شورای نگهبان بررسی کنیم و ببینیم متن مصوبه‌ی آنها چیست. اینها فکر می‌کرده‌اند مثلاً اصلاح اساسنامه، طبق ماده (۲۷) است، خب اشتباه کرده‌اند، اما ...

آقای عزیزاده - ... اما قانوناً اختیار اصلاح این اساسنامه را داشته‌اند. این که خلاف قانون اساسی نیست.

منشی جلسه - حاج‌آقای مؤمن، قبلاً عین این عبارت را نوشته بودند و همین اساسنامه را اصلاح کرده بودند، اما ما به آن ایرادی نگرفته بودیم.^(۱) «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۸ به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۹۷۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲ شورای نگهبان در خصوص اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۸ هیئت وزیران: «عطف به نامه شماره ۴۹۹۱۷/۱۶۲۰۹۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی مصوب جلسه مورخ هشتم دی‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

تصویب نمود:

متن زیر جایگزین ماده (۳) اساسنامه سازمان خصوصی سازی، موضوع تصویب نامه شماره ۴۲۷۳۳/۲۶۰۶۲۶ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ می شود: ...

آقای اسماعیلی - بله، یک بار دیگر هم به همین صورت، این اساسنامه را اصلاح کرده اند.

آقای ابراهیمیان - بله، این مصوبه هم عین همان مصوبه شده است دیگر.

آقای سوادکوهی - نه، آن اصلاحیه ی قبلی اشکالی ندارد، اما الآن به نظر می رسد که این اصلاحیه اشکال داشته باشد. حالا من عرض می کنم.

آقای مدرسی یزدی - در اصلاحیه ی قبلی، سرمایه ی شرکت را بالا و پایین کرده اند. شاید در خود اساسنامه اجازه ی تغییر سرمایه وجود داشته باشد؛ شاید این طور باشد. نمی دانم.

آقای علیزاده - تغییر سرمایه هم مثل تغییر اساسنامه است دیگر.

آقای اسماعیلی - بله، فرقی نمی کند؛ مصوبه، مصوبه است دیگر. اگر به آن مصوبه اشکال وارد می شد [به این مصوبه هم اشکال وارد بود].

آقای سوادکوهی - نه.

آقای اسماعیلی - نه، ببینید؛ آن چیزی که به شورای نگهبان مربوط است، [وجود مستند در مصوبه نیست].

آقای علیزاده - آخر در مصوبه ی قبلی هم نوشته اند اصلاح اساسنامه مستند به ماده (۲۷) است. خودتان یک بار دیگر آن قانون را ببینید. آن قانونی که گفته است هیئت وزیران می تواند اساسنامه را تغییر هم بدهد، بیاورید. شما چند تا اساسنامه ی دیگر که اصلاح شده است را بیاورید.

آقای مؤمن - آقای دکتر [اسماعیلی]، لطف کنید، شما می فرمایید این مستندی که در این اصلاحیه اشتهاً آمده است، خلاف قانون اساسی نمی شود؟

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مؤمن - حرفتان درست است، اما اصل این حرف [= مستند ذکر شده در این اصلاحیه] هم غلط است؛ یعنی اینکه گفته اند ما به استناد این ماده (۲۷) این کار را می کنیم، درست نیست؛ چون این اصل ماده (۲۷) به هیئت وزیران اجازه ی اصلاح

اساسنامه را نمی‌دهد.

آقای اسماعیلی - خب بله، استناد آنها غلط است؛ منتها خلاف قانون اساسی نیست.

آقای عزیزاده - خب، استنادشان غلط است. به ما اجازه بدهید بنویسیم که این مصوبه از جهت قانون اساسی اشکالی ندارد، اما باید به این ماده واحده [= قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت] هم استناد بشود.

آقای ابراهیمیان - این خوب است.

آقای مؤمن - نه، فقط باید به این ماده واحده استناد کنند.

آقای اسماعیلی - خب بنویسید در موارد مشابه، این طوری استنادتان را ذکر کنید.

آقای عزیزاده - آن ماده واحده گفته است که هر جا اجازه‌ی تصویب اصل اساسنامه را به هیئت وزیران داده‌ایم، تغییر آن هم به همین مجوز است. یعنی باید به هر دو تا استناد بکنند؛ یعنی هم باید به ماده (۲۷) [قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] استناد کنند، هم باید به آن ماده واحده استناد کنند؛ چون اصل تصویب اساسنامه را در آنجا [ماده (۲۷)] اجازه داده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - بله. خیلی خب، رأی بگیرد.

آقای سوادکوهی - بله.

آقای عزیزاده - آقایانی که این را قبول دارند رأی بدهند.

آقای اسماعیلی - به چه چیز رأی می‌گیرید؟ ایراد که نمی‌گیرید؟

آقای عزیزاده - نه، ایراد نمی‌گیریم؛ تذکر می‌دهیم.

آقای یزدی - نه، این اصلاحیه گفته است این تغییر به استناد ماده (۲۷) است؛ آن وقت شما می‌گویید که چه تذکری بدهیم؟ این آقایان می‌گویند این استناد درست نیست. حالا شما می‌خواهید، تذکر بدهید؟

آقای عزیزاده - این استناد، نصفش درست است؛ باید نصف دیگر استناد را هم بگویند.

آقای مؤمن - بله، این را بنویسید.

آقای عزیزاده - پس این تذکر رأی دارد. سراغ مصوبه‌ی بعدی برویم. آقای نظیف، بنویسید که این مصوبه را رأی گرفتیم و نتیجه این شد که استناد به ماده (۲۷) [قانون

اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] از جهت قانون اساسی اشکالی ندارد، و لیکن باید به فلان ماده واحده هم استناد بشود. آن ماده واحده را پیدا کنید و بنویسید.

آقای اسماعیلی - باید بگوییم: یادآور می‌شود در این مورد و موارد مشابه، این طوری استناد داده شود.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - در موارد مشابه، به هر دو تا ماده استناد می‌کردند.

آقای ابراهیمیان - حالا شورای نگهبان باید ایراد بگیرد؟

آقای جنتی - نه، این ایراد نیست؛ یک تذکر است.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مؤمن - نه، کار اشتباهی کرده‌اند.

آقای علیزاده - خیلی خب، مصوبه‌ی بعدی را بخوانید.

آقای سوادکوهی - من معذرت می‌خواهم؛ می‌خواستم یک نکته‌ای را عرض کنم. آیا قانون اجازه داده است که سازمان خصوصی‌سازی بعد از اینکه جایی را به بخش خصوصی واگذار کردند، بر آن نظارت کند؟ آیا قانون اجازه داده است که این سازمان خصوصی‌سازی بعد از اینکه اجازه‌ی واگذاری شرکت یا سازمانی را داد، باید بر آن هم نظارت بکند؟ می‌خواهم عرض کنم که ما باید الآن از جهت اینکه آیا این مصوبه، خلاف قانون است یا نیست هم آن را مورد توجه قرار بدهیم.

آقای اسماعیلی - آن، کار وظیفه‌ی هیئت تطبیق [مصوبات دولت با قوانین] است.

آقای سوادکوهی - نه، یک مسئله هم مسئله‌ی قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، ببخشید؛ آقای دکتر سوادکوهی یک نکته‌ی خوبی را فرمودند. یک سؤال را مطرح کردند که بد نیست به آن توجه کنیم. ایشان می‌فرمایند که [اصل (۸۵)] قانون اساسی می‌گوید مصوبات هیئت وزیران نباید خلاف قانون عادی هم باشد. خب، قانون اساسی این مسئله را که اساسنامه نباید خلاف قانون عادی باشد، گفته است. [سؤال این است که] آیا اگر اساسنامه‌ای مخالف قانون عادی باشد، با یک واسطه مخالف قانون اساسی می‌شود یا خیر؟

آقای علیزاده - بله، ولی این مصوبه، این را نمی‌گوید.

آقای کدخدائی - هیئت تطبیق [مصوبات دولت با قوانین]، در این خصوص نظر می‌دهد.

آقای ابراهیمیان - نه، عرضم چیز دیگری است. آیا ما در شورای نگهبان می‌توانیم اگر دیدیم آشکارا مصوبه‌ی هیئت وزیران خلاف قانون عادی است، ورود کنیم؟

آقای علیزاده - اگر در قانون اجازه‌ای داده نشده باشد، و آنها عمل کنند، بله، ولی من فکر نمی‌کنم قانون یک چنین اجازه‌ای را به اینها نداده باشد.

آقای ابراهیمیان - حالا من این را نمی‌خواهم بگویم. می‌خواهم بگویم اصل قضیه، درخور بررسی است.

آقای اسماعیلی - جوابش این است که الآن عرض می‌کنم.

آقای سوادکوهی - کجا توسعه‌ی اختیارات این سازمان مجاز دانسته شده است که مثلاً بعد از اینکه [این سازمان، شرکتی را واگذار کرد، بتواند بر آن نظارت هم بکند؟] چون الآن این اساسنامه چنین اختیاری را برای خصوصی‌سازی به سازمان داده است. حالا آیا این سازمان بعد از این مطلب [= الحاق بندهای (۹) و (۱۰) به ماده (۴) اساسنامه] هم دارای اختیار قانونی است که یک چنین نظارتی را در ارتباط با شرکت‌های واگذارشده انجام دهد؟

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مؤمن - این سازمان می‌تواند این کار را بکند.

آقای سوادکوهی - نه، اساسنامه باید در محدوده‌ی قانون باشد. هر اختیاری که سازمان دارد، باید در محدوده‌ی قانون باشد.

آقای علیزاده - الآن این شرکت‌هایی را که خصوصی کرده‌اند، اینها بعداً می‌روند هزار جور بالا و پایین می‌کنند. خوب، الآن باید بر این واگذاری‌ها نظارت بکنند که آن کارها را نکنند؛ این که اشکالی ندارد. سازمان خصوصی‌سازی می‌گوید من می‌خواهم به شما شرکتی را واگذار کنم، اما من واگذارکننده به شما می‌گویم که یک نظارتی هم باید بر کار شما داشته باشم، وگرنه فردا همین شرکت‌ها را می‌گیرند و می‌روند زمینش را می‌فروشند و دیگر استفاده‌ای هم از آن کارخانه نمی‌کنند و تعطیلش می‌کنند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای سوادکوهی - برای انجام این کار، یک قانون دیگری [= قانون اجرای سیاست‌های

کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵] داریم. یک قانون دیگری داریم که طبق آن، بر این کار نظارت می‌کند. در آنجا شورای رقابت به عنوان مرجعی برای نظارت بر عمل صحیح شرکت خصوصی‌شده گذاشته شده است. در واقع، شورای رقابت در اینجا ناظر است و اختیاراتش در این زمینه مشخص است.

منشی جلسه - ماده (۱۵۲) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه است. «ماده ۱۵۲ - به دولت اجازه داده می‌شود در جهت تقویت سازمان‌های توسعه‌ای از طریق اعمال اصلاحات لازم در اساسنامه و مقررات ناظر بر آنها و حذف موانع سرمایه‌گذاری صنعتی و معدنی با رویکرد تحرک، کارایی، خوداتکایی و خطرپذیری (ریسک) بر اساس مصوبات هیئت وزیران و با رعایت قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی اقدام قانونی به عمل آورد.» شاید این اجازه‌ی کلی که دکتر کدخدائی فرمودند، این باشد.

آقای عزیزاده - نه.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای عزیزاده - حضرت آیت‌الله جنتی، همان‌طور که من عرض کردم، استفساریه‌ای در مورد اصلاح اساسنامه‌ها از مجلس بوده است. این استفساریه،^(۱) تفسیر قانون بوده است، نه ماده واحده‌ی قانونی جدید. این استفساریه گفته است: «آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟» مجلس آمده و آن قانون را تفسیر کرده است؛ گفته است: «ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.» یعنی این استفساریه،

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی.

یک مصوبه‌ی جدید نیست. حالا ما یک تذکر به هیئت وزیران می‌دهیم و می‌گوییم که خوب است به این ماده واحده هم استناد بکنند.

آقای مؤمن - یعنی نسبت به مستندشان تذکر می‌دهید؟

آقای علیزاده - بله، وگرنه این استفساریه یک قانون جداگانه‌ای نیست که به دولت اجازه‌ی اصلاح اساسنامه‌ها را داده باشد؛ یعنی آمده‌اند و همان قانونی که قبلاً اصل تصویب اساسنامه‌ها توسط هیئت وزیران را اجازه می‌داده است، مجدداً تفسیر کرده‌اند.

منشی جلسه - حاج‌آقا، اگر این عبارت تذکر را بفرمایید، من آن را در سربرگ می‌نویسم.

آقای علیزاده - چه نوشتید؟ آن را بیاورید تا من ببینم.^(۱)

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۴۱۹۶/۸۹۴۵ مورخ ۱۳۹۶/۱/۳۰، اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم فروردین‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و شش هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد؛ اما مناسب است به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ نیز استناد گردد.»

اصلاح اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران»^(۱)

آقای مؤمن - خب، باید این اصلاحیه را خواند.

آقای عزیزاده - این مصوبه، خیلی زیاد نیست؛ کم است. بخوانید.

آقای مؤمن - بله، خوانده بشود. این چیزی نیست.

منشی جلسه - «هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۲/۱۳ به پیشنهاد شماره ۱۰۰/۵۵

مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد بند

(الف) ماده (۷۲) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) - مصوب ۱۳۹۵-^(۲) تصویب کرد:

اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۰۲۸۲۸/ت

۱. اصلاح اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۳ به تصویب هیئت وزیران رسید.

این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۴۲۲۰/۱۷۰۱۲ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷ شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۵۹۷ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. بند (الف) ماده (۷۲) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۲-

الف- تولید نظام سلامت از جمله بیمه سلامت شامل سیاست‌گذاری اجرایی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی، ارزشیابی، اعتبارسنجی و نظارت در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز می‌گردد. کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی، از جمله ارائه‌کنندگان خدمات سلامت، سازمان‌ها و شرکت‌های بیمه پایه و تکمیلی، موظفند از خط مشی و سیاست‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، با تأکید بر خرید راهبردی خدمات و واگذاری امور تصدی‌گری با رعایت ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و سطح‌بندی خدمات، تبعیت کنند.

از زمان ابلاغ این قانون، سازمان بیمه سلامت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتزع و با حفظ شخصیت حقوقی و استقلال مالی و کلیه امکانات بر اساس اساسنامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اداره می‌شود. اساسنامه این سازمان مطابق با قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ و در قالب شرکت دولتی به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب- ...»

۴۷۶۴۴هـ مورخ ۲۲/۵/۱۳۹۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

- ۱- در کلیه موارد، عبارت «هیئت امنا» به عبارت «مجمع عمومی» اصلاح می‌شود.
- ۲- در بند (الف) ماده (۷)،^(۱) عبارت «بند (د) ماده (۳۸) قانون»^(۲) به عبارت «بند (ب) ماده (۷۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)»^(۳) اصلاح می‌شود.
- ۳- ماده (۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:
- ماده ۹- مجمع عمومی مرکب از اعضای زیر است:
- الف- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (رئیس مجمع)

۱. بند (الف) ماده (۷) اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران مصوب ۱۳۹۱/۳/۷ هیئت وزیران: «ماده ۷ - وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:
الف- عقد قرارداد ارائه خدمات بیمه پایه سلامت و دریافت حق بیمه از مشمولان بر اساس بند (د) ماده (۳۸) قانون.

ب- ...»

۲. بند (د) ماده (۳۸) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۳۸- به منظور توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت، دستیابی به پوشش فراگیر و عادلانه خدمات سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت به سی درصد (۳۰٪) از طرق مختلف مانند اصلاح ساختار صندوق‌ها، مدیریت منابع، متناسب نمودن تعرفه‌ها، استفاده از منابع داخلی صندوق‌ها و در صورت لزوم از محل کمک دولت در قالب بودجه سنواتی و در طول برنامه اقدامات زیر انجام می‌شود:
الف- ...

د- حق بیمه پایه سلامت خانوار به شرح زیر، سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود: ...»

۳. بند (ب) ماده (۷۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۰- دولت مکلف است به منظور تحقق سیاست‌های کلی سلامت، تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت، توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت و مدیریت منابع سلامت از طریق نظام بیمه با محوریت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تا پایان سال اول اجرای برنامه اقدامات زیر را بر اساس سیاست‌های کلی سلامت به عمل آورد:

الف- ...

ب- حق بیمه پایه سلامت خانوار به شرح ذیل، سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود:

۱- خانواده روستاییان، عشایر و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی معادل هفت درصد (۷٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار. صد درصد (۱۰۰٪) حق بیمه این گروه‌های اجتماعی بر مبنای بند (الف) این ماده توسط دولت در قالب بودجه سنواتی تأمین می‌شود.

۲- ...»

ب- وزیر امور اقتصادی و دارایی

ج- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

د- رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور

ه- رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور

۴- ماده (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱- اعضای هیئت مدیره متشکل از سه تا پنج نفر می‌باشد که با پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پس از تأیید مجمع عمومی با ابلاغ رئیس مجمع عمومی منصوب خواهند شد.

۵- ماده (۱۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۳- مدیرعامل، بالاترین مقام اجرایی سازمان است که با پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تصویب مجمع عمومی و تأیید و حکم رئیس مجمع عمومی منصوب می‌شود.»

آقای علیزاده - خیلی خوب. این اصلاحیه هم همان ایراد مربوط به مستند قانونی را دارد.

آقای مدرس‌یزدی - بله، استناد این مصوبه هم باید قانونی باشد.

آقای علیزاده - البته نه، این اشکالی ندارد. تصویب این مصوبه [توسط هیئت وزیران] را قانون، اجازه داده است.

آقای مدرس‌یزدی - بله؟

آقای علیزاده - در اینجا گفته است که بند (الف) [ماده (۷۲) قانون برنامه پنج‌ساله‌ی ششم توسعه] مستند قانونی‌اش است.

آقای مدرس‌یزدی - این مصوبه، اصلاح اساسنامه است.

آقای علیزاده - ماده (۷۲) را بخوانید. خود ماده (۷۲) اجازه داده است که اینها [= هیئت وزیران] مطابق ماده (۷۲) قانون برنامه‌ی ششم توسعه عمل کنند [و اساسنامه سازمان بیمه‌ی سلامت ایران را اصلاح کنند].

آقای یزدی - بله، این اصلاحیه بر اساس ماده (۷۲) است.

آقای علیزاده - [در زمان تصویب قانون برنامه‌ی ششم توسعه] هنوز این اساسنامه را اصلاح نکرده بودند. بند (الف) ماده (۷۲) قانون برنامه‌ی ششم گفته است که یک

سری کارها را بکنند. بعد در ادامه اش گفته است: «... اساسنامه این سازمان مطابق با قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ و در قالب شرکت دولتی به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.» تازه، این اولین بار است که هیئت وزیران دارد این اساسنامه را اصلاح می‌کند. بنابراین این مصوبه، از جهت استناد قانونی اشکالی ندارد. حتی آن تذکر [که در خصوص مصوبه‌ی مربوط به اصلاح اساسنامه‌ی سازمان خصوصی‌سازی دادیم] را هم ندارد.^(۱) حضرات آقایان فقهای که این اساسنامه را با این اصلاحاتی که در آن انجام شده است، خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند. اگر آقایان جمعاً، این اصلاحیه را خلاف قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند. خیلی خوب، آقایان رأی ندادند. بنابراین این اصلاح اساسنامه‌ی سازمان بیمه‌ی سلامت هم اشکالی ندارد.^(۲)

۱. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۵ مورخ ۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۴۱۹۶/۸۹۴۵ مورخ ۱۳۹۶/۱/۳۰، اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی مصوب جلسه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و شش هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد؛ اما مناسب است به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ نیز استناد گردد.»

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۵۹۷ مورخ ۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۴۲۲۰/۱۷۰۱۲ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷، اصلاح اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران مصوب جلسه مورخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و شش هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان

منشی جلسه - «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان»^(۱) دو مصوبه‌ی دیگر [= «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان» و «لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و کره»] مثل همین معاهده‌ای [= لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری] است که الآن خواندیم.

آقای عزیزاده - بله، بگویند که آقایان [= اعضای شورای نگهبان] تا من نرفته‌ام در مورد آنها هم نظر بدهند.

منشی جلسه - بله، این دو معاهده خدمت حاج آقای شب‌زنده‌دار است.

آقای مدرسی یزدی - آن نظری^(۲) که قبلاً در مورد این موافقتنامه فرستاده‌ایم، این بود

۱. لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۳۲/۱۴۷۰۸ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت بند (ت) ماده (۳) این مصوبه با موازین شرع را طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. پس از آن، شورای نگهبان مجدداً این مصوبه را در جلسات مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ و ۱۳۹۶/۳/۳۱ بررسی کرد و طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که به جز موارد ذکرشده در نامه‌ی قبلی شورا، سایر مواد این مصوبه مغایرتی با موازین شرع ندارد. با وصول نامه‌های شورای نگهبان به مجلس، نمایندگان مجلس با اصرار بر بند (ت) ماده (۳) مصوبه‌ی خود، این مصوبه را بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند. بررسی این مصوبه در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۳ دستور جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت که پس از بررسی، نظر مجلس شورای اسلامی عیناً مورد تأیید قرار گرفت.

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ شورای نگهبان: «در بند (ت) ماده (۳)، عموم بستگان چون شامل بستگانی می‌شود که نسبت به محکوم ولایت شرعی یا قانونی ندارند، در صورت عدم رضایت شخص ایشان، خلاف موازین شرع شناخته شد.

علاوه بر ایراد فوق، مصوبه دارای اشکالات متعدد دیگر شرعی است که متعاقباً به تفصیل اعلام خواهد شد.»

که [این موافقتنامه از جهات دیگری هم] خلاف شرع است؛ الآن باید بنویسیم که خلاف شرع نیستند.

آقای علیزاده - بله، گفته بودیم که این موافقتنامه خلاف شرع است.

منشی جلسه - نه، هنوز این نظر را اعلام نکرده‌ایم، ولی به این دو تا معاهده‌ای که الآن حاج آقای مدرسی یزدی دارند اشاره می‌فرمایند، اشکال گرفتیم.

آقای یزدی - حالا آن معاهده‌ای که می‌خواهید بخوانید، چیست؟

آقای شبزنده‌دار - این معاهده «لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان» است.

آقای جنتی - [ایراد قبلی ما، به مغایرت این موافقتنامه با قانون اساسی بوده است؟]

منشی جلسه - نه، ایراد ما شرعی بوده است.

آقای علیزاده - بله، ایراد ما به این دو معاهده از جهت شرعی بوده است؛ گفته بودیم که این موافقتنامه‌ها از جهت قانون اساسی اشکالی ندارند.

آقای مدرسی یزدی - در مورد این موافقتنامه قبلاً نظر داده‌ایم.

آقای علیزاده - ادامه‌ی بررسی این موافقتنامه مانده بود. این معاهده از قبل مانده است.

آقای شبزنده‌دار - در صفحه (۴) ماده (۱۱) را ببینید. صفحه (۴)، ماده (۱۱): «ماده

۱۱- ترتیبات اجرای حکم پس از انتقال

۱- دولت اجراءکننده موظف است

الف- اجرای حکم محکومیت را بلافاصله به دستور مرجع صلاحیت‌دار خود ادامه

دهد؛ یا «اشکال مربوط به این واژه‌ی «یا» است.^(۱) «ب- از طریق آیین قضایی،

مجازات تجویز شده در قانون دولت صادرکننده حکم را به مجازاتی که در قوانین

دولت اجراءکننده برای ارتکاب همان جرم پیش‌بینی شده است، جایگزین کند.»

مثلاً اگر فردی در ایران محکوم شده باشد، حالا اجازه می‌دهیم که قزاقستان برای این

جرم، یک مجازات دیگری غیر از این مجازات تعیین کند.

۱. «جایگزین شدن حکم دولت قزاقستان نسبت به حکم مشروع قضایی جمهوری اسلامی ایران، خلاف شرع است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۲ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/vdaB8

آقای مدرسی یزدی - [یعنی شخص مجرم در آن کشور به] مجازات اشد محکوم می‌شود یا خیر؟ البته به مجازات اشد محکوم نمی‌شود.

آقای شبزنده‌دار - معنی این ماده چیزی غیر از این است؛ می‌گوید شما می‌توانید محکومیت را تعویض کنید. خب، یعنی آن کشور، این قانون شرعی و حکم شرعی صادره در ایران را می‌تواند تعویض کند. آیا این امر عیبی ندارد؟ شما می‌فرمایید اینها اشکال دارد؟ حالا شما خودتان نظرتان را بفرمایید که اشکالش چیست؟

آقای مؤمن - من می‌گویم [اجازه دادن به کشور دیگر برای تغییر حکم مجازات صادره در ایران،] جایز نیست.

آقای مدرسی یزدی - بله، اطلاق این بند جایز نیست.

آقای شبزنده‌دار - آن بند (۱) ماده (۱۱) اشکال داشته است که اشکال را قبول کرده‌اند. حالا مجمع مشورتی فقهی گفته است که علاوه بر آن [اشکالات دیگری نیز بر این معاهده وارد است].

آقای علیزاده - «ماده ۱۱- ترتیبات اجرای حکم پس از انتقال

۱- دولت اجراءکننده موظف است:

الف- اجرای حکم محکومیت را بلافاصله به دستور مرجع صلاحیت‌دار خود ادامه دهد؛ یا

ب- از طریق آیین قضایی، مجازات تجویز شده در قانون دولت صادرکننده حکم را به مجازاتی که در قوانین دولت اجراءکننده برای ارتکاب همان جرم پیش‌بینی شده است، جایگزین کند.»

آقای شبزنده‌دار - خب ببینید؛ اینکه اجازه دهیم کشور دیگری، حکم قاضی شرع ایران را با حکمی که اصلاً در اسلام پذیرفته نیست، نقض کند و خلاف آن را اجرا کند، جایز نیست.

آقای مدرسی یزدی - یعنی آن کشور حکم را نقض می‌کند.

آقای مؤمن - خب، الآن آقایان فقها به این بند، ایراد نمی‌گیرند؟

آقای علیزاده - بله، مناسب است که به این ماده (۱۱) هم اشکال وارد شود. خب، حاج آقای جنتی، الآن فرق این دو تا معاهده با این معاهده‌ای که الآن رسیدگی کردیم [= لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه معاضدت

حقوقی متقابل در امور کیفری]، این است. در مورد این موافقتنامه قبلاً به این صورت جواب داده‌ایم که از جهت قانون اساسی اشکالی ندارد، اما از جهت شرعی اشکالاتی دارد که گفتیم متعاقباً اعلام خواهد شد.

آقای شبزنده‌دار - بله، گفتیم این موافقتنامه، اشکالات شرعی متعددی دارد.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - اما حالا باید بگوییم این موافقتنامه اشکالی ندارد. اگر می‌خواهید، می‌گوییم اشکالی ندارد. بگوییم با بررسی‌ای که به عمل آمد، به نظر اکثریت، این موافقتنامه خلاف شرع تشخیص داده نشد.

آقای جنتی - این موافقتنامه، مصداق همان اشکال کلی [به معاهدات در خصوص انتقال و استرداد محکومین] است دیگر.^(۱)

آقای علیزاده - بله، همان ایراد مطرح است. همه‌ی ایرادها همان [تفویض مقررات و احکام محاکم قضایی دیگر کشورها] است.

آقای شبزنده‌دار - نه، ایراد این موافقتنامه، یک‌خرده با آن ایراد فرق می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - در اینجا اشکال شدیدتر است.

آقای شبزنده‌دار - در این موافقتنامه، مجرم به یک حکمی که در اسلام هست، محکوم شده است، اما ما به کشور دیگری اجازه می‌دهیم که بتواند این حکم را اجرا نکند و حکم را نقض کند و همان حکمی که در کشور خودشان هست را جایگزین کند.

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، تفویض مقررات و احکام محاکم قضایی دیگر کشورها را مغایر با موازین شرع تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در بند (۱) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۰۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه تشریفات (پروتکل) انتقال محکومین به حبس الحاقی به موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان مصوب ۱۳۹۴/۹/۲۹ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۱- همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه اظهار نظر شده است، این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن، از جمله بندهای (۳) و (۴) ماده (۸) و بند (۲) ماده (۱۱)، اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجرا دانسته و نیز بعضی مواد آن مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور ترکمنستان و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

آقای مدرسی یزدی - بله، اجازه می‌دهیم آن کشور حکم ما را نقض کند.

آقای یزدی - این موافقتنامه می‌گوید حکم محکومیت مجرم را به خود کشور طرف مقابل می‌دهیم، یا می‌گوییم طبق قوانین خودت بر مجرم حکم بکن؛ در مقابل، آن کشور هم باید همین کار را بکند دیگر؛ یعنی اگر او هم محکوم را به ما داد، ما می‌توانیم محکومیتش را اجرا کنیم یا مجازات محکوم را مطابق نظر خودمان عمل کنیم. دو طرف این موضوع، متقابل است.

آقای شب‌زنده‌دار - خب، این عمل متقابل که اشکال دارد؛ چون اینجا ما ان‌شاءالله طبق اسلام حکم می‌کنیم.

آقای یزدی - این همان کاری است که اجرای یک طرف آن اشکال دارد، اما اجرای حکم یک طرف دیگر اشکال ندارد. این ایراد هم مثل همان ایراد معاهدات مشابه می‌شود دیگر؛ ایرادی غیر از این نمی‌شود.

آقای علیزاده - من یک مثال بزنم. ما در قانون، حبس با اعمال شاقه نداریم، اما برخی از کشورهای خارجی دارند.

آقای مدرسی یزدی - حالا شاید این معاهده تشدید مجازات را اجازه نداده باشد.

آقای علیزاده - چه فرمودید؟

آقای مدرسی یزدی - در این موافقتنامه، طرفین در بعضی جاها،^(۱) تشدید مجازات را اجازه نمی‌دهند. اگر حکم جایگزین، حکمی سبک‌تر باشد، طرفین می‌توانند آن را انجام بدهند. حالا من یادم نیست این مطلب کجای این موافقتنامه آمده بود.

آقای علیزاده - بله حاج‌آقا، آنجا که این موافقتنامه می‌گوید یک طرف حکم داده

۱. ماده (۱۱) لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۹۶/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- ترتیبات اجرای حکم پس از انتقال

۱- ...

۶- در صورت تبدیل حکم، دولت اجراءکننده آیین دادرسی خود را اعمال خواهد کرد. در هنگام تبدیل حکم؛ دولت اجراءکننده مکلف است:

الف- ...

پ- مجازات صادره علیه محکوم را تشدید نکند و ملتزم به رعایت هیچ‌نوع حداقلی در طول مجازات که قانون داخلی دولت اجراءکننده ممکن است برای جرم یا جرائم ارتكابی مقرر داشته باشد، نباشد.

۷- ...»

است، [نباید حکم طرف دیگر شدیدتر باشد]. فرض کنید الآن قزاقستان حکم به اعمال شاقه داده است؛ وقتی مجرم به ایران می‌آید، [آیا باید حکم حبس با اعمال شاقه هم اجرا شود؟]

آقای مدرسی یزدی - ما می‌توانیم این حکم را تخفیف بدهیم، اما عکس این موضوع هم هست؛ مثلاً فرض کنید ما به اعمال شاقه حکم داده باشیم، ولی آنها چنین حکمی ندارند.

آقای علیزاده - مثلاً ما مجرم را محکوم به اعمال شاقه کرده‌ایم، ولی آنها این حکم را ندارند؛ چون آنها در مجازاتشان این اعمال شاقه را ندارند، ما هم یک حکم معمولی می‌دهیم.

آقای یزدی - ببینید؛ صرف نظر از اختلاف موضوع یا حکم در محکمه‌ی ما با محکمه‌ی آنها، مسئله به این شکل در می‌آید که وقتی استرداد و تبادل انجام گرفت، باید محکومیت شخص را هم به او بگویند که در کشورهای دو طرف، مطابق محکومیتی که مجرم داشته است، همان‌طوری عمل شود. هر حکمی در اینجا برای محکوم داده‌اند، در آنجا هم همان‌طور عمل شود؛ هر حکمی هم در آنجا برایش دادند، اینجا طبق آن عمل شود؛ یا این کار را بکنند یا مجرم را در اختیار طرف دیگر بگذارند. اینکه یا مجرم را در اختیار اجراکننده بگذارند، برای دو طرف قابل اعمال است؛ یعنی اگر در یک کشور محکومیت مجرم را نگویند، آنها باید مجرم را مطابق قوانین خودشان محاکمه بکنند، ما هم مطابق قوانین خودمان مجرم را محاکمه بکنیم؛ این حکم برای دو طرف معاهده است دیگر.

آقای علیزاده - بله.

آقای شبزنده‌دار - نه، در کشور اجراکننده، دیگر مجرم را محاکمه نمی‌کنند؛ مجازات‌های خودشان را جایگزین مجازات کشور صادرکننده می‌کنند.

آقای یزدی - منظور، همان است دیگر.

آقای شبزنده‌دار - نه، دوباره مجرم را محاکمه نمی‌کنند. در کشور اجراکننده مفروض می‌گیرند که محاکمه‌ی مجرم درست است.

آقای یزدی - چرا دیگر؛ ببینید؛ دولت اجراکننده، یا باید حکم محکومیت را بلافاصله بدهد یا اینکه این کار را نکند و دولت صادرکننده‌ی حکم، مجازات را در اختیار کشور

اجراکننده بگذارد که برابر قانون دولت صادرکننده‌ی حکم، عمل بکند.

آقای عزیزاده - حضرت آقا، چرا معنای این ماده را عوض کردید؟

آقای یزدی - آخر اشکال شما روی این کلمه‌ی «یا» است. اشکال شما روی بند دوم ماده (۱۱) است. خوب، این اختیار هم دوطرفه است.

آقای شبزنده‌دار - بله، این موضوع، از طرف آن کشور هم مطرح است. حکم مجازات را به مجازاتی که طبق قانون خودشان است، تبدیل می‌کنند.

آقای عزیزاده - حاج آقای شبزنده‌دار، ممکن است آنجایی که شما مورد نظرتان است، در مورد مجازاتی مثل رفع ید و امثال این باشد.

آقای شبزنده‌دار - حالا دیگر هر چه باشد.

آقای عزیزاده - مجرمین در مورد این جرائم اصلاً قابل استرداد نیستند؛ برای اینکه اینجا نوشته است که اگر مجازات‌های طرفین «مجازات‌های حبس یا سالب آزادی» باشد، [مشمول این موافقتنامه است].^(۱) یعنی در مجازات بدنی اصلاً مجرم را قابل استرداد نمی‌داند. پس آن مجازاتی که در شرع تعیین شده است، اصلاً شامل آنها نمی‌شود.

آقای یزدی - بله، این موافقتنامه، شامل مجازات‌های تعیین شده در شرع نمی‌شود. این نکته‌ی مهمی است.

آقای شبزنده‌دار - نه، اشکال این است که قاضی شرع اینجا، حکمی کرده است [که آنجا اجرا نمی‌شود].

۱. ماده (۱) لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۹۶/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- تعاریف

مفهوم اصطلاحات به کاررفته در این موافقتنامه، به شرح زیر می‌باشد:

الف- «دولت صادرکننده» به دولتی اطلاق می‌شود که حکم به مجازات حبس یا دیگر مجازات‌های سالب آزادی شخصی که ممکن است انتقال یابد یا انتقال یافته است، از سوی دادگاه‌های آن صادر شده باشد.

ب- «دولت اجراءکننده» دولتی است که حکم به مجازات حبس یا سالب آزادی را که درباره شخص دارای تابعیت آن صادر شده در قلمرو خود اجراء می‌کند.

پ- «محکوم» به شخصی اطلاق می‌شود که به موجب حکم صادرشده از دادگاه‌های یکی از طرف‌های متعاقد به علت ارتکاب جرم، به مجازات حبس یا سالب آزادی محکوم شده باشد.

ت- ...»

آقای علیزاده - حالا دیگر این اشکال مثل بقیه‌ی آن مواردی است که قبلاً گفته‌اید [و آن اشکال رأی نیاورد].

آقای شبزنده‌دار - نه.

آقای یزدی - ولی به قول ایشان [= آقای علیزاده] احکام مجازات بدنی در این موافقتنامه مطرح نیست.

آقای علیزاده - بله حاج آقای شبزنده‌دار، می‌دانم چه می‌فرمایید. شما می‌گویید مثلاً قاضی ما حکم داده است که این مجرم علاوه بر اینکه حبس می‌شود، روزی چهار ساعت هم برود کار بکند، به بیمارستان برود و مریض ببیند یا به شهرداری برود و جاروکشی بکند.

آقای شبزنده‌دار - مثلاً همین‌طور است. حالا حکم هر چه باشد، این موافقتنامه می‌گوید که می‌شود در آنجا [در کشور اجراکننده، مجازات جدیدی را] تعریف کنند.

آقای علیزاده - اما کشور طرف مقابل می‌گوید ما فقط اجازه‌ی تغییر مجازات حبس را داده‌ایم؛ جاروکشی یا اینکه مجرم به بیمارستان برود نداریم. می‌گویند ما فقط در مورد حبس عمل می‌کنیم. می‌گویند ما علاوه بر حبس، چیز دیگری را در قانونمان قبول نداریم. وقتی مجرم را استرداد کردیم، کشور طرف مقابل، باید این کار را بکنند.

آقای یزدی - بر اساس بند (۱) ماده (۱۱)، در درجه‌ی اول، اجرای خود محکومیت اولیه مورد نظر است، بعد در جزء بعدی می‌گوید یا این کار جایگزین کردن مجازات را بکنند.

آقای علیزاده - بله، معنی بند (۱) این است. حالا آقایان فقهای شورای نگهبان، این را خلاف شرع می‌دانند یا نمی‌دانند؟

آقای یزدی - این همان اختلاف مبنایی [= تنفیذ مقررات و احکام محاکم قضایی دیگر کشورها] است که من آن را خلاف شرع نمی‌دانم.

آقای علیزاده - عکس این موضوع هم مطرح است. من متوجه شدم.

آقای مؤمن - این مسئله، اختلاف مبنایی است.

آقای علیزاده - بله، همان اختلاف مبنایی است دیگر.

آقای مؤمن - حاج آقای شبزنده‌دار، به نظر می‌رسد که اشکال تازه‌ای در این موافقتنامه پیدا نمی‌شود.

آقای علیزاده - فکر نمی‌کنم اشکال جدیدی مطرح باشد، ولی من اتمام حجت را کردم دیگر.

آقای مؤمن - بله دیگر؛ آرای موافق با این ایراد، چهار تا رأی نمی‌شود.

آقای یزدی - بقیه‌ی ایرادها را بخوانید.

آقای علیزاده - خیلی خوب، ظاهراً بقیه‌ی ایرادها هم، همه همین‌طور است.

آقای شبزنده‌دار - خوب، بند (۲) ماده (۱۱) یک اشکال عبارتی دارد. «ماده ۱۱ -

ترتیبات اجرای حکم پس از انتقال

۱- ...

۲- دولت اجراءکننده در صورت درخواست موظف است پیش از انتقال محکوم،

به دولت صادرکننده حکم اطلاع دهد که کدام یک از رویه‌های مندرج در ماده

(۱) را به‌عمل خواهد آورد.» بند (۲) می‌گوید: «۲- دولت اجراءکننده در صورت

درخواست موظف است پیش از انتقال محکوم، به دولت صادرکننده حکم اطلاع دهد

که کدام یک از رویه‌های مندرج در ماده (۱) را به‌عمل خواهد آورد.»

آقای علیزاده - این بند که دیگر بحث نمی‌خواهد.

آقای شبزنده‌دار - ولی ما اینجا در این موضوع که ماده (۱) نداریم؛ یعنی اینکه بند

(۲) همان حکم بند قبلی این ماده را می‌گوید.

آقای یزدی - خوب این موضوع که ساده است دیگر. بند (۲) می‌گوید آن دو راهی را

که قبلاً گفتیم، دولت اجراءکننده باید اطلاع بدهد که کدامش را عمل می‌کند.

آقای شبزنده‌دار - بحث این بند، در مورد ماده (۱) است، در حالی که ما در بحث

اینجا، ماده (۱) نداریم. پس باید منظور در اینجا، بند (۱) ماده (۱۱) باشد. عبارت «ماده

(۱)» باید به «بند (۱) ماده (۱۱)» تبدیل بشود.

آقای یزدی - بله، بستگی به همان بحث قبلی دیگر دارد. بند قبلی، آن دو راه را داشت

دیگر.

منشی جلسه - من درست گفتم؛ این را اشتباه نوشته‌اند.

آقای یزدی - دولت اجراءکننده، یا همان حکم دولت صادرکننده را اجرا می‌کند یا از

طریق [آیین قضایی حکم خودش را اجرا می‌کند].

آقای شبزنده‌دار - دولت اجراءکننده باید از قبل بگوید که ما همان حکم دولت

صادرکننده را می‌خواهیم اجرا کنیم یا مجازات دیگری جایگزین می‌شود.

آقای یزدی - فرضاً اجراکننده به دولت صادرکننده‌ی حکم بگوید که کدام یک از این دو تا را می‌خواهد اجرا کند. حالا اشکالش چیست؟

آقای مؤمن - این عبارت «ماده (۱)»، اشتباه است.

آقای شبزنده‌دار - نه، این بند، به ماده (۱) اشاره دارد، در حالی که ماده (۱) این موافقتنامه ربطی به این حرف‌ها ندارد؛ چون که ماده (۱) دارد تعاریف را می‌گوید.

منشی جلسه - این بند خوب است؛ فقط بالطبع منظورش «بند (۱) ماده (۱۱)» است.

آقای مؤمن - پس این «ماده (۱)»، باید «بند (۱) ماده (۱۱)» باشد.

آقای یزدی - بند (۲) ماده (۱۱) می‌گوید: «۲- دولت اجراءکننده در صورت درخواست موظف است پیش از انتقال محکوم، به دولت صادرکننده حکم اطلاع دهد که کدام یک از رویه‌های مندرج در ماده (۱) را به‌عمل خواهد آورد.»

آقای علیزاده - منظور در اینجا، عبارت «بند (۱) ماده (۱۱)» است.

آقای یزدی - اینجا عبارت «در بند (۱)» را ننوشته است؛ این اشکال دارد.

آقای شبزنده‌دار - آهان، یعنی یا باید «ماده (۱)» به «بند (۱)» تبدیل بشود، یا باید به «بند (۱) ماده (۱۱)» تبدیل بشود.

آقای علیزاده - منظور، بند (۲) همین ماده‌ای است که مورد بحث است؛ یعنی بند (۲) ماده (۱۱). عبارت «ماده (۱)» باید به «بند (۱)» تغییر کند. این را تذکر بدهید.

آقای یزدی - بله، «ماده (۱)» به «بند (۱)» اصلاح بشود؛ درست است. این، اصلاح عبارتی است. این ایراد درست است. اینجا بند (۱) درست است؛ چون منظور، آن دو قسمتی است که در بند (۱) آمده است.

آقای علیزاده - عبارت «در بند (۱) ماده (۱۱)» درست است. الآن یک تذکر داریم.

آقای یزدی - درست است. این دقت آقایان مورد تقدیر است.

آقای مدرسی یزدی - این موافقتنامه، اشکالات متعدد شرعی دارد، ولی ما فقط یک تذکر داریم!

آقای شبزنده‌دار - عبارت یا به «بند (۱)» تبدیل بشود یا به «بند (۱) ماده (۱۱)» تبدیل بشود؛ چون ممکن است اگر این عبارت «ماده (۱۱)» [نیاید، عبارت ابهام داشته باشد].

آقای مؤمن - بالاخره اگر عبارت «بند (۱)» را بگویند، معلوم است. خوب در بند (۲)،

عبارت «ماده (۱)»، یعنی «بند (۱)».

آقای شبزنده‌دار - عبارت «ماده (۱۱)» هم باید باشد.

آقای علیزاده - بله، اگر این عبارت «ماده (۱۱)» باشد، خوب است. عبارت باید به «بند (۱) ماده (۱۱)» یا «بند (۱) این ماده» اصلاح شود.

آقای مؤمن - منظور، همین است. بند (۲) مربوط به بند (۱) این ماده است.

آقای شبزنده‌دار - بند (۱) این ماده ملاک است. منظورشان، باید این طوری باشد.

آقای یزدی - بله، درست است.

آقای علیزاده - بله، باید بنویسند: «... رویه‌های مندرج در بند (۱) را به عمل خواهد آورد.» اگر عبارت «بند (۱)» را بنویسند، منظورشان معلوم است. «ماده (۱)» باید به «بند (۱)» اصلاح شود.

منشی جلسه - دیگر این عبارت «ماده (۱۱)» را نمی‌خواهد؟

آقای علیزاده - نخیر.^(۱)

آقای مؤمن - ایراد بعدی را بفرمایید.

آقای شبزنده‌دار - اشکالات بعدی که آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] دارند، شبیه همین اشکالاتی است که بالاخره آقایان فقهای شورا قبول نمی‌کنند که اطلاق تنفیذ احکام قضایی کشور خارجی خلاف شرع است.^(۲)

آقای علیزاده - خیلی خب، فقهای شورا قبول ندارند.

آقای شبزنده‌دار - این اشکالات، مثل همان اشکالات است دیگر. حالا اگر من اینها را دوباره ذکر کنم، بی‌جهت است. ایراد مجمع مشورتی فقهی در مورد بند (۶) ماده (۱۱)^(۳) را ببینیم که چیست؟ این مجمع به ماده (۱۳) هم ایراد گرفته است.

۱. تذکر مندرج در نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «در بند (۲) ماده (۱۱)، عبارت «ماده (۱)» باید به «بند (۱)» اصلاح گردد.»

۲. «۱- ایراد بخش (۵) در این بخش نیز جاری است.

۳- منع از تبدیل نمودن به مجازات مالی از جهت شمول نسبت به منع نمودن دولت جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قضاء اسلامی عمل می‌نماید، خلاف شرع است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۲ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر:

yon.ir/PdrBY

۳. بند (۶) ماده (۱۱) لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری

منشی جلسه - البته حاج آقای شبزنده‌دار، به بند (ت) ماده (۳) این موافقتنامه قبلاً ایراد گرفته بودیم و گفته بودیم که خلاف شرع است.

آقای علیزاده - ماده (۱۳) می‌گوید: «ماده ۱۳- تجدید نظر در حکم محکومیت فقط دولت صادرکننده حکم حق تجدید نظر نسبت به حکم محکومیت شخص را دارد. نسخه مصدق آراء محاکم دولت صادرکننده که مجازات را لغو یا تبدیل می‌کند و سایر اسناد لازم بی‌درنگ به مراجع صلاحیت‌دار دولت اجراءکننده ارسال می‌شوند به نحوی که این مراجع بتوانند در خصوص اجرای حکم به نحو مقرر در ماده (۱۱) این موافقتنامه تصمیم بگیرند.»

آقای شبزنده‌دار - حالا اشکال این ماده هم همان است که بالاخره حق تجدید نظر در حکم مجرم مسلمان ایرانی را به طرف مقابل داده است. مجمع مشورتی فقهی گفته است: «اعطاء حق تجدید نظر به طرف مقابل نسبت به مجرم مسلمان ایرانی خلاف شرع می‌باشد.»^(۱)

آقای علیزاده - این اشکال، عین همان حرف‌ها است دیگر.

آقای مؤمن - بله، این ایراد، رأی نمی‌آورد.

آقای علیزاده - بله، این ایراد هم مثل همان ایرادات قبلی است.

آقای شبزنده‌دار - خب، بررسی این موافقتنامه هم دیگر تمام است. اشکالات همین‌ها است.

→

قزاقستان مصوب ۱۳۹۶/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- ترتیبات اجرای حکم پس از انتقال

۱- ...

۶- در صورت تبدیل حکم، دولت اجراءکننده آیین دادرسی خود را اعمال خواهد کرد. در هنگام تبدیل حکم دولت اجراءکننده مکلف است:

الف- مجازاتی را که مستلزم محرومیت از آزادی است به یک مجازات مالی تبدیل نکند

ب- کل دوره مجازات سلب آزادی که محکوم تحمل کرده است را کسر کند

پ- مجازات صادره علیه محکوم را تشدید نکند و ملتزم به رعایت هیچ‌نوع حداقلی در طول مجازات که قانون داخلی دولت اجراءکننده ممکن است برای جرم یا جرائم ارتكابی مقرر داشته باشد، نباشد.

۷- ...»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۶/ف/۱۲۲ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/PdrBY

منشی جلسه - حاج آقا، در این موافقتنامه، فقط ما قبلاً به بند (ت) ماده (۳)^(۱) یک ایراد خلاف موازین شرع گرفته بودیم. بعداً گفتیم علاوه بر ایراد فوق، این مصوبه دارای اشکالات متعدد دیگر شرعی است که متعاقباً به تفصیل اعلام خواهد شد.

آقای علیزاده - بنویسید ضمن بررسی‌هایی که به عمل آمده است، اشکال دیگری ملاحظه نشده است.

منشی جلسه - فقط همین تذکر را بنویسیم دیگر؟

آقای علیزاده - بله، فقط همین تذکر را بنویسید.

منشی جلسه - باشد.^(۲)

۱. جزء (ت) بند (۱) ماده (۳) لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۹۶/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- شرایط انتقال محکومین
۱- محکوم فقط تحت شرایط زیر می‌تواند منتقل شود:
الف - ...

ت- محکوم، به انتقال خود رضایت داده یا با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی و روانی او، بستگان نزدیک یا نماینده قانونی وی یا یکی از طرفهای متعاقد، انتقال او را درخواست کند.»

۲. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۱ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۳۲/۱۴۷۰۸ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۰/۱۴۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰، لایحه موافقتنامه انتقال محکومین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان مصوب جلسه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- با بررسی‌های به عمل آمده به غیر از ایراد شرعی اعلام شده، مصوبه مذکور از جهات دیگر خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد.
تذکر:

- در بند (۲) ماده (۱۱)، عبارت «ماده (۱)» باید به «بند (۱)» اصلاح گردد.»

لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره

آقای علیزاده - «لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره»^(۱)

حاج آقای شب‌زنده‌دار، اشکالات این مصوبه را هم بفرمایید. اشکالات این معاهده را هم بخوانیم تا دستورهای این جلسه تمام بشود.

آقای شب‌زنده‌دار - حالا چون برخی اشکالاتی که در نظر مجمع مشورتی فقهی نسبت به این مصوبه آمده است، اشکالاتی است که بالاخره در اینجا [= در بین فقهای شورای نگهبان] رأی ندارد، من اشکالات را از ماده (۱۰) این معاهده شروع می‌کنم.

آقای علیزاده - بله. خب این ایرادها همان ایرادها است [که در دیگر معاهدات بررسی شده در این جلسه، همچون «لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین» آمده بود و رأی کافی نداشت]. وقتتان را تلف نکنید.

آقای شب‌زنده‌دار - اشکال ماده (۱۰) چیز دیگری است.

آقای علیزاده - ماده (۱۰) معاهده بین ایران و کره را بیاورید.

آقای شب‌زنده‌دار - این ماده می‌گوید: «ماده ۱۰- استرداد ساده شده

هرگاه شخص مورد نظر به دادگاه یا سایر مراجع صلاحیت‌دار طرف درخواست‌شونده اعلام نماید که به دستور استردادی که در حال انجام است رضایت دارد طرف درخواست‌شونده می‌تواند تمامی اقدامات لازم برای تسریع

۱. لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۱۴/۱۴۶۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی اجمالی این مصوبه، طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۰/۱۴۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که ایرادهای شرعی این مصوبه را متعاقباً به مجلس اعلام خواهد کرد. پس از آن، بحث و بررسی در خصوص مفاد این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۴ و ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان انجام شد، لیکن نظر برخی از اعضا در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع، رأی کافی نیاورد و بدین لحاظ، نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

استرداد را تا آنجا که قانون اجازه می‌دهد انجام دهد.» نسبت به این ماده، آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] گفته‌اند: «رضایت شخص به استرداد در مواردی که استرداد شخص جایز نمی‌باشد، نافع نیست.»^(۱) یعنی در جایی که استرداد جایز نیست، اگر شخص بگوید من به استرداد راضی هستم، اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا شما [فقه‌های شورای نگهبان] به اصل موضوع استرداد اشکال وارد نکردید، حالا به این موضوع اشکال وارد می‌کنید؟!

آقای علیزاده - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - بله؟

آقای مدرسی یزدی - وقتی اصل استردادش را شما قبول کردید [دیگر این اشکال وجهی ندارد].

آقای شب‌زنده‌دار - خب، منظور جاهایی است که به استرداد اشکال وارد می‌کنیم.

آقای علیزاده - ماده (۱۰) در مورد فرضی است که دستور استرداد در حال انجام است؛ این مجرم هم می‌گوید من هم موافق هستم.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، این ماده می‌گوید وقتی که مجرم رضایت بدهد، طرف درخواست‌شونده می‌تواند استرداد را تسریع کند.

آقای علیزاده - بله، در این حالت، استرداد را تسریع می‌کنند. ببینید؛ این ماده در مورد حالتی است که اصل استرداد را انجام داده‌اند. حالا این آقایی که مورد استرداد است می‌گوید من هم قبول دارم؛ استرداد را تسریع بکنید. این مطلب که اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - فرض بر این است که استرداد در حال انجام است.

آقای یزدی - بله، هیچ اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - بله، استرداد در حال انجام است. این ماده هیچ اشکالی ندارد. دولت طرف معاهده درخواست استرداد کرده است؛ خود آن آقای مجرم هم می‌گوید من استرداد را قبول دارم. حالا این ماده می‌گوید این درخواست، سبب تسریع در استرداد می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً ضرورتی به آوردن این ماده نبود؛ بیخودی این ماده را در

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۳/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/EtIEH

معاهده آورده‌اند.

آقای مؤمن - اگر مجرم بگوید راضی به استرداد نیستم، جای بحث دارد، ولی اینجا که جای بحث ندارد. اگر خود مجرم بگوید راضی به استرداد هستم، چه ایرادی دارد؟ ایرادی ندارد؛ چون خودش می‌گوید راضی هستم.

آقای علیزاده - بله، مجرم می‌گوید من راضی‌ام.

آقای شبزنده‌دار - نه، خب در مواردی که استرداد جایز نیست، [رضایت مجرم نافع نیست؛ چون] خود مجرم که نمی‌تواند راضی به امر خلاف شرع باشد.

آقای مؤمن - در اینجا خلاف شرع چیست؟ چرا خلاف شرع باشد؟

آقای یزدی - خودش راضی است و می‌گوید من موافقم که دولت این کار را بکند و من را به آن کشور بدهد.

آقای علیزاده - بله، حالا اصل استرداد را که آقایان فقهای شورا واجد ایراد نمی‌دانند. با این ماده، که استرداد وضعش بهتر شده است.

آقای یزدی - خب، ایراد بعدی چیست؟

آقای شبزنده‌دار - در مورد ماده (۱۵) ابهام داریم.

آقای یزدی - ماده (۱۵) در مورد تحویل موقت یا معوق است.

آقای مدرسی یزدی - اشکال این ماده، همان اشکال قبلی است؟

آقای علیزاده - بله، همان اشکال قبلی است که در مورد آن معاهده‌ی دیگر [= لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین] هم مطرح بود.

آقای شبزنده‌دار - حالا من اشکال مجمع مشورتی فقهی را می‌خوانم.

آقای یزدی - ماده (۱۵) می‌گوید: «ماده ۱۵- تحویل موقت یا معوق

۱- چنانچه شخص مورد نظر به دلیل جرمی غیر از آنچه که استرداد در مورد آن درخواست شده است، در طرف درخواست‌شونده تحت رسیدگی یا در حال گذراندن محکومیت باشد، طرف درخواست‌شونده می‌تواند پس از اتخاذ تصمیم خود در مورد درخواست استرداد، تحویل آن شخص را تا زمان پایان یافتن رسیدگی‌های کیفری یا سپری نمودن تمام یا هر بخش از محکومیت صادره به تعویق اندازد. تعویق مزبور به آگاهی طرف درخواست‌کننده خواهد رسید.

۲- هرگاه معلوم گردد که شخص قابل استرداد است، طرف درخواست شونده تا آنجا که قانون آن اجازه می‌دهد می‌تواند به جای تعویق استرداد، شخص مورد نظر را طبق شرایطی که بین طرف‌ها تعیین خواهد شد به طور موقت به منظور پیگرد به طرف درخواست‌کننده تحویل دهد. شخصی که پیرو تحویل موقت به طرف درخواست‌شونده بازگردانده می‌شود را می‌توان طبق مفاد این معاهده نهایتاً به طرف درخواست‌کننده جهت گذراندن هرگونه محکومیت صادره تحویل نمود.»

آقای مؤمن - کجای این ماده ایراد دارد؟

آقای عزیزاده - همان‌جا که می‌گوید: «۱- ... تحویل آن شخص را تا زمان پایان یافتن رسیدگی‌های کیفری یا سپری نمودن تمام یا هر بخش از محکومیت صادره به تعویق اندازد. تعویق مزبور به آگاهی طرف درخواست‌کننده خواهد رسید.»

آقای شب‌زنده‌دار - آقایان [در مجمع مشورتی فقهی] گفته‌اند: «سپری شدن بخشی از محکومیت، دارای ابهام است و اگر منظور سپری شدن بخش مانده از محکومیت باشد مانعی ندارد و اگر منظور سپری شدن بخشی از دوره محکومیت - در فرض بقاء سایر بخش‌های محکومیت - باشد موجب تعطیل شدن قضاء اسلامی و خلاف شرع می‌باشد.»^(۱)

آقای مؤمن - بله.

آقای عزیزاده - این، همان ایراد قبلی است دیگر.

آقای یزدی - این ماده اشکالی ندارد. اگر در کشور درخواست‌شونده، دارند به جرم این شخص، تحت جرم دیگری رسیدگی می‌کنند و استرداد، تحت یک جرم خاصی انجام گرفته است، رسیدگی به جرم دیگر او می‌تواند معوق بماند تا وقتی که این وضعیت رسیدگی به آن چیزی که به خاطر آن درخواست استرداد او انجام گرفته است تمام بشود. معنای ماده (۱۵) این است.

آقای عزیزاده - بله، حالا مجدداً راجع به این موضوع بحث نکنیم. اشکالات [مجمع مشورتی فقهی] تمام شد؟ باز هم اشکالی دارید؟

آقای مؤمن - باز اشکالی دارید؟

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۳/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/EtIEH

آقای مدرسی یزدی - نه، چیز دیگری نیست.

آقای علیزاده - حاج آقای شب‌زنده‌دار، چیز دیگری مانده است؟

آقای شب‌زنده‌دار - بله، حالا این ماده (۱۶)^(۱) هم به همان شکل است دیگر.^(۲)

آقای علیزاده - بله، ایراد این ماده هم از همان سنخ است.

آقای یزدی - تمام شد؟

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - اشکال آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی] در مورد ماده (۱۵) چه شد؟ ماده (۱۵) اشکالی نداشت؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، همین اشکالی بود که قبلاً [در لایحه معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمین] گفته شد [و رأی نیارورد].

آقای یزدی - نه، به نظر من که آن موضوع اشکالی ندارد. چه اشکالی دارد؟ استرداد به خاطر یک جرمی دارد انجام می‌گیرد که غیر از این جرمی است که مجرم در محکمه‌ی خاص به خاطر جرم دیگرش، تحت محاکمه است. این رسیدگی تأخیر می‌افتد تا کار بررسی آن جرم دیگر انجام شود، بعد به این جرم می‌رسند.^(۳)

۱. بند (۱) ماده (۱۶) لایحه معاهده استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۶- تحویل اموال
۱- تا جایی که قوانین طرف درخواست‌شونده اجازه می‌دهد و با رعایت حقوق طرف‌های ثالث که به طور مناسب محترم شمرده خواهد شد، تمامی اموال یافت‌شده در قلمرو طرف درخواست‌شونده را که در نتیجه جرم تحصیل شده‌اند یا ممکن است به عنوان دلیل مورد نیاز باشند، در صورت درخواست طرف درخواست‌کننده می‌توان تحویل داد به شرط آنکه استرداد پذیرفته شده باشد.
۲- ...»

۲. «اگر قوانین شامل قانون اساسی از جمله اصل چهارم قانون اساسی شود، ایرادی نیست، و آلا قوانین از جهت شمول نسبت به قوانین خلاف شرع، دارای ایراد است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۲۳/ف/۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۶، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/EtIEH

۳. نظر شماره ۹۶/۱۰۲/۱۶۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۱۴/۱۴۶۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۲/۳۰ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۰/۱۴۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۳/۲۰، لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره مصوب جلسه مورخ نوزدهم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- با بررسی‌های به عمل آمده، مصوبه مذکور خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شورا است. این خیلی چیز خوبی است... فرض
نفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سابقه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها درآمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی،

کوچه شهید دهقانی‌نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir